



نقد و بررسی

متن توافقنامه ژنو

حقیقت توافق ژنو از روایات واقعیت

دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی

سَمِيعٌ عَلِيمٌ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ
وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَى
رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ



نقد و بررسی

متن توافقنامه ژنو

حقیقت توافق ژنو از رؤیا تا واقعیت

دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی

«وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ
أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ
وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»

«و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش
کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به
گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) به غضب خدا
گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم،
و چه بد جایگاهی است!»
(انفال: ۱۷)

نقد و بررسی متن توافقنامه ژنو

حقیقت توافق ژنو از رؤیا تا واقعیت

شمارگان: ۲۰۰۰

نشر دیجیتال: ۱۳۹۲

هر گونه نشر و کپی جایز است.

«دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی»

«کارگروه گفتمان استکبارستیزی»

فهرست Index

۹	کلیات توافقنامه ژنو
۱۰	این يك توافق نامه است
۱۰	تعهدات ما بین المللی شد
۱۱	عدم نقش مجلس در تصویب یا رد این توافق نامه
۱۱	تاکید بر متن انگلیسی توافق نامه است
۱۱	معرفی اجمالی توافق نامه
۱۲	زمان اجرای هر يك از گام ها
۱۲	نتایج عدم معین بودن زمان بندی گام ها:
۱۳	واژگان متن قابلیت برداشت های متعدد را دارد
۱۳	وجود ابهامات متعدد در توافق نامه
۱۴	اظهارات متناقض طرفین و ضرورت بررسی دقیق توافق نامه
۱۵	تاکید غیرطبیعی بر محرمانه بودن مذاکرات
۱۷	بررسی مقدمه توافق نامه ژنو
۱۸	متن انگلیسی مقدمه
۱۹	ترجمه فارسی مقدمه
۱۹	برنامه مشترک اقدام
۲۰	مقدمه
۲۰	بررسی برخی زوایای مقدمه
۲۱	حقوق هسته ای و حق غنی سازی

۲۵	حق غنی‌سازی در NPT
۲۵	غنی‌سازی در توافق‌نامه ژنو
۲۷	اظهارات شفاهی طرف غربی درباره حق غنی‌سازی ایران
۲۸	شورای حل اختلاف توافق‌نامه ژنو
۲۹	آثار ناظر شدن آژانس بر تعهدات ما در توافق‌نامه
۳۰	ورود اتحادیه اروپا با ۲۵ کشور به روند مذاکرات بعدی
۳۰	اگر برای اختلافی مانند حق غنی‌سازی به دادگاه برویم به نفع چه کسی حکم می‌شود؟
۳۳	بررسی گام اول توافقنامه ژنو
۳۴	متن انگلیسی گام اول
۳۶	ترجمه فارسی گام اول
۳۶	عناصر گام اول
۳۹	بررسی برخی از مفاد گام اول
۳۹	زمان‌بندی گام اول
۴۰	زمان‌بندی ۶ ماهه قابل تمدید برای گام اول
۴۱	بررسی اجمالی آن چه متعهد شده‌ایم
۴۱	عدم موازنه داده - ستانده
۴۱	پذیرش نظارت‌های خطرناک
۴۲	نظارت‌های تعیین‌شده شبکه تأمین ما را به خطر می‌اندازد
۴۳	خالی شدن دست ما از امتیازات بعدی
۴۳	از دست رفتن ابزار اصلی چانه‌زنی در مذاکرات جامع
۴۳	چگونه موازنه قدرت و ابزار فشار ما در این مذاکرات از بین می‌رود؟
۴۴	ترمیم سازمان‌شکننده تحریم‌ها با توافق ژنو
۴۵	تعلیق بالای ۵ درصد تا ۲۰ درصد
۴۵	بررسی اجمالی آن چه به دست آورده‌ایم
۴۷	باقی ماندن معماری اصلی تحریم‌ها
۴۷	تعلیق (Suspend) تحریم‌ها
۴۸	حتی در گام نهایی نیز همه تحریم‌ها لغو نمی‌شود
۵۲	بحثی پیرامون تحریم‌ها
۵۲	دو تحریم مهم
۵۳	تحریم فروش نفت خام
۵۴	تحریم انتقال پول ناشی از فروش نفت ایران

۵۵ بررسی گام دوم توافقنامه ژنو

۵۶	متن انگلیسی گام دوم
۵۶	ترجمه فارسی گام دوم
۵۶	زمان آغاز و پایان گام دوم
۵۶	بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد
۵۶	تاریخچه تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران
۵۹	مفاد کلی قطعنامه‌های شورای امنیت چه بود؟
۵۹	چند نکته مهم
۶۱	چند سؤال بی جواب

۶۳ بررسی گام نهایی توافقنامه ژنو

۶۴	متن انگلیسی گام نهایی
۶۵	ترجمه فارسی گام نهایی
۶۵	عناصر گام نهایی راه حل جامع*
۶۶	زمان شروع و اتمام گام نهایی؛ گام پایانی طولانی مدت

۶۷ بررسی برخی قیود ابهام‌آمیز گام نهایی

۶۷	نیازهای عملی
۶۸	چگونه قید «نیاز عملی» می‌تواند به تعطیلی غنی‌سازی در ایران منجر شود؟
۶۸	اعتراف مقامات آمریکایی درباره قید «نیازهای عملی»
۷۱	رفع نگرانی درباره رآکتور آب سنگین اراک
۷۱	آیا در گام نهایی بالاخره تحریم‌ها برداشته می‌شود؟
۷۲	آیا در گام نهایی حق غنی‌سازی برای ما به رسمیت شناخته شده است؟
۷۴	تعطیلی بازفرآوری به طور کلی

۷۵ درخواست پذیرش پروتکل الحاقی در گام نهایی

۷۵	چالش‌های پذیرش پروتکل الحاقی
----	------------------------------

۷۹ بررسی گام بعد توافقنامه ژنو

۸۰	متن انگلیسی گام بعد
۸۰	ترجمه فارسی گام بعد
۸۰	بررسی گام بعد
۸۰	عبارت مبهم «اجرای موفقیت‌آمیز»
۸۰	همانند دیگر کشورهای عضو NPT

۸۳ بررسی برخی شباهات موجود درباره توافقنامه

۱. سؤال: آیا تفاسیر طرف آمریکایی از متن توافقنامه ژنو با وجود این همه بغض و اختلاف فی مابین برای ما باید اهمیت داشته باشد؟ ۸۴
۲. آیا به روابط ما با چین و روسیه بعد از این توافق نامه خللی وارد می شود؟ ۸۴
۳. آیا این توافقنامه زمینه حمله نظامی را فراهم می آورد؟ ۸۵
۴. سؤال: این که آقای ظریف می گوید (آمریکایی ها همیشه برداشت های شاذ دارند) یا این که (شما به حرف های صهیونیست ها اعتماد دارید ولی به حرف وزیر امور خارجه نه) چطور توجیه می شود؟ ۸۶
۵. اگر توافق نامه ژنو این همه خسارت بار است، پیام تبریک رهبر معظم انقلاب را چگونه تحلیل می نمایید؟ ۸۶
۶. آیا تحریم های جدید وضع شده توسط خزانه داری آمریکا- (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳)- می تواند قرارداد ژنو را نقض نماید؟ ۸۹
۷. آیا آمریکا می تواند با متن توافق نامه ژنو در امور نظامی ما دخالت کند؟ ۹۱

۹۳ پیوستها

- ۹۴ متن کامل انگلیسی توافقنامه ژنو
- ۹۸ ترجمه فارسی توافقنامه ژنو
- ۱۰۳ متن کامل ترجمه بیانیه توجیهی آمریکا از توافق ژنو (Fact Sheet)

کلیات
توافقنامہ ژنو

کلیات توافقنامه

بعد از گذشت حدوداً ۱۰ سال از شروع مذاکرات هسته‌ای و سال‌ها بحث و گفتگو پیرامون رسیدن به راه‌حلی جامع و مورد توافق طرفین، بالاخره در ۳ آذر ۱۳۹۲ مطابق با ۲۴ November, ۲۰۱۳ قراردادی به‌عنوان (Joint Plan of Action) یا همان «برنامه اقدام مشترک» بین کشورهای ۵+۱ و جمهوری اسلامی ایران منعقد گردید. در واقع در طی این سال‌ها همه تلاش و کوشش تیم‌های دیپلماتی طرفین برای رسیدن به یک چهارچوب مورد توافق طرفین بود تا مبنای اقدامات آینده قرار گیرد. این مهم در این قرارداد به وقوع پیوست و واضح است که زین پس دیگر بحثی پیرامون چهارچوب همکاری به وقوع نمی‌پیوندد بلکه گفتگوهای بعدی برای تبیین راه‌کارهای عملیاتی کردن این توافق صورت می‌پذیرد. از این‌روست که محتوای این توافق بسیار مهم و اثرگذار است. این توافق مانند ریلی عمل می‌کند که مسیر آینده قطار مذاکرات را مشخص می‌نماید.

این یک توافق‌نامه است

شاید این عنوان تعجب‌آور باشد ولی در آن چند نکته مهم وجود دارد. ایران از سال ۱۳۸۲ در حال مذاکره با غرب برای رسیدن به یک توافق بود. در این‌بین به طور کامل طرفین از حق اعمال نظر، پذیرفتن یا نپذیرفتن شرایط طرف مقابل و شرط‌گذاری برای یکدیگر برخوردارند. در مراحل پیش از توافق به سادگی می‌توان از حقوق ملی سخن گفت؛ اما باید گفت امروز ایران پس از ۱۰ سال مذاکره، به یک توافق با غرب و امریکا رسیده است. یعنی سقف خواسته‌های خود را بیان داشته است و دیگر باید طبق همین توافق با غرب تعامل نماید. اگر قرار بود امتیازی بگیرد یا حقی از حقوق ملی را احیا کند باید در این توافق انجام می‌داد. زیرا دیگر مذاکره پایان گرفته است و طرفین به توافق رسیده‌اند. چانه‌زنی‌ها دیگر تمام شده است و طرفین باید به توافقنامه عمل کنند.

تعهدات ما بین‌المللی شد

بر اساس این توافق‌نامه طرف مقابل ما از (۵+۱) به اتحادیه اروپا افزایش یافت. این امر توافقنامه را بین‌المللی کرده و تعهد ما سخت‌تر می‌کند.

نتیجه آن باعث شده است که برخی از کشورهای حاشیه خلیج هم درخواست داده‌اند به جمع ۵ کشور اضافه شوند. همچنین آژانس هم به‌عنوان ناظر جدید به جمع طرف‌های ما اضافه شد. با آمدن آژانس توافق بین‌المللی شده و تبعات سیاسی دارد. زیرا آژانس به شدت سیاست زده است.

عدم نقش مجلس در تصویب یا رد این توافق‌نامه

طبق قوانین حقوقی هر گونه توافقنامه، معاهده و قرارداد بین‌المللی بین ایران و سایر کشورها نیازمند مصوبه مجلس شورای اسلامی است. حال پرسش اینجاست آیا مسئولین دستگاه دیپلماسی کشورمان این حق را برای مجلس شورای اسلامی به رسمیت شناخته‌اند؟ نام این توافقنامه Joint Plan of Action است. در ترجمه فارسی این عبارت که از سوی وزارت خارجه منتشر شده است آمده (برنامه اقدام مشترک). این توافقنامه طبق توافق طرفین ایرانی و غربی ظاهراً توافقنامه، قرارداد و معاهده بین‌المللی نیست، تنها یک برنامه اقدام است. هر چند ماهیت و واقعیت آن یک قرارداد بین‌المللی است ولی به گونه‌ای نام‌گذاری صورت گرفته است که مجلس شورای اسلامی امکان دخالت در تصویب یا عدم تصویب آن را ندارد.

تاکید بر متن انگلیسی توافق‌نامه است

نکته دیگر این که فقط متن انگلیسی منتشر شده توسط طرفین مبنای عمل است و هیچ‌کدام از ترجمه‌ها ارزشی ندارد. لذا توجه به کلمات استفاده شده و جمله‌های متن انگلیسی برای ما بسیار مهم است چرا که باید ببینیم از عبارات متن اصلی چه برداشتی می‌شود. واضح است که طرفین به معانی برداشت شده از این متن متعهدند نه ترجمه‌ها یا گفتگوهای شفاهی دیگر.

معرفی اجمالی توافق‌نامه

این توافق‌نامه از یک مقدمه و ۳ گام به نام‌های گام اول، گام دوم، گام نهایی و یک بخش نهایی به نام گام بعد (Following successful implementation of the final step) تشکیل شده است. البته با عناوین مختلف و متفاوتی از این گام‌ها نام‌برده شده است که در جای خود به آن پرداخته می‌شود. مقدمه از (The goal for) شروع شده و با (nuclear program) خاتمه می‌یابد.

بعد از مقدمه وارد گام دوم می‌شود. گام دوم از (There would) شروع شده و تا (of this matter) ادامه پیدا می‌کند. بعد از آن گام اول با عبارت (Elements of a first step) آغاز شده و دو صفحه و نیم بعد با عبارت (agreed amount) پایان می‌پذیرد. پس از آن گام نهایی با عبارت (Elements of) آغاز شده و تا (practices) ادامه می‌یابد. در پایان هم به گام بعد (Following) اشاره شده است.

زمان اجرای هر يك از گام‌ها

زمان شروع گام اول مطابق با اول ژانویه ۲۰۱۳ و به میزان ۶ ماه تعبیه شده که چون قابلیت تمدید پذیری در آن لحاظ شده است. برای تمدیدها میزانی معین نشده است؛ یعنی قابلیت تمدیدپذیری آن به صورت نامحدود وجود دارد. پس در واقع پایان گام اول مشخص نیست.

زمان شروع و پایان گام دوم به هیچ عنوان در متن ذکر نشده است. لذا از حیث شروع می‌تواند هم زمان با گام اول آغاز و مانند گام اول پایان نامعلومی داشته باشد.

زمان شروع گام سوم حدوداً اواخر ماه نوامبر ۲۰۱۴ است اما زمان پایانی برای آن معین نگردیده است؛ لذا می‌تواند زمانی بلند مدت-مثلاً ۲۰ سال- داشته باشد.

نتایج عدم معین بودن زمان بندی گام‌ها:

۱. زمان عمومی توافق نامعلوم می‌شود. یعنی معلوم نیست نهایتاً چه زمانی همه نتایج حاصل می‌شود.

۲. زمان عمل کردن طرف مقابل به مفاد توافقنامه روشن نخواهد بود و می‌تواند از زیر بار انجام آن طفره رود.

۳. امکان تداخل تعهدات گام‌ها وجود دارد. یعنی برای مثال چون اعلام می‌گردد که گام اول تمام شده یا نه، می‌تواند تعهدات آن را کماکان تمدید کرده و تا گام‌های بعدی ادامه دهد.

۴. گام‌ها متقابل و همزمان تعریف نشده است. بلکه این گونه مطرح شده است که پس از راستی آزمایی آژانس بررسی‌ها برای اقدام ما آغاز می‌شود. پس به راحتی تعهدات طرف مقابل قابل تأخیر افتادن و حتی عملاً امکان اجرا نشدن آن نیز وجود دارد.

واژگان متن قابلیت برداشت های متعدد را دارد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های يك متن حقوقی به‌کارگیری واژه‌های صریح و دارای معنای روشن است. واژه‌هایی که امکان برداشت یا تفاسیر متعدد از آن‌ها وجود نداشته باشد. میزان قوت يك متن حقوقی به همین دقت در به‌کارگیری فنی و دقیق واژه‌ها بستگی دارد؛ اما این توافقنامه دارای واژه‌های مبهم، تفسیرپذیر و گاه چندمعنایی است. واژه‌هایی که هر کس می‌تواند از آن برداشتی داشته باشد. این اشکال در بهترین حالت نشان‌دهنده ناآشنایی نویسندگان توافقنامه با قراردادنویسی‌های بین‌المللی است چرا که این ترکیب واژگانی از امکان اجرایی شدن محدودی برخوردار است. از طرف دیگر در رویکردی بدبینانه بر اساس يك برنامه‌ریزی و ریزنگری از سوی طرف مقابل بوده است که با به‌کارگیری واژه‌هایی با معنای غیر شفاف، درصدد است هنگام اجرای توافقنامه بیشترین امتیازات نانوشته را گرفته و بیشترین تعهدات را به‌طرف مقابل تحمیل نموده و آن را پای تفسیر خود از متن بگذارد.

وجود ابهامات متعدد در توافق‌نامه

عبارات مبهم بسیار زیادی در توافق ژنو وجود دارد و همین امر توافق دقیق روی چگونگی اجرای آن را سخت خواهد کرد. دو طرف برای این که توافق نهایی شود در موارد مهم از عبارات مبهم استفاده کرده‌اند. این امر هر چقدر مسیر حصول توافق را آسان کرد، همان قدر، مسیر اجرای آن را سخت خواهد کرد.

کارشناسان ابهامات اصلی توافق را موارد زیر می‌دانند:

۱- مقصود از عدم توسعه تأسیسات مخصوصاً در راکتور (واکنشگاه) آب سنگین اراک چیست؟

۲- دقیقاً چه زمانی ایران می‌تواند ادعا يك کند ماشین خراب است و باید جایگزین شود؟

۳- آیا ایران می‌تواند تجهیزات راکتور اراک را در خارج از تأسیسات بسازد؟

۴- اگر ایران و آژانس نتوانند ظرف ۶ ماه آینده مسائل حال و گذشته را به طور کامل حل کنند چه اتفاقی رخ خواهد داد و چه ارتباطی میان روند مذاکرات ۵+۱ و ایران با روند مذاکرات ایران و آژانس وجود دارد؟ اگر آژانس

نتواند به زودی مسائل خود را با ایران حل کند، آیا روند تعلیق تحریم‌ها آغاز نخواهد شد؟

۵- ایران دقیقاً چه کاری باید انجام دهد یا قطعنامه‌های شورای امنیت به نحو رضایت‌بخش پیگیری شده باشد؟

۶- آیا ایران اجازه دارد بخش تحقیق و توسعه نطنز را گسترش بدهد؟

۷- روند تعلیق تحریم‌ها دقیقاً از چه زمانی آغاز خواهد شد؟

۸- هر یک از دو طرف، دقیقاً تحت چه شرایطی می‌تواند ادعا کند که طرف مقابل توافق را نقض کرده است؟

اظهارات متناقض طرفین و ضرورت بررسی دقیق توافق نامه

توافقنامه ژنو در فاصله کوتاهی بعد از امضای آن از سوی طرفین مذاکره‌کننده با برداشت‌ها و اظهارنظرهای «متفاوت» در داخل کشور و «متضاد» از جانب حریف بیرونی روبرو شد. تا آنجا که امروزه درباره توازن میان آنچه داده‌ایم و آنچه گرفته‌ایم، ابهامات و تردیدهای جدی پدید آمده است. به‌عنوان مثال، یکی از خطوط قرمز اصلی ما که طی ۱۰ سال گذشته بر آن اصرار ورزیده‌ایم، به رسمیت شمردن حق غنی‌سازی در داخل کشور و با تعریف روشن و صریح ماده ۴ معاهده NPT بوده است. در این باره تیم مذاکره‌کننده کشورمان تأکید می‌ورزد که در توافقنامه ژنو حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شده است ولی از سوی دیگر حریف با صراحت اعلام می‌کند که این حق در توافقنامه نیامده و به رسمیت شناخته نشده است.

مسئولان هسته‌ای کشورمان در توضیح این تناقض می‌گویند که ادعای حریف مصرف داخلی دارد و مقامات آمریکایی برای راضی کردن مخالفان داخلی خود به این‌گونه ادعاهای بی‌اساس روی آورده‌اند. این توضیح اگرچه خالی از واقعیت نیست ولی نمی‌تواند پاسخ قابل قبولی تلقی شود، چرا که ادعا کنندگان، افراد عادی و یا رسانه‌ها نیستند، بلکه این ادعاها از سوی بلندپایه‌ترین مقامات مذاکره‌کننده حریف مطرح می‌شود مقاماتی نظیر اوباما رئیس‌جمهور، جان کری وزیر امور خارجه، وندی شرمن مذاکره‌کننده ارشد آمریکا، وزیر خارجه فرانسه، نخست‌وزیر انگلیس و... بنابراین چگونه

می‌توان پذیرفت ادعای آنان فقط مصرف داخلی داشته باشد. چرا که متن توافقنامه منتشر شده است و برای افکار عمومی طرف مقابل پوشاندنی و انکارکردنی نیست و از سوی دیگر مقامات حریف از این نکته بدیهی به خوبی آگاه‌اند که اگر ادعای خلاف واقع کرده باشند از سوی افکار عمومی ملت‌هایشان و از جمله مخالفان سیاسی خود مورد بازخواست قرار می‌گیرند، زیرا مخالفان داخلی آنها نیز توان مراجعه به متن توافقنامه و درک محتوای آن را دارند. پس ماجرا چیست؟!

این فقط یک نمونه بود و نمونه‌های دیگری از تناقض و تضاد میان برداشت طرف خودی و حریف از توافقنامه یادشده وجود دارد که به طور طبیعی می‌تواند با پرسش‌های منطقی همراه باشد.

نکته‌ای که در این توافقنامه واضح است وجود نقاط ابهام‌آمیز فراوان در ترسیم حدود و شرایط توافقنامه، راه را برای تأویل و تفسیرهای بعضاً ۱۸۰ درجه متناقض باهم فراهم می‌آورد. گاهی اوقات اختلاف در جزئیات است که واضح است اهمیتش به آن اندازه‌ای نیست که اصل توافقنامه را زیر سؤال ببرد؛ اما گاه اختلاف در برداشت، در اصل مورد مذاکره است. در ما نحن فیه اصل حق غنی‌سازی آن هم در خاک ایران مورد اختلاف بوده و تیم مذاکره‌کننده می‌بایست همه تلاش خود را می‌کردند تا در عبارات توافقنامه به آن اشاره کنند؛ این نشانه‌ای است از آن که متن مورد نظر دارای ابهامات و تناقضات برداشتی است که راه را برای این اظهارنظرها فراهم کرده و از آن مهم‌تر راه را برای حل و فصل اختلافات برداشتی پیش‌آمده در آینده توسط گروه‌های بین‌المللی حل و فصل دعوا دشوارتر می‌نماید.

البته در ادامه این واقعیت واضح می‌شود که متأسفانه مواضع مسئولین غربی بیشتر با متن مذاکرات منطبق است تا اظهارات مسئولین ایرانی!

تاکید غیرطبیعی بر محرمانه بودن مذاکرات

یکی از سؤال برانگیزترین رفتارهای دیپلماتیک تیم مذاکره‌کننده ایران در دور اخیر مذاکرات با ۱+۵، تأکید بر محرمانه بودن این مذاکرات است. این در حالی است که در دوره‌های قبلی مذاکرات همواره تیم ایرانی تأکید داشت آمادگی پخش مستقیم و زنده مذاکرات از رسانه‌ها را دارد و با این

کار می‌خواهد به جهان نشان دهد منطقی قوی دارد و از بیان موضع حق و شفاف خود واهمه‌ای ندارد. حتی در مذاکرات قبلی صدا و سیمای ایران اعلام کرد آمادگی دارد این مذاکرات را پوشش تلویزیونی دهد؛ اما طرف ایرانی در این دور از مذاکرات بر محرمانه بودن آن‌ها تاکید ورزید به حدی که برای جامعه این پرسش به وجود آمد که مگر قرار است اتفاق غیرطبیعی ای رخ دهد، یا گام‌های غیرمنطقی برداشته شود، یا قرار است امتیازهای گزافی به غرب داده شود که فعلا از طرح آن چشم پوشی کرده اند؟

درعین حال تیم مذاکره کننده پس از بازگشت از ژنو و تاکید بر پیروزی در این مذاکرات هیچ‌گونه اشاره‌ای به متن توافقنامه ننمود و تنها به بیان کلیاتی بسنده کرد. در هیچ سخنرانی، مصاحبه یا گفتگوی تلویزیونی سخنی از بررسی متن مذاکرات به میان نیامد. درحالی‌که این دستاوردی که بر آن تاکید می‌شود باید در چارچوب این متن ارزیابی شود. ما در ادامه به بررسی متن توافقنامه بر اساس ترجمه رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و تطبیق آن با متن اصلی انگلیسی می‌پردازیم. به‌هیچ‌روی بحثی جناحی و سیاسی مطرح نشده و تنها به واکاوی فنی، علمی و حقوقی متن مذاکرات می‌پردازیم تا در نهایت ببینیم چه داده‌ایم و چه گرفته‌ایم.

بررسی مقدمه
توافقنامه ژنو

Joint
Plan of
Action

Preamble

متن انگلیسی مقدمه

Joint Plan of Action Preamble

The goal for these negotiations is to reach a mutually-agreed long-term comprehensive solution that would ensure Iran's nuclear program will be exclusively peaceful. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek or develop any nuclear weapons. This comprehensive solution would build on these initial measures and result in a final step for a period to be agreed upon and the resolution of concerns. This comprehensive solution would enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the NPT in conformity with its obligations therein. This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment program with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the program. This comprehensive solution would constitute an integrated whole where nothing is agreed until everything is agreed. This comprehensive solution would involve a reciprocal, step-by step process, and would produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions, as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear program.

The E3+3 and Iran will be responsible for conclusion and implementation of mutual near-term measures and the comprehensive solution in good faith. A Joint Commission of E3/EU+3 and Iran will be established to monitor the implementation of the near-term measures and address issues that may arise, with the IAEA responsible for verification of nuclear-related measures. The Joint Commission will work with the IAEA to facilitate resolution of past and present issues of concern.

ترجمه فارسی مقدمه

برنامه مشترک اقدام

هدف این مذاکرات رسیدن به یک راه حل جامع بلندمدت مورد توافق طرفین است؛ که اطمینان یابد برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز باقی خواهد بود.

ایران مجدداً تصریح می‌نماید که تحت هیچ شرایطی، ایران هرگز به دنبال دستیابی یا گسترش هیچ سلاح هسته‌ای نخواهد بود. این راه حل جامع مبتنی بر این اقدام‌های اولیه بوده و به یک گام نهایی منجر خواهد شد که دوره زمانی آن مورد توافق قرار گرفته و به رفع نگرانی‌ها می‌انجامد.

این راه حل جامع ایران را قادر می‌سازد تا به طور کامل از حق خود از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بر اساس مواد مرتبط در معاهده ان‌پی‌تی و در تطابق با تعهدات خود در این [معاهده] برخوردار گردد. این راه حل جامع دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف شده با محدودیت‌های عملی و اقدام‌های شفاف ساز برای کسب اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز این برنامه است.

این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل می‌شود که هیچ‌چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.

این راه حل جامع شامل یک فرآیند متقابل و گام‌به‌گام است و به رفع جامع همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های چندجانبه و ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.

گام‌های اضافی در میان اقدام‌های اولیه و گام نهایی، از جمله، در میان موارد دیگر، پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل در این موضوع به صورت رضایت‌بخش، به نتیجه برسد.

سه کشور اروپایی [فرانسه، انگلیس و آلمان] به اضافه سه کشور دیگر [روسیه، چین و امریکا] و ایران، مسئول نهایی کردن و اجرای اقدام‌های کوتاه‌مدت دوجانبه و راه حل جامع با حسن نیت خواهند بود.

یک کمیسیون مشترک از سه کشور اروپایی، اتحادیه اروپایی به اضافه سه کشور دیگر و ایران برای نظارت بر اجرای اقدام‌های کوتاه‌مدت و پرداختن به موضوعاتی که ممکن است مطرح گردد، ایجاد خواهد گردید، درحالی‌که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مسئولیت راستی‌آزمایی اقدام‌های مربوط به هسته‌ای را خواهد داشت. این کمیسیون مشترک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای تسهیل حل و فصل موضوعات گذشته و حال مورد نگرانی، همکاری خواهد کرد.

مقدمه

در توافق‌نامه‌های بین‌المللی گاه مقدمه‌ها فاقد ارزش‌اند و گاه بسیار با ارزش. اگر در متن توافق‌نامه بعد از مقدمه جزئیات موارد مورد مذاکره مطرح شود، دیگر عبارات کلی مقدمه ارزش خود را نسبت به آن موارد از دست می‌دهد و صرفاً به متنی تشریفاتی و بی‌تأثیر بدل می‌شود؛ اما اگر در ادامه متن به جزئیات اشاره نشده باشد، نقش مقدمه پر رنگ می‌شود. چرا که در موارد اختلافی به چهارچوب و تفسیری که در مقدمه مطرح شده است مراجعه شده و مبنای عمل قرار می‌گیرد.

مقدمه این توافق‌نامه نسبت به گام اول فاقد ارزش است. چرا که در طول دو صفحه و نیم به تمام جزئیات این گام اشاره شده است؛ اما مقدمه نسبت به گام دوم و سوم بسیار با اهمیت است. زیرا این دو مرحله به‌صورت اجمالی مطرح شده و مقدمه می‌تواند نقش تفسیری برای آن‌ها را ایفا کند. لذا عبارات کلی که در مقدمه مطرح شده از این نظر بسیار حائز اهمیت‌اند.

بررسی برخی زوایای مقدمه

منطق «همه یا هیچ» (nothing is agreed until everything is agreed)

این قید در دو جای متن آمده یکی در مقدمه: «این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل می‌شود که هیچ چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.»

دومین بار در انتهای قرارداد است که به‌صراحت آمده است: «در ارتباط با گام نهایی و هر گامی در میان (گام‌های میانی)، اصل استاندارد که «هیچ چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود»، اعمال

می شود.»

سؤال این است که چرا و با چه مبنایی این قید در قرارداد گنجانده شده است؟ آیا نمی‌شود در خصوص یک بخش جزئی توافق نکرد و امتیازاتی در برابر آن گرفت؟ این اصل حداقل مشکلی که ایجاد می‌کند طولانی و سخت کردن مذاکرات است؛ اما اگر از نگاه حداکثری ببینیم طرف مقابل می‌تواند به راحتی با توجه به این قید، اهرم فشاری در دست بگیرد و هر جایی که تیم ایرانی بخواهد در مورد حذف یا اصلاح قیدی پافشاری نماید؛ جلوی او را با تهدید به برهم خوردن کل قرارداد بگیرد.

سؤال: با توجه به طرفینی بودن آیا ما می‌توانیم از این قید در جهت تمایلات خود بهره ببریم؟

باید توجه داشته باشیم که یکی از مهم‌ترین اهداف ما شکستن تحریم‌ها بود و بر اساس متن قرارداد فقط ۵ درصد این تحریم‌ها در گام اول تعلیق شده و ما برای برطرف شدن همه تحریم نیاز به توافق در گام نهایی داریم. لذا ما محتاج به ادامه مذاکرات و جلب نظر و رضایت طرف مقابلیم. با توجه به این که ابزارهای فشار خود را که مواد هسته‌ای و پیشرفته‌مان بود را هم در مرحله اول از دست داده‌ایم. پس استفاده از «همه یا هیچ» برای کسی که دست پایین تری دارد فایده‌ای ندارد.

آیا حق غنی‌سازی در این متن برای ایران به رسمیت شمرده شده است؟

حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی^[۱]

[۱] - تعریف غنی سازی

هدف از غنی سازی تولید اورانیومی است که دارای درصد بالایی از ایزوتوپ ^{۲۳۵}U باشد. اورانیوم مورد استفاده در راکتورهای اتمی باید به حدی غنی شود که حاوی ۲ تا ۳ درصد اورانیوم ۲۳۵ باشد، در حالی که اورانیومی که در ساخت بمب اتمی بکار میرود حداقل باید حاوی ۹۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ باشد. یکی از روشهای معمول غنی سازی استفاده از دستگاههای سانتریفوژ گاز است. سانتریفوژ از اتاقکی سیلندری شکل تشکیل شده که با سرعت بسیار زیاد حول محور خود می چرخد. هنگامی که گاز هگزا فلورورید اورانیوم به داخل این سیلندر دمیده شود نیروی گریز از مرکز ناشی از چرخش آن باعث می‌شود که مولکول‌های سبکتری که حاوی اورانیوم ۲۳۵ است در مرکز سیلندر متمرکز شوند و مولکول‌های سنگین‌تری که حاوی اورانیوم ۲۳۸ هستند در پایین سیلندر انباشته شوند. اورانیوم ۲۳۵ غنی شده ای که از این طریق بدست می آید سپس به داخل سانتریفوژ دیگری دمیده میشود

اصل موضوع مورد منازعه در این توافقنامه بین ایران و ۱+۵ درباره

چیست؟

برای پاسخ به این سؤال به متن نامه ریاست محترم جمهوری آقای دکتر روحانی به رهبر معظم انقلاب در روز ۱۳۹۲/۹/۳ مراجعه می‌نماییم. ایشان در این متن مرقوم کرده‌اند که:

«خدای بزرگ را سپاس می‌گوییم که در نخستین ماه‌های شروع کار دولت تدبیر و امید، فرزندان انقلابی شما توانستند در مذاکراتی دشوار و پیچیده، حقانیت ملت ایران در فعالیت‌های هسته‌ای را در صحنه بین‌المللی اثبات کنند و گام نخست را به گونه‌ای پیش برند که حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی ملت ایران مورد اذعان قدرت‌های جهانی - که سال‌ها سعی بر انکار آن داشتند- قرار گیرد و راه برای گام‌های بلند بعدی در حراست از پیشرفت‌های فنی و اقتصادی کشور گشوده شود.»

پس هدف از مذاکرات تحصیل «حقوق هسته‌ای»^[۱] و «حق غنی‌سازی»

تا درجه خلوص آن باز هم بالاتر رود. این عمل بارها و بارها توسط سانترفوژهای متعددی که بطور سری به یکدیگر متصل میشوند تکرار میشود تا جایی که اورانیوم ۲۳۵ با درصد خلوص مورد نیاز بدست آید. آنچه که پس از جدا سازی اورانیوم ۲۳۵ باقی میماند به نام اورانیوم خالی یا فقیر شده شناخته میشود که اساساً از اورانیوم ۲۳۸ تشکیل یافته است. اورانیوم خالی فلز بسیار سنگینی است که اندکی خاصیت رادیو اکتیویته دارد و از آن برای ساخت گلوله های توپ ضد زره پوش و اجزای برخی جنگ افزار های دیگر از جمله منعکس کننده نوترونی در بمب اتمی استفاده میشود.

[۱]- حقوق هسته ای به معنای داشتن چرخه سوخت است که در قرارداد npt به آن تصریح شده است. در ذیل به تعریف و مراحل این چرخه به طور خلاصه اشاره می‌نماییم:

توضیح چرخه سوخت

چرخه سوخت هسته ای شامل فرآیندهای مختلفی است که منجر به تبدیل سنگ معدن اورانیوم به سوخت مورد استفاده در نیروگاه های هسته ای می شود. مجموعه این مراحل، چرخه سوخت هسته ای نام گرفته است. مراحل هفت گانه چرخه سوخت هسته ای عبارتند از:

۱) استخراج سنگ معدن اورانیوم، جداسازی و تخلیص

در این مرحله، ترکیب اکسید اورانیوم از سنگ معدن اورانیوم جداسازی می شود. این ترکیب زرد رنگ پس از تولید، حالتی شبیه به کیک دارد. به همین دلیل کیک زرد نامیده می شود. این مراحل معمولاً در معدن انجام می شود. در ایران این مرحله در تأسیسات یو سی اف اصفهان انجام می شود.

۲) تبدیل کیک زرد به اورانیوم غنی شده

در مرحله غنی سازی پس از انجام مراحل شیمیایی، کیک زرد تبدیل به گاز هگزافلوراید اورانیوم (UF₆) می شود. این ماده در دمای ۳۰ درجه سانتیگراد مایع است اما در دمای ۴۰ درجه تبدیل به بخار شده و برای

بوده و ادعای تیم مذاکره کننده ایرانی این است که طبق متن قرارداد این دو حق را تحصیل کرده‌اند. لذا می‌بایست متن توافق نامه را مورد مذاقه

غنی سازی آماده می شود. اورانیوم در طبیعت دارای سه ایزوتوپ است که فقط یکی از آنها قابل استفاده در نیروگاه هسته ای است. در واقع غنی سازی عبارت است از بالا بردن غلظت ایزوتوپ ۲۳۵ در اورانیوم طبیعی، برای غنی سازی اورانیوم سه روش وجود دارد: روش دیفیوژن یا پخش گازی، روش سانتریفیوژ، روش میدان مغناطیسی.

در بین روش های ذکر شده، روش استفاده از سانتریفیوژ، مقرون به صرفه تر و بهتر است. در این روش، هگزافلوراید اورانیوم پس از عبور از حدود ۱۶۰ سانتریفیوژ به غنای حدود چهار درصد که برای سوخت نیروگاه هسته ای مورد نیاز است، می رسد این مرحله در تأسیسات غنی سازی نطنز انجام می شود. ایران تا امروز حدود ۷ هزار سانتریفیوژ در نطنز نصب کرده است که طی برنامه پنج ساله این رقم به ۵۰ هزار دستگاه خواهد رسید. از طرفی ایران توانسته است به نسل جدیدی از سانتریفیوژها بعد از سانتریفیوژهای نسل IR-۲ و IR-۳ برسد که این نسل از سانتریفیوژها در دو نوع و با کاربردهای متفاوت هستند. همچنین ایران قادر به تولید ماشین هایی شده که (SWU) معیاری از کار لازم برای جداسازی مقدار معین از اورانیوم) آنها به پنج تا شش برابر گونه های فعلی می رسد.

۳) تبدیل UF₆ به اکسید اورانیوم

پس از این که گاز هگزافلوراید اورانیوم به غنای مورد نیاز رسید. در مرحله تبدیل به دی اکسید اورانیوم (UO₂) می شود. این ماده جامد است و حالت سرامیکی دارد. در این مرحله این ماده به صورت حبه های سوخت در می آید. از آنجایی که سوخت نیروگاه حتماً باید به شکل میله درآید تا بتواند برای تولید انرژی در راکتور قرار داده شود، حبه های سوخت بر روی میله هایی تعبیه می شوند که میله های سوخت نامیده می شوند. کارخانه تولید قرص و میله سوخت یا به عبارتی مجتمع FMP، حساس ترین حلقه چرخه تولید سوخت که با هدف تولید انواع مجتمع های سوخت مورد نیاز راکتورهای تحقیقاتی و نیروگاه های تولید برق هسته ای بنا شده است که به دلیل نبود دانش فنی و عدم همکاری کشورهای صاحب این نوع تکنولوژی با ایران، کار طراحی و ساخت این کارخانه در تمامی فازهای طراحی مفهومی، طراحی پایه، طراحی تفصیلی، ساخت، نصب و راه اندازی تجهیزات از سوی گروه های دانش فنی متشکل از نیروهای متخصص سوخت هسته ای داخلی و فارغ التحصیلان جوان دانشگاه های ممتاز کشور انجام گرفته است. ایران توانست ضمن در نظر گرفتن استانداردهای روز دنیا در صنعت هسته ای، تجهیزاتی خلق کند که اولاً بومی بوده و ثانیاً هر کدام در حد اختراع است. متخصصان داخلی این پروژه برای نخستین بار در کشور تجهیزاتی را نظیر جوش مقاومتی مخصوص میله های سوخت همزمان با تزریق گاز هلیوم، دستگاه بارگذاری قرص درون غلاف های سوخت، خط تولید قطعات پیچیده مجتمع سوخت نظیر شبکه های نگهدارنده میله های سوخت، آندایزینگ پیوسته میله های سوخت، میله های مونتاژ و کنترل کیفی مجتمع سوخت خلق کرده اند.

۴) انتقال میله های سوخت به نیروگاه

مواد رادیواکتیو موادی خطرناک هستند و باید در تمام مراحل چرخه سوخت، مسائل ایمنی مدنظر قرار گیرد. یکی از مراحل بسیار حساسی که می تواند خطر ساز باشد، مرحله نقل و انتقال سوخت به نیروگاه است. به همین منظور میله های سوخت داخل محفظه های عایق بندی شده قرار داده می شود تا از بروز هرگونه حادثه ای مانند انفجار، سوختن و سایر حوادث جلوگیری شود.

۵) مصرف سوخت و تولید انرژی

در این مرحله، میله های سوخت در داخل راکتور تعبیه می شوند تا در اثر واکنش شکافت، انرژی تولید کنند. این انرژی که به صورت گرمای بسیار زیاد است، به آب منتقل و سبب تبخیر آب می شود. بخار تولید

قرار دهیم تا ببینیم آیا این دو حق تحصیل شده است یا خیر. البته باید توجه داشته باشیم که فقط متن قرارداد مبنای عمل و ملاک قضاوت است نه مواضع شفاهی تیم مذاکره کننده قبل، حین و یا بعد از مذاکرات. همه تلاش یک دیپلمات بر این است که در توافقنامه‌های بین‌المللی به گونه‌ای متن را تنظیم نماید که همه خواسته‌های خود را در بر بگیرد تا اگر بعدها اختلافی در تفسیر موردی از موارد توافق‌نامه اتفاق افتاد، بتوانند با مراجعه به اصل سند تخاصم را بر طرف نمایند. پس همه تلاش ما در این جا باید معطوف به استخراج این دو حق از عباراتِ متنِ توافق‌نامه گردد و لا غیر.

شده، توربین‌ها را به حرکت درآورده و به این ترتیب، برق تولید می‌شود.

(۶) انبار کردن سوخت

پس از استفاده از اورانیوم غنی شده در راکتور، سوخت مصرف شده باید تا چند ماه در نیروگاه انبار شود. این عمل سبب می‌شود برخی از پسماندها که به شدت رادیواکتیو و فعال هستند، در اثر شکافت هسته‌ای به طور خود به خود از بین بروند. به این مرحله، مرحله سرد شدن می‌گویند.

(۷) انتقال سوخت مصرف شده به تأسیسات باز فراوری

در این روند سه مؤلفه مهم از هم جدا می‌شوند: اورانیوم تهی شده، پلوتونیوم ۲۳۹ و زباله های هسته‌ای. اورانیوم تهی شده درواقع اورانیومی است که تعداد ایزوتوپ‌های مورد نیاز برای استفاده در نیروگاه در آن کم شده و با غنی‌سازی مجدد، می‌توان دوباره آن را برای مصرف در نیروگاه و تولید انرژی آماده کرد. زباله های هسته‌ای گاهی برای مصارف پزشکی قابل استفاده است اما در صورتی که غیرقابل استفاده باشد، باید به شکل محلول درآمده و با کشتی‌های مخصوص در ته اقیانوس‌ها، قسمت‌های غیرمسکونی در قطب‌ها یا در کویرهای غیرقابل سکونت دفن شوند. عملیات ساخت تأسیسات جدید غنی‌سازی اورانیوم ایران در منطقه فردو نزدیک شهر قم نیز در سال ۲۰۰۶ آغاز شده است. این سایت فضای کافی برای استقرار حدود ۳ هزار سانتریفیوژ غنی‌سازی اورانیوم را دارد که می‌تواند برای تولید اورانیوم غنی شده مورد نیاز برای تهیه سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر با نزدیک شدن راکتور تحقیقاتی تهران، به پایان عمر کاری خود و نیاز روزافزون کشور به انواع رادیو ایزوتوپ‌های صنعتی و همچنین رادیو داروها، راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک با قدرت ۴۰ مگاوات طراحی و در نزدیکی شهر خنداب در شمال غربی شهرستان اراک ساخته شد. از آنجا که این راکتور در زمان راه اندازی به مقدار زیادی آب سنگین نیاز دارد، مجتمع آب سنگین اراک همزمان با پیگیری ساخت ساختمان راکتور، آماده شد و به بهره برداری رسید تا بتواند نیاز راکتور را در زمان راه اندازی فراهم کند.

راکتورهای آب سنگین نیازی به اورانیوم غنی شده ندارد و از اکسید اورانیوم طبیعی به عنوان سوخت استفاده می‌کند این فرایند، نیاز به اورانیوم غنی شده را مرتفع می‌کند. طراحی این راکتورها و تولید آب سنگین، فرآیندی پیچیده بود که با همت دانشمندان جوان کشور به تحقق پیوست. این همه درحالی است که در اکتبر ۲۰۰۳ با تلاش‌های بی‌وقفه دولت اصلاحات، فعالیت تأسیسات نطنز را تعلیق کردیم، این تأسیسات ۱۰ سانتریفیوژ فعال داشت. کارگاه قطعه‌سازی تأسیسات هسته‌ای هم طبق توافقنامه پاریس در بروکسل، طی سال ۲۰۰۴ تعطیل شد. اگرچه در مدت کوتاهی نطنز از تعطیلی خارج شد اما دوباره در پاییز همان سال (۱۳۸۳) به حالت تعلیق درآمد و به طور کلی، تمامی سیکل هسته‌ای ایران طبق توافقنامه پاریس در سال ۲۰۰۴ معلق شد.

اجمالاً باید گفت در هیچ جای این متن حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته نشده است. در ادامه توضیح بیشتری داده می‌شود. باید گفت طبق NPT حق غنی‌سازی برای اعضای این معاهده به صورت نامحدود به رسمیت شناخته شده است. حق غنی‌سازی شامل عناصر متعدد دخیل در این امر از جمله تولید سانتریفیوژ (گریزانه)، تأسیسات هسته‌ای، تحقیقات و بهره‌برداری نامحدود از معادن و موارد متعدد دیگری می‌شود. مهم‌ترین قسمت NPT به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی به طور نامحدود است یعنی نه تنها غنی‌سازی ۵٪ یا ۲۰٪ که حتی غنی‌سازی ۹۰٪ نیز قانونی خواهد بود.

حق غنی‌سازی در NPT

ناگفته پیداست که رسیدن به آنچه «حق» مردم يك کشور در عرصه هسته‌ای است، نه برای ایران، بلکه برای هر کشوری يك خط قرمز غیرقابل معامله است. این «حق» را معاهده NPT در ماده اول بند ۴ خود این‌گونه تبیین کرده است:

«هیچ نکته‌ای در این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که «حق مسلم» هم پیمانان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را تحت تاثیر قرار دهد.»

بر اساس ماده ۴ آن‌پی‌تی، این معاهده «هیچگونه محدودیتی» در مورد نوع فناوری و سطح بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، از جمله چرخه سوخت، شامل غنی‌سازی ایجاد نکرده است؛ بنابراین حق قانونی ایران در موضوع هسته‌ای را که خط قرمز ایران در هر نوع مذاکره‌ای نیز به شمار می‌رود، می‌توان «امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده NPT» تعریف کرد.

غنی‌سازی در توافقنامه ژنو

در دو بخش از توافقنامه رسمی ایران و ۱+۵ به این موضوع به صورت ویژه اشاره شده است. در بخش مقدمه توافقنامه آمده است: این راه‌حل جامع ایران را قادر می‌سازد تحت مفاد مربوطه در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) و برابر با تعهداتی که این مفاد برای این کشور ایجاد می‌کند، از حق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز

برخوردار شود.

بر این مبنا ایران باید «امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده NPT» را دریافت کرده باشد؛ اما توافقنامه بلافاصله این موضوع را نقض کرده و عنوان می‌کند: این راه‌حل جامع، در برگیرنده یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف است، که با اعمال محدودیت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز به‌منظور حصول اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز آن، همراه خواهد بود.

به این ترتیب نه تنها «امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده NPT» به‌عنوان خط قرمز، در این بند برای ایران به رسمیت شناخته نشده است، بلکه اعمال این «حق بدون محدودیت ایران»، منوط به توافق دو طرف و همراه با اعمال محدودیت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز خواهد بود؛ که واضح است این قیده‌ها پر از ابهام است و دست طرف مقابل را برای کارشکنی‌های بعدی باز می‌گذارد.

اما به این موضوع در مفاد اصلی گام نهایی توافقنامه به‌صورت ویژه و پررنگ‌تری پرداخته شده است. گام نهایی که پس از سپری شدن موفق گام‌های اولیه به‌صورت یک «توافق بلند مدت» در نظر گرفته شده است، بخشی از توافق را این‌گونه بیان می‌کند: (مشخص ساختن حقوق و تکالیف اعضای معاهده ان‌پی‌تی و توافقنامه‌های پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی).

اما باز هم متن توافقنامه این بند را به معنای «امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده NPT» تلقی نکرده و بلافاصله برای تفسیر آن در بند دیگر توافقنامه آورده است: در پیش گرفتن یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف با در نظر گرفتن معیارهای منطبق بر نیازمندی‌های عملی و نیز اعمال محدودیت بر گستره و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن و ذخایر اورانیوم غنی‌شده، برای مدت‌زمان مورد توافق.

بر این اساس باز هم آنچه به‌عنوان حق غنی‌سازی برای ایران در نظر گرفته شده است، نه یک «حق غنی‌سازی بدون محدودیت» بلکه غنی‌سازی

محدود به نیاز عملی و محصور در میان اعداد توافق شده میان طرفین خواهد بود.

و نکته جالب توجه آن جاست که متن توافقنامه در بند پایانی خود و پس از آن که ایران گام‌های اولیه را -باوجود امتیازاتی فراوانی که اعطا می‌کند- سپری کرد و پس از آن در گام نهایی -که در يك بازه زمانی بلندمدت تعریف شده است- نیز توانست رضایت طرف مقابل را کسب کند باز هم به صراحت، اذعان طرف مقابل به «دارا بودن حق غنی‌سازی بدون محدودیت طبق معاهده NPT» را در بر ندارد، بلکه آن چه به دست خواهد آورد آن است که «در پی اجرای موفقیت‌آمیز گام نهایی برای رسیدن به راه‌حل جامع در طول بازه زمانی مشخص شده برای آن، با برنامه هسته‌ای ایران نیز همانند برنامه‌های غیر تسلیحاتی هسته‌ای دیگر کشورهای عضو NPT برخورد خواهد شد.»

به عبارت دیگر، در حالی که ادعا می‌شود طرف مقابل حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت شناخته است، ۱+۵ حتی حاضر نشده این لفظ را در صورت انجام سال‌ها اقدامات اعتماد ساز از سوی ایران در توافقنامه وارد کند. بلکه در توافقنامه متعهد شده است که بعد از آن که ایران سال‌های سال اقدامات اعتمادساز خود مطابق گام‌های اولیه و نهایی این توافقنامه را انجام داد، با برنامه هسته‌ای ایران نیز همانند برنامه‌های غیر تسلیحاتی هسته‌ای دیگر کشورهای عضو NPT برخورد خواهد شد.

و نکته قابل توجه آن است که اساساً مقامات امریکا در برخورد با سایر کشورهای عضو NPT، مطابق با تفسیر خود از این معاهده، حق غنی‌سازی را برای هیچ کشوری به رسمیت نمی‌شناسند و این یعنی بازگشت به نقطه اول و بحث‌هایی که طی ده سال گذشته میان امریکا و ایران در موضوع هسته‌ای رایج بوده است.

اظهارات شفاهی طرف غربی درباره حق غنی‌سازی ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا يك شب پیش از مذاکرات ژنو در جمع خبرنگاران در پاسخ به سئوالی درباره حق غنی‌سازی اورانیوم تفسیر امریکا از حق قانونی کشورها در معاهده NPT را این‌گونه بیان کرده بود: «ما حق

هیچ کشوری برای غنی‌سازی را به رسمیت نمی‌شناسیم. ایرانی‌ها به‌مدت یک دهه گفته‌اند که این حق را دارند. در تلاشیم تا به مصالحه‌ای دست یابیم.»

شاید اکنون بهتر بتوان به این سؤال پاسخ داد که آیا توافق ژنو توانسته است خط قرمز ایران یعنی «امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده NPT» را آن‌چنان‌که مسئولین دولت اعلام کرده‌اند تثبیت کند و آیا می‌توان به این توافق عنوان برد - برد را اطلاق نمود؟

در هیچ جای متن جمله‌ای مبنی بر به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی طبق ماده ۴ آن‌پی‌تی درون خاک ایران نیامده است. در هیچ منطق حقوقی نمی‌توان «ادامه یافتن» را به معنای «به رسمیت شناختن» در نظر گرفت.

شورای حل اختلاف توافق‌نامه ژنو

معمولاً در توافق‌نامه‌ها بندی مربوط به حل اختلافات احتمالی پیش‌بینی می‌شود. در این توافق‌نامه این شورا با عبارت (A Joint Commission of Iran and EU/E3) مطرح شده است. این کمیسیون مشترک متشکل است از ۳+۳ و ایران. وظیفه‌ای که در این توافق‌نامه برای این کمیسیون مطرح شده است از این قرار می‌باشد:

۱. «نظارت» (monitor) کند بر اجرای اقدامات میان‌مدت (near-term).

۲. بررسی مسائلی که ممکن است پدید آیند (address issues that may arise)

پس اولاً باید بدانیم که وظیفه این کمیسیون صرفاً نظارت است و ثمره عملی برای ما ندارد. در اینجای توافق‌نامه ۱+۵ چون مربوط به مشکلات ما بوده بدون این که تأکیدی بر «به ثمره رسیدن موارد» مطرح شده باشد، صرفاً نظارت را مطرح می‌نماید؛ اما در گام دوم جایی که مربوط به پرداختن ما به قطع‌نامه‌های شورای امنیت است تأکید بر پایان رضایت‌آمیز (satisfactory conclusion) قطع‌نامه‌ها می‌نماید. این یعنی عدم تساوی حقوق طرفین در توافق‌نامه.

ثانیاً توجه داشته باشیم که این نظارت اختصاص به گام‌های میانی دارد

و به اختلافات گام نهایی-که اهمیت بیشتر و زمان طولانی تری دارد- مربوط می‌شود. طبق این متن ناظری بر گام نهایی وجود ندارد.

آثار ناظر شدن آژانس بر تعهدات ما در توافقنامه

بر طبق متن ما متعهد شدیم که آژانس انرژی اتمی مسئول راستی آزمایی تعهدات هسته‌ای ما شود. در متن این‌گونه آمده: «آژانس مسئولیت راستی آزمایی اقدامات مربوط به موضوع هسته‌ای را بر عهده خواهد داشت.» (address issues that may arise, with the IAEA responsible for verification) (of nuclear-related measures) اولاً باید گفت که توازن و عدالت در این فقره از متن رعایت نشده چرا که توافق ما توافقی دو جانبه بین ایران و ۵+۱ بود. چرا باید پای آژانس به میان آید. اگر کسی بگوید این به خاطر ماهیت کارشناسی آژانس است، می‌گوییم سلّمنا که این‌طور باشد اما پذیرفتن این مطلب دو تالی‌فاسد بزرگ و عمده دارد. اول این که چرا ناظر انجام تعهدات فقط برای ما وضع شده؟ آیا ایران حق ندارد نظارت بر روی طرف غربی برای حسن اجرای تعهدات خود داشته باشد؟ چرا به چنین چیزی در متن اشاره نشده است؟

دوم این که قرارداد ما با ۵+۱ یک توافق سیاسی بود و قانوناً آژانس بر اساس آیین‌نامه‌اش اجازه دخالت در آن را نداشت؛ اما با این قرارداد پای آژانس به مسئله ما با این ساختار باز شد و از حالا به بعد بحث بین‌المللی می‌شود. یعنی آژانس می‌تواند مسئله ما را در شورای حکام مطرح نموده و اختیارات قانونی لازم برای این کار بگیرد و دیگر ما توان سرباززدن از آن را نداریم.

همین اتفاق در دوره‌های اول مذاکرات با سه کشور اروپایی برای بار اول رخ داد. بعد از این که ایران با ۳ کشور اروپایی مذاکره کرد، بنا شد تعلیق داوطلبانه را بپذیرد و طرفین آژانس را مسئول نظارت بر ایران کردند. آژانس این توافق سیاسی را در شورای حکام برد و احکام لازم را برای نظارت‌های مربوطه در ایران دریافت کرد. وقتی مذاکرات به نتیجه نرسید، به علت داوطلبانه بودن تعلیق، ایران غنی‌سازی را از سر گرفت، اما از آنجاکه مصوبه شورای حکام اجرایی شده بود پرونده ما را به شورای امنیت بردند و برایمان

قطعنامه صادر کردند. لذا جای این سؤال باقی ست که چرا داریم از يك سوراخ دو بار گزیده می‌شویم؟ مگر دفعه پیش همین بازی را از طرف غربی نخوردیم؟ چرا دوباره آژانس را مسئول راستی آزمایی بر تعهدات خود نمودیم.

ورود اتحادیه اروپا با ۲۵ کشور به روند مذاکرات بعدی

بحث ما از ابتدا تا به حال بحثی حقوقی با آژانس در مورد برخی از مباحث هسته‌ای بود، اما در این توافق بندی آمده که: «سه کشور اروپایی [فرانسه، انگلیس و آلمان] و اتحادیه اروپا به اضافه سه کشور دیگر [روسیه، چین و امریکا] و ایران، مسئول نهایی کردن و اجرای اقدام‌های کوتاه مدت دوجانبه و راه حل جامع با حسن نیت خواهند بود.» ما با این بند علاوه بر اینکه تعهد کردیم ۱+۵ را بر روند گام‌های میانی و نهایی ناظر کنیم اتحادیه اروپا را با ۲۵ کشور وارد روند کردیم و باید این‌ها را هم راضی کنیم.

اگر برای اختلافی مانند حق غنی‌سازی به دادگاه برویم به نفع چه کسی حکم

می‌شود؟

محکمه قضایی سه مسئله را کنار هم می‌گذارد تا به نتیجه برسد: اول این که در مقدمات قبلی این توافق‌نامه چه مذاکراتی رد و بدل شده و فضای قبل توافق‌نامه چگونه بوده است. آیا طرف مقابل حرفی از پذیرش حق غنی‌سازی زده است یا خیر.

دوم این که فایل صوتی خود مذاکرات را بررسی می‌کنند تا ببینند زمانی که حرف از غنی‌سازی بود طرفین چه گفتند.

سوم این که اظهارات بعد از مذاکرات را بررسی می‌کنند تا به نتیجه برسند که مطلب از چه قرار بوده است.

در اظهارت قبل از توافق ژنو به سخنانی اوپاما در سازمان ملل-و مکالمه تلفنی اوپاما با روحانی- می‌رسیم؛ اوپاما به صراحت گفته است: «من حق مردم ایران را برای دسترسی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای احترام می‌گذارم. مشروط به این که دولت ایران به تعهدات و تکالیفش طبق NPT عمل نماید.» گفتنی ست که مسئولین آمریکایی بارها بعد از اوپاما همین جمله او را تکرار کردند.

ابتدا کمی به بررسی همین جمله پردازیم. در ظاهر حق ما تأیید شده اما

اگر دقت شود معلوم می‌شود که حق غنی‌سازی ما تأیید نشده بلکه حرف از «حق دسترسی» ست. یعنی حق نداری که در داخل غنی‌سازی کنی بلکه می‌توانی به بازار آزاد جهانی متصل شوی و خرید کنی.

نکته مرموزانه دیگر این است که اوپاما در این جمله وقتی حرف از حق مردم ایران می‌زند حرفی از NPT مطرح نمی‌نماید اما وقتی حرف از تعهدات ایران می‌شود تصریح به NPT می‌کند و این نشان‌دهنده عدم حسن نیت وی است. چرا که اگر بخواهد حق ما را منوط به NPT نماید می‌بایست غنی‌سازی در داخل را بپذیرد. لذا مزورانه ابتدا نامی از آن نمی‌آورد تا هر گونه که خود می‌خواهد آن را بتواند تفسیر نماید؛ اما وقتی پای تعهدات ایران مطرح می‌شود تصریح به مفاد مکتوب در NPT می‌نماید.

سوزان رایس مشاور امنیت ملی آمریکا بعد از مکالمه تلفنی روحانی با اوپاما مصاحبه‌ای کرد و همان جمله اوپاما را تکرار کرد. همچنین جان کری وزیر امور خارجه آمریکا بعد از دیدارش با ظریف به رسانه‌ها گفت که من در این دیدار همان جمله آقای اوپاما را تکرار کردم. بعد از این‌ها خانم وندی شرمین رئیس تیم مذاکره کننده آمریکایی به خبرنگاران گفت که کری در دیدار با ظریف همان جمله اوپاما را تکرار کرد. خبرنگاری که در جلسه حاضر بود از شرمین پرسید که این غنی‌سازی شامل NPT می‌شود یا خیر؟ شرمین به صراحت جواب داد که: قطعاً نمی‌شود بلکه ایران نیز می‌تواند مانند بسیاری از کشورهایی که به انرژی هسته‌ای دسترسی دارند ولی غنی‌سازی ندارند، آن را از بازار تهیه نماید. پس ما حقی به نام غنی‌سازی برای ایران قائل نیستیم.

پس با وجود این مباحث محکمه می‌تواند به ایران بگوید که آمریکا از قبل به شما بارها گفته بود که حقی به نام غنی‌سازی برای شما قائل نیست؛ اما طرف ایرانی با علم به این مطلب، به امید این که بتواند این حق را در متن از آمریکا بگیرد پای میز مذاکره رفت.

در مرحله بعد محکمه فایل صوتی مذاکرات را استماع می‌کند و وقتی در پایان قرارداد به عبارت «با برنامه هسته‌ای ایران؛ مثل هر کشور فاقد سلاح هسته‌ای عضو ان پی تی رفتار خواهد شد.» (the same manner...) می‌رسد،

با این مطلب مواجه می‌شود که ایران تاکید داشته که کلمه (enrichment) به معنای غنی‌سازی اضافه شود و ایران مانند سایر کشورهایی شود که حق غنی‌سازی دارند، اما طرف آمریکایی به شدت مخالفت نمود و در نهایت ایران کوتاه آمد و مذاکرات به اتمام رسید. پس در این مرحله نیز ایران نمی‌تواند پیروزی در محکمه داشته باشد.

در مرحله آخر هم محکمه مواضع بعد از قرارداد را بررسی می‌نماید و می‌بیند که جان کری دقایقی بعد از قرارداد رسماً می‌گوید که ما ایران را فریب ندادیم. ما حقی به‌عنوان غنی‌سازی برای ایران قائل نشدیم؛ و اگر ایران نمی‌خواهد می‌تواند از اول ژانویه آن را اجرا ننماید.

بعد از آن هم آمریکا بیانه‌ای صادر کرد به نام (Fact sheet) و در آن تصریح کرد که منظور از توافق‌نامه ژنو چه بوده است.^[۱]

[۱]- برای مطالعه متن مهم (Fact Sheet) به بخش پیوست کتاب مراجعه کنید.

بررسی گام اول
توافقنامه ژنو

Elements
of a first
step

متن انگلیسی گام اول

Elements of a first step

The first step would be time-bound, with a duration of 6 months, and renewable by mutual consent, during which all parties will work to maintain a constructive atmosphere for negotiations in good faith.

Iran would undertake the following voluntary measures:

* From the existing uranium enriched to 20%, retain half as working stock of 20% oxide for fabrication of fuel for the TRR. Dilute the remaining 20% UF₆ to no more than 5%. No reconversion line.

* Iran announces that it will not enrich uranium over 5% for the duration of the 6 months.

* Iran announces that it will not make any further advances of its activities at the Natanz Fuel Enrichment Plant (1), Fordow (2), or the Arak reactor (3), designated by the IAEA as IR-40.

* Beginning when the line for conversion of UF₆ enriched up to 5% to UO₂ is ready, Iran has decided to convert to oxide UF₆ newly enriched up to 5% during the 6 month period, as provided in the operational schedule of the conversion plant declared to the IAEA.

* No new locations for the enrichment.

* Iran will continue its safeguarded R&D practices, including its current enrichment R&D practices, which are not designed for accumulation of the enriched uranium.

* No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.

* Enhanced monitoring:

- Provision of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans for nuclear facilities, a description of each building on each nuclear site, a description of the scale of operations for each location engaged in specified nuclear activities, information on uranium

mines and mills, and information on source material. This information would be provided within three months of the adoption of these measures.

- Submission of an updated DIQ for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40, to the IAEA.

- Steps to agree with the IAEA on conclusion of the Safeguards Approach for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40.

- Daily IAEA inspector access when inspectors are not present for the purpose of Design Information Verification, Interim Inventory Verification, Physical Inventory Verification, and unannounced inspections, for the purpose of access to offline surveillance records, at Fordow and Natanz.

- IAEA inspector managed access to:

- . centrifuge assembly workshops;
- . centrifuge rotor production workshops and storage facilities; and,
- . uranium mines and mills.

In return, the E3/EU+3 would undertake the following voluntary measures:

- Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services.

- Suspend U.S. and EU sanctions on:

- . Iran's petrochemical exports, as well as sanctions on associated services. (5)

- . Gold and precious metals, as well as sanctions on associated services.

- Suspend U.S. sanctions on Iran's auto industry, as well as sanctions on associated services.

- License the supply and installation in Iran of spare parts for safety of flight for Iranian civil aviation and associated services. License safety related inspections and repairs in Iran as well as associated services. (6)

- No new nuclear-related UN Security Council sanctions.

- No new EU nuclear-related sanctions.

- The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.

- Establish a financial channel to facilitate humanitarian trade for Iran's domestic needs using Iranian oil revenues held abroad. Humanitarian trade would be defined as transactions involving food and agricultural products, medicine, medical devices, and medical expenses incurred abroad. This channel would involve specified foreign banks and non-designated Iranian banks to be defined when establishing the channel.

* This channel could also enable:

a- transactions required to pay Iran's UN obligations; and,

b- direct tuition payments to universities and colleges for Iranian students studying abroad, up to an agreed amount for the six month period.

- Increase the EU authorisation thresholds for transactions for non-sanctioned trade to an agreed amount.

ترجمه فارسی گام اول

عناصر گام اول

گام اول دارای دوره زمانی ۶ ماه خواهد بود و با توافق طرفین قابل تمدید است که در این دوره، همه طرفها، برای حفظ فضای سازنده‌ی مذاکرات، با حسن نیت فعالیت خواهند کرد.

ایران انجام اقدام‌های داوطلبانه زیر را متعهد می‌گردد:

از اورانیوم موجود غنی‌شده تا ۲۰ درصد، نیمی را به‌صورت اکسید ۲۰ درصد برای ساخت سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران نگهداری کند. بقیه UF₆ با غنای ۲۰ درصد را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید. عدم ایجاد خط تبدیل مجدد.

ایران اعلام می‌کند برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را بیشتر از ۵ درصد غنی‌سازی نخواهد کرد.

ایران اعلام می‌کند که هیچ پیشرفت بیشتری در فعالیت‌های خود در تأسیسات غنی‌سازی سوخت نطنز^[۱]، فردو^[۲] یا راکتور اراک^[۳] (که با نام IR۴۰ توسط آژانس شناخته می‌شود) انجام نخواهد داد.

هنگامی که خط تبدیل UF₆ غنی‌شده تا ۵ درصد به UO₂ آماده گردید، ایران تصمیم گرفته است مواد UF₆ جدیداً غنی‌شده تا سطح ۵ درصد طی دوره شش ماهه را به اکسید تبدیل کند، همان‌گونه که در برنامه عملیاتی کردن تأسیسات تبدیل، به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است عدم محل‌های جدید برای غنی‌سازی.

ایران کارهای تحقیق و توسعه تحت پادمان خود شامل کارهای تحقیق و توسعه جاری غنی‌سازی خود را که با هدف انباشت اورانیوم غنی‌شده صورت نمی‌گیرد، ادامه خواهد داد.

عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشد. نظارت‌های افزایش‌یافته:

ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شامل اطلاعات

[۱]- به این معنا که طی شش ماه، ایران به سانتریفیوژهایی که نصب شده ولی غنی‌سازی اورانیوم انجام نمی‌دهند، UF₆ تزریق نخواهد نمود. سانتریفیوژهای جدید نصب نکند. ایران اعلام می‌نماید که در شش ماه اول، سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین می‌کند.

[۲]- در ساختگاه فردو، غنی‌سازی بیشتر از ۵ درصد در چهار زنجیره ای که در حال غنی‌سازی اورانیوم است، نمی‌کند و ظرفیت غنی‌سازی را افزایش نمی‌دهد. UF₆ به دوازده آبشار دیگر تزریق نمی‌نماید که در وضعیت غیرعملیاتی باقی می‌مانند. عدم اتصال میان زنجیره‌ها. ایران اعلام می‌نماید که در شش ماه اول، سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین می‌کند.

[۳]- ایران اعلام می‌کند که برای نگرانی‌های مربوط به ساخت راکتور در اراک، برای ۶ ماه، این راکتور راه اندازی نخواهد کرد یا سوخت یا آب سنگین به راکتور منتقل نخواهد نمود یا سوخت جدید آزمایش یا تولید نخواهد کرد یا اجزای باقیمانده نصب نخواهد نمود.

درباره طرح‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای، تشریح هر ساختمان در هر ساختگاه هسته‌ای، تشریح میزان فعالیت برای هر مکانی که فعالیت‌های هسته‌ای مشخص دارد، اطلاعات درباره معادن و کارخانه‌های تولید اورانیوم و اطلاعات درباره مواد چشمه پرتوزا. این اطلاعات در طی ۳ ماه از تصویب این اقدامات ارائه خواهد شد.

تحویل پرسش‌نامه به‌روز شده راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود، به آژانس.

اتخاذ گام‌هایی برای توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انعقاد رهیافت پادمان درباره راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود.

دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فردو و نطنز، در مواقعی که آنها برای راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی (DIV) و راستی‌آزمایی موجودی میانی (IIV) و راستی‌آزمایی انبار گردانی (PIV) و بازرسی‌های بدون اطلاع قبلی، در ساختگاه حضور ندارند، باهدف دسترسی موارد ضبط‌شده آفلاین دوربین‌های نظارتی.

دسترسی مدیریت‌شده بازرسان آژانس به:

کارگاه‌های مونتاژ سانتی‌فیوژ

کارگاه‌های تولید روتور (چرخانه) سانتی‌فیوژ و انبارهای محل نگهداری آنها

معادن اورانیوم و کارخانه‌های تولید اورانیوم

در مقابل، سه کشور اروپایی، اتحادیه اروپایی به‌اضافه سه کشور دیگر،

انجام اقدام‌های داوطلبانه زیر را متعهد می‌گردد:

انجام وقفه در تلاش‌ها برای کاهش بیشتر فروش نفت خام ایران، به‌نحوی که مشتریان فعلی ایران بتوانند میانگین میزان فعلی از نفت خام‌شان را خریداری نمایند. قادرسازی به بازگشت یک مبلغ مورد توافق از درآمد نگهداری شده در خارج. درباره فروش چنین [میزان] نفت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا بر بیمه و خدمات حمل‌ونقل مرتبط، تعلیق می‌شود.

تعلیق تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا بر:

صادرات پتروشیمی ایران و همچنین تحریم‌های خدمات مرتبط ،

طلا و فلزات گران بها و همچنین تحریم های خدمات مرتبط. تعلیق تحریم های امریکا بر صنعت خودروسازی ایران و همچنین تحریم های خدمات مرتبط. صدور مجوز تأمین و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایرانی و خدمات مرتبط. صدور مجوز بازرسی های مربوط به ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط. عدم تحریم جدید مرتبط با هسته ای توسط شورای امنیت سازمان ملل. عدم تحریم جدید مرتبط با هسته ای توسط اتحادیه اروپایی. دولت امریکا، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره، از تحمیل تحریم های جدید مرتبط با هسته ای خودداری خواهد کرد. ایجاد یک کانال مالی برای تسهیل تجارت بشردوستانه برای نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران که در خارج نگهداری می شود. تجارت بشردوستانه محدود به تراکنش های [مالی] مربوط به غذا و محصولات کشاورزی، دارو، تجهیزات پزشکی و هزینه های پزشکی [انجام شده در] خارج می شود. این کانال مالی، هنگام ایجاد آن، بانک های مشخص خارجی و بانک های ایرانی که محدودیت برای آنها تعیین نشده را در بر می گیرد. این کانال همچنین می تواند اجازه دهد:

الف) تراکنش های [مالی] مورد نیاز برای پرداخت تعهدات ایران به سازمان ملل متحد؛

ب) پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه ها و دانشکده ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج کشور تا یک مبلغ توافق شده، برای یک دوره شش ماهه.

افزایش آستانه برای اخذ مجوزهای اتحادیه اروپایی جهت تراکنش های مالی برای تجارت موارد غیر تحریمی تا یک مبلغ مورد توافق.

بررسی برخی از مفاد گام اول

زمان بندی گام اول

واضح است که استفاده از اصطلاح گام اول بیان گر این حقیقت است که

قرارداد به صورت مرحله‌ای طراحی شده است. یعنی حتماً گام‌های دوم و ... هم وجود دارد. لذا باید زمان‌بندی هر کدام از این گام‌ها در مقام اجرا نیز معین شده باشد و الا زمینه برای سوءاستفاده طرف مقابل فراهم می‌شود. زمان شروع این گام در متن مشخص نیست اما توافقات شفاهی صورت گرفته پایان ماه دسامبر یا اول ماه ژانویه ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد. اما زمان پایان آن ۶ ماه بعد تعیین شده است. البته از قید (renewable) که به معنای (قابل تمدید) هست نیز با توافق طرفین استفاده شده است.

زمان‌بندی ۶ ماهه قابل تمدید برای گام اول

در پاراگراف اول بخش مربوط به گام اول آمده است: «گام اول دارای دوره زمانی شش ماهه خواهد بود و با توافق متقابل قابل تمدید می‌باشد.» سؤالی که به نظر می‌رسد آن است که چرا زمان گام اول می‌بایست ۶ ماه باشد؟ چرا نه ۳ ماه و نه ۹ ماه؟ منطق انتخاب این زمان چیست؟ در دوره‌های مذاکره قبلی با ۱+۵، وقتی طرف غربی با این سؤال مواجه شد در پاسخ گفت که ۶ ماه اقل زمان برای اعتمادسازی توسط ایران است. اگر مبنای انتخاب این زمان اعتمادسازی است، چرا از قید قابلیت تمدید (renewable) استفاده شده است؟ اگر اعتماد حاصل شد چرا دوباره باید با تمدید آن را حاصل نمود؟

با این عبارت طرف غربی گفته است که ممکن است ۶ ماه محدودیت، برای اعتماد به ایران کافی نباشد. در ضمن طرف مقابل این حق را یافته است که با پایان ۶ ماه دوباره بر تجدید آن اصرار ورزد. اگر چه ایران حق دارد نپذیرد اما همین مساله می‌تواند روند مذاکرات را دچار چالش کند. نکته‌ای که در این جا حائز توجه است این است که زمان ۶ ماهه گام اول- طبق ادعای طرف غربی- برای حصول اعتمادسازی معین شده، پس اگر ما ۶ ماه تعلیق کردیم اعتماد ایجاد شده است و نباید برای ما مشکلی در تمدید نکردن دوباره ۶ ماه باشد؛ اما می‌بینیم که توافق‌نامه از تجدید پذیری سخن گفته یعنی اعتمادی که ایجاد شده به دردی نمی‌خورده و باید دوباره ایجاد شود و چون حدّ یقفی ندارد می‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند. از طرف دیگر اگر معنای ۶ ماه تعلیق توسط ایران اعتمادسازی است چرا تحریم‌ها را در این

مدت ۶ ماهه تعلیق می‌کنی؟ اگر اعتماد ایجاد شد باید همه تحریم لغو شود. پس بین عدم تجدید پذیری توسط ایران و بازگشت تحریم های غرب رابطه هست. یعنی قرارداد را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که می‌خواهند همیشه با این چماق تهدید به تحریم، ما را در تعلیق ۵ درصد نگاه‌دارند.

بررسی اجمالی آن چه متعهد شده‌ایم

عدم موازنه داده - ستانده

در این توافق موازنه داده- ستانده برقرار نیست. آنچه ایران در این توافق واگذار می‌کند در واقع جلوگیری از پیشرفت بیشتر تمامی برنامه هسته‌ای موجود از حیث ماشین‌ها، مواد، تأسیسات و تجهیزات (Halt) و همچنین به‌عقب برگرداندن (Roll back) بخش‌های کلیدی برنامه از جمله غنی‌سازی ۲۰ درصد و ذخیره مواد ۲۰ درصد است و آنچه دریافت می‌کند تعدیلهایی در رژیم تحریم‌هاست که در مقایسه با ساختار کلی این تحریم‌ها بسیار جزئی و حاشیه‌ای است. نگاه آمریکایی‌ها به توافق ژنو همانطور که جان کری یک روز پس از توافق به ای‌بی‌سی‌نیوز گفته این است که این توافق مقدمه‌ای برای برچیدن (Dismantling) زیرساخت غنی‌سازی ایران است. در ازای چنین توافقی آن گونه که برگه اطلاعات (Fact sheet) منتشر شده از سوی کاخ سفید در تاریخ ۲۳ نوامبر نشان می‌دهد آن چه عملاً ایران دریافت می‌کند چیزی بیش از ۱۰ میلیارد دلار عواید ناشی از تعدیل تحریم‌ها در برخی حوزه‌های خاص نیست. برنامه هسته‌ای بخشی از غرور ملی ایرانیان است که خون پاک‌ترین جوانان این کشور به پای آن ریخته شده است و تردیدی نیست که سودا کردن این برنامه در ازای تعدیلی چنین جزئی در تحریم‌ها را بتوان یک معامله متوازن خواند.

پذیرش نظارت های خطرناک

نظارت‌هایی که در این توافقنامه پذیرفته شده حقیقتاً سخاوتمندانه و در مواردی توأم با بی‌احتیاطی محض است. به‌عنوان نمونه دسترسی آژانس به کارگاه‌های تولید قطعات و مونتاژ ماشین‌های سانتریفیوژ یا دسترسی به نقشه کامل تأسیسات هسته‌ای ایران و همچنین دسترسی به شرکت‌های درگیر

نورد اورانیوم مشکلات امنیتی بسیار سنگینی برای ایران ایجاد خواهد کرد درحالی‌که ایران تعهد قانونی هم به هیچ یک از این موارد ندارد. جالب است که در هنگام مذاکره با آژانس، این سازمان می‌گوید که مباحث جاری میان ایران و ۵+۱ به آن ربطی ندارد ولی در توافقی که با ۵+۱ منعقد شده، بخش بزرگی از درخواست‌های بسیار مشکوک آژانس گنجانده شده است.

نظارت‌های تعیین شده شبکه تأمین ما را به خطر می‌اندازد

در این بخش طرف ایرانی پذیرفته است که اطلاعات مربوط به پروژه‌هایی را در اختیار آژانس قرار بدهد که یا «هنوز آغاز نشده است» و یا اینکه «آغاز شده ولی ناقص» است.

گذشته از اینکه ارائه چنین اطلاعاتی حتی از پروتکل الحاقی هم فراتر است، یک مشکل بزرگ این روش این است که خلأهای اطلاعاتی طرف غربی درباره جزئیات فنی برنامه هسته‌ای ایران را پر کرده و امکان «جلوگیری از تکمیل پروژه‌ها» از طریق بستن راه‌های تأمین مواد و قطعات را برای آن فراهم می‌کند.

حداقل در ۴ مورد مهم، ایران اطلاعاتی به آژانس -و به غربی‌ها- واگذار می‌کند که کاملاً می‌تواند در پروژه «عقیم‌گذاری» پروژه‌های هسته‌ای ایران به سرویس‌های اطلاعاتی غربی کمک کند:

۱- اطلاعات مربوط به طرح‌های (آینده) ایران برای تأسیسات هسته‌ای

۲- اطلاعات مربوط به منبع مواد

۳- اطلاعات مربوط به راکتور آب سنگین اراک

۴- اطلاعات مربوط به کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ

کشورهای غربی با در اختیار داشتن این اطلاعات و از طریق تحلیل فنی «پروژه‌های در دست اجرا» یا «برنامه‌های آتی» می‌توانند به این موضوع پی ببرند که کم و کاستی‌های ایران در حوزه مواد، قطعات و تجهیزات کجاست و مطابق رویه خود در یک دهه گذشته به روش‌های مختلف راه‌های تأمین این نیازمندی‌ها را به روش‌های مختلف ببندند و به این ترتیب عملاً ممکن است وضعیتی بوجود بیاید که «شبکه تأمین» مواد، تجهیزات و قطعات برای ایران به شدت نا امن شده یا حتی به طور کامل بسته شود.

خالی شدن دست ما از امتیازات بعدی

اشکال دیگری هم وجود دارد که توجه به آن بسیار حائز اهمیت است. این که اجرای گام اول دست ایران را برای مذاکرات جامع خالی می‌کند. یک شمارش سرانگشتی از امتیازهای واگذارشده نشان می‌دهد که وقتی نوبت به مذاکره درباره توافق جامع برسد دست ایران به لحاظ فنی تقریباً خالی است. بدبینی به آمریکایی‌ها کاملاً این ادعا را موجه می‌کند که در توافق جامع طرف آمریکایی امتیازهایی بسیار بزرگ از ایران مطالبه خواهد کرد و حتی ممکن است پای بحث‌های دیگر از جمله بحث‌های منطقه‌ای و حقوق بشری را هم به میان بکشد. سؤال اصلی این است: وقتی ما می‌دانیم مذاکره مهم تری در راه است، وقتی می‌دانیم طرف مقابل برگ‌های اصلی‌اش را که همان تحریم‌های نفتی و بانکی است برای آن مذاکرات نگه‌داشته، چرا باید در گام اول تقریباً همه داشته‌های خود را روی میز بگذاریم؟

از دست رفتن ابزار اصلی چانه‌زنی در مذاکرات جامع

اصلی‌ترین ابزار چانه‌زنی ایران در مذاکرات، «ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی» بوده است. بر اساس توافق ۶ ماهه، در همین دوره نیمی از ذخایر ۲۰ درصدی به میله سوخت تبدیل‌شده و نیمی دیگر ترقیق می‌گردد. جان کری به‌صراحت ابراز داشته که ذخایر ۲۰ درصدی ایران پس از این دوره ۶ ماهه به صفر می‌رسد.

در چنین شرایطی ابهام اینجاست که برای امتیاز گرفتن از طرف غربی در مذاکرات جامع کدام ابزار باقی مانده است؟ مبادا طرف غربی برای دادن امتیازات هسته‌ای در مذاکرات جامع بتواند به مسائل غیرهسته‌ای ورود کند. شاید بهتر بود بخشی از ذخایر ۲۰ درصدی ایران در دوره ۶ ماهه کاهش یابد و بخش دیگر به‌عنوان ابزار چانه‌زنی باقی بماند.

چگونه موازنه قدرت و ابزار فشار ما در این مذاکرات از بین می‌رود؟

موازنه قدرت و ابزار فشار ما در این توافقنامه از بین رفت و او‌باما نیز رسماً این مورد را بیان کرد که اولین بار است تحریم‌های ما کاهش نمی‌یابد ولی ذخایر سوخت هسته‌ای و پیشرفت هسته‌ای ایران متوقف می‌شود. - تا کنون نسبت بین تحریم‌ها و افزایش تأسیسات، ذخایر و پیشرفت

هسته‌ای ما برابر بود.

- از مقطعی تحریم‌ها و امکان افزایش آن‌ها کم شد ولی پیشرفت‌ها و ذخایر ما افزایش یافت.

- این بار تحریم‌ها متوقف نشد بلکه تنها ۵٪ از آن‌ها تعلیق شد ولی ذخایر ما نابود شده و پیشرفت نیز متوقف شد.

وقتی او با ما در کنگره با این سؤال مواجه شد که شما که ابزار تحریم را دارید و می‌گویید تحریم اثر کرده است، چرا آن قدر بر این ابزارتان پافشاری نمی‌کنید و میزانش را بالا نمی‌برید تا ایران بالکل تسلیم شود؟ او با ما در پاسخ گفت: «میزان تحریم‌ها قبلاً با میزان رشد ایران برابر بود؛ اما از مقطعی ما به خاطر عدم همراهی چین و روسیه دیگر نتوانستیم تحریم‌ها را بیشتر کنیم اما ایران همچنان بر تعداد سانتریفیوژهایش افزوده می‌شد و روزبه‌روز مواد خام بیشتری تهیه می‌کرد. لذا ما می‌بایست این برگ برنده را از ایران می‌گرفتیم که در این توافق این اتفاق افتاد.»

در گام اول این توافق ما همه مواد خام‌مان را از دست دادیم. نیمی را اکسید و نیمی را به ۵ درصد تنزل دادیم و در گام نهایی هم بازفرآوری را بالکل تعطیل کردیم. اگر توافق نهایی صورت نپذیرد چون برای گام اول پایانی معین نشده، این تمدید ۶ ماه می‌تواند تا ابد ادامه یابد و بدین‌سان در حرکتی زیرکانه ایران ابزار فشارش را که مواد هسته‌ای و پیشرفت علمی بود یک جا ازدست‌داده و هم اکنون آمریکا می‌تواند با تشدید ابزار ۹۵ درصدی تحریم خود به راحتی ایران را به تسلیم وادارد.

ترمیم سازمان شکننده تحریم‌ها با توافق ژنو

اما توجه به نکته‌ای تأسف آور در متن (Fact sheet) ما بیش از پیش به تأسف وامی دارد. آن جا که خود آمریکایی‌ها اذعان کرده‌اند که اگر این توافق صورت نمی‌پذیرفت آن‌ها قادر به تشدید بیشتر تحریم‌ها نبودند: «افزون بر این، اگر توافق مرحله ای حاصل نمی‌شد، تحریم‌های بین‌المللی با خطر فروپاشی روبرو می‌شد زیرا ایران می‌توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی‌توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم. حالا

که توافق حاصل شده است، ما می توانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران يك گزینه بدهیم: به تعهدات خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند وگرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می دهد.» (به پیوست کتاب مراجعه شود)

تعلیق بالای ۵ درصد تا ۲۰ درصد

عبارتی که در گام اول آمده این است که « ایران اعلام می کند که برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را به سطح بالاتر از ۵ درصد غنی سازی نکند.» (Iran for the duration of ۵% announces that it will not enrich uranium over ۶ months) در این متن همه غنی سازی های بالای ۵ درصد تا ۲۰ درصد نفی شده یعنی ۶، ۷، ۸ تا ۲۰ درصد.

جای تأسف این است که برخی راکتورهای موجود در کشور به سوخت ۱۲ درصد نیاز دارد و پذیرش این توافق یعنی تعطیلی همه سطوح بین ۵ تا ۲۰ درصد.

بررسی اجمالی آن چه به دست آورده ایم

تعهدات طرف مقابل ناچیز، غیر روشن و گاه شفاهی و غیر مکتوب است.
- تحریم طلا و فلزات گران بها و پتروشیمی^[۱] عملاً تأثیری نداشت.

[۱]- تحریم پتروشیمی

تولید و صادرات محصولات پتروشیمی بعد از نفت بزرگترین درآمد ارزی کشور را ایجاد می کند و طبعاً آمریکا و اروپا بعد از تحریم نفت به دنبال تحریم صنعت پتروشیمی ایران رفته اند. با این تفاوت که بخش اعظم صنعت پتروشیمی ایران، خصوصی شده و دولتی نیست تا حتی شامل بهانه های بی معنایی مانند تأمین مالی صنعت هسته ای ایران باشد. مانند نفت خام، تحریم های مربوط به حوزه حمل و نقل محصولات پتروشیمی نیز گریبان این صنعت را گرفت اما با تدابیر شرکت های صادرکننده و دولت این مشکل به سرعت و تا حدود زیادی برطرف شد.

فارغ از این مورد، ساختار تحریم صنعت پتروشیمی ایران از ۳ بخش تشکیل شده است:

اول: تحریم فاینانس و تأمین مالی ایجاد واحدهای پتروشیمی است که تحریم جدیدی محسوب نمی شود و مشکل قابل توجهی برای توسعه این صنعت ایجاد نکرده است.

در واقع با وجود اینکه اغلب واحدهای پتروشیمی کشور با فاینانس بانک های خارجی و به خصوص اروپایی احداث شده اند اما با قطع این فاینانس در اثر اعمال تحریم ها، واحدهای جدید پتروشیمی با استفاده از منابع داخلی احداث می شوند. در حال حاضر بخش عمده ای از تسهیلات صندوق توسعه ملی به طرح های پتروشیمی اختصاص یافته است و در کنار آن با استفاده از منابع بلوکه شده ایران در چین، خطوط اعتباری برای فاینانس کردن پروژه های پتروشیمی و پالایشی ایران ایجاد شده است. به همین دلیل این بخش از تحریم های صنعت

- تحریم پترو بیشتر به نفع فرانسه بود تا ایران، ما از طریق واسطه قطعات مورد نیاز را تأمین می‌کردیم.

- تحریم‌ها حتی در انتهای گام نهایی به طور کامل رفع نمی‌شود. زیرا گفته‌شده تحریم‌های ملی و هسته‌ای برداشته می‌شود. ولی تحریم‌های ما

پتروشیمی عملاً تأثیر خاصی در توسعه این صنعت و درآمدهای ناشی از آن نداشته است.

دوم: تحریم دانش فنی، تجهیزات و کاتالیست‌ها است که این مورد نیز از جمله تحریم‌های جدید نیست و شاید جدی‌ترین بخش تحریم صنعت پتروشیمی ایران باشد. با این وجود، تحریم تجهیزات و کاتالیست‌های مورد نیاز این صنعت که تحریمی مسبوق به سابقه است باعث حرکت به سوی خودکفایی و ساخت داخل بسیاری از تجهیزات و کاتالیست‌ها شده است به گونه‌ای که میزان تولید بعضی از کاتالیست‌های مهم چند برابر نیاز کشور است و حتی امکان صادرات آن‌ها نیز وجود دارد.

شرکت‌های ایرانی در عین حال دانش فنی احداث واحدهای جدید پتروشیمی را به خصوص با توجه به دانش فنی واحدهای قدیمی تا حدودی در اختیار دارند و دسترسی به دانش فنی نیز مشکل غیرقابل‌حلی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود. این شرکت‌ها بعضاً با مشکل تأمین بعضی تجهیزات پیچیده مواجه بوده‌اند که این مشکل نیز از طریق دور زدن تحریم‌ها و همچنین برنامه‌ریزی برای ساخت تجهیزات و بومی‌سازی آن‌ها و تشکیل کنسرسیوم‌های سازنده تجهیزات تاکنون تا حدودی حل شده و در آینده نیز تقریباً به طور کامل قابل حل خواهد بود.

سوم: تحریم صادرات محصولات پتروشیمی ایران است که تنها تحریم جدید در صنعت پتروشیمی محسوب می‌شود و عمر آن به ۶ ماه هم نمی‌رسد. در واقع اروپا و آمریکا بازارهای خود را به روی محصولات پتروشیمی ایران بسته‌اند.

با این وجود عملاً این تحریم که قرار بود در صنعت پتروشیمی ایران فلج‌کننده باشد به دلایل مختلف تأثیر مورد نظر غربی‌ها را نداشت و عملاً ناکام ماند. چرا که از یک سو محصولات پتروشیمی بسیار متنوع و خریداران آن نیز بسیار متکثرند و ردیابی آن‌ها عملاً ممکن نیست و از سوی دیگر بازار محصولات پتروشیمی جهان بر خلاف بازار نفت بسیار تشنه است و حتی گفته می‌شود در صورت حذف بعضی محصولات ایرانی از این بازار، کمبودهای شدید و بازار سیاه برای این محصولات ایجاد می‌شود.

به همین دلیل است که شرکت‌هایی که صادرات و بخش بازرگانی محصولات پتروشیمی ایران را بر عهده دارند می‌گویند نه یک تن محصول روی زمین مانده دارند و نه یک سنت پول محصولات جایی باقی‌مانده و بلوکه‌شده است.

در واقع اساساً با تکیه بر این گزاره که تحریم میلیون‌ها قلم کالای ساخته‌شده ممکن نیست یکی از برنامه‌های راهبردی ایران در مقابله با تحریم‌ها انتقال از صادرات تک محصولی نفت به صادرات محصولات و مصنوعات ساخته‌شده از محصولات پتروشیمی است.

با این حال، همان‌گونه که اشاره شد ایران در صادرات محصولات پتروشیمی به عنوان اصلی‌ترین کالای صادراتی خود مشکل شدید و غیرقابل‌حلی ندارد و درآمدهای صادرات این محصولات نیز اغلب بدون مشکل به کشور بازمی‌گردد. با این وجود غربی‌ها و به خصوص آمریکایی‌ها بارها تأکید کرده‌اند که ساختار اصلی تحریم‌ها دست‌نخورده باقی خواهد ماند و عملاً در قوانین تحریم فروش نفت ایران و همچنین تحریم سوئیفت و مبادلات مالی که اصلی‌ترین مشکلات را برای کشور ایجاد کرده است تغییر خاصی ایجاد نخواهد شد.

به عبارت دقیق‌تر آمریکایی‌ها به صورت موقت اجازه انتقال بخشی از درآمدهای قبلی ایران را صادر خواهند کرد اما تحریم فروش نفت و تحریم مبادلات مالی که‌اکان به قوت خود باقی خواهد بود و آمریکایی‌ها بدون ارائه هرگونه تعهدی هر زمان که اراده کنند می‌توانند حلقه آن را تنگ کرده یا رها کنند.

تنها هسته‌ای نیست.

- برای تحریم نفت بیشتر محدود شدیم.
- میزان آزادسازی اموال بلوکه‌شده ایران در متن نیامده است؛ و در همان گفتگوی شفاهی مسیر خرج آن معین شده است.
- تحریم‌ها را کاهش ندادند بلکه تنها ۵٪ از آن‌ها را تعلیق کردند.

باقی ماندن معماری اصلی تحریم‌ها

بخش قابل توجهی از تحریم‌های تعلیق شده در این موافقت‌نامه، «تحریم‌های آینده» است به این معنا که ۱+۵ گفته است کاری را که می‌خواسته زمانی در آینده انجام بدهد، انجام نمی‌دهد و در ازای آن از ایران مطالبه امتیاز کرده است. تعدیل تحریم‌هایی که تا به حال اعمال شده در این متن کم‌رنگ است و میزان عوایدی هم که ایران از این ناحیه کسب خواهد کرد مطابق آنچه آمریکایی‌ها گفته‌اند، بسیار ناچیز خواهد بود.

در شرایطی که ایران اصلی‌ترین ابزار چانه‌زنی را ظرف ۶ ماه از دست می‌دهد، تحریم‌های اصلی بر جای خود باقی می‌مانند و طرف غربی از ابزار قدرتمندی برای چانه‌زنی برخوردار خواهد بود.

اگر منصف باشیم و منصفانه و بدون هیجان کاذب، متن توافقنامه را مطالعه کنیم، احتمالاً درخواهیم یافت که ایالات متحده کاملاً به وعده‌ای که به صهیونیست‌ها در خصوص تسهیل تنها ۵ درصدی تحریم‌ها داد، وفادار بوده است. تحریم‌های اصلی باقی‌مانده و ظاهراً آزادسازی اموال بلوکه‌شده ایران تنها در سطح ۲،۴ میلیارد دلار است.

ساختار و معماری تحریم‌ها یعنی تحریم‌های اصلی نفتی و مالی برجای خود است. این در آینده می‌تواند برای ایران مشکل‌ساز باشد.

به این ترتیب شاید بتوان گفت که در ازای «توقف پیشرفت روند برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران» که باراک اوباما در بیانیه خود از آن با افتخار یاد کرده است، امتیازات کافی و برابر اخذ نشده است.

تعلیق (Suspend) تحریم‌ها

واژه Suspend یعنی تعلیق. در متن توافقنامه آمده است تحریم‌های آمریکا و غرب -البته تنها بخش بسیار اندکی از تحریم‌ها- تعلیق می‌شود،

نه لغو. این در حالی است که دیپلمات های ایرانی همواره سخن از رفع تحریم‌ها به میان می‌آوردند ولی طرف مقابل تنها راضی شده است بخش ناچیزی از تحریم‌ها را تعلیق کند و نه لغو. از این روی بود که رئیس‌جمهور امریکا چندین بار اعلام کرد این تحریم‌ها برگشت‌پذیر است.

حتی در گام نهایی نیز همه تحریم‌ها لغو نمی‌شود

هدف اصلی مذاکرات هسته‌ای برداشتن تحریم‌های بانکی و نفتی علیه ایران است، اما متأسفانه این هدف حتی در گام نهایی توافق‌نامه نیز محقق نمی‌شود. در متن چهار صفحه‌ای توافق‌نامه، هر جا کلمه تحریم‌ها (sanctions) به میان آمده است، عبارت هسته‌ای (nuclear-related) با آن همراه شده است. به عبارت دیگر در گام نهایی و پس از انجام تمام تعهدات ایران بر اساس توافق‌نامه، فقط تحریم‌های هسته‌ای سازمان ملل، تحریم‌های هسته‌ای چندجانبه و تحریم‌های هسته‌ای ملی برداشته خواهد شد. در نتیجه تحریم‌های بانکی و نفتی مصوب کنگره آمریکا، در جای خود محفوظ خواهد ماند و به این موضوع در ذیل خواهیم پرداخت. متأسفانه در برخی از بخش‌های ترجمه رسمی توافق‌نامه ژنو توسط وزارت امور خارجه ایران اشتباهاتی به چشم می‌خورد. چرا که از قید کلمه «هسته‌ای» برای تحریم‌های چندجانبه و ملی در متن اصلی صرف‌نظر شده است. در متن اصلی توافق‌نامه در صفحه چهار آمده است:

Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.

ترجمه وزارت امور خارجه به شرح زیر است:

به‌طور همه‌جانبه تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی را برداشته و از جمله گام‌هایی برای دسترسی به حوزه‌های تجاری، فن‌آوری، مالی و انرژی را بر مبنای یک برنامه تنظیمی که در خصوص آن توافق به عمل خواهد آمد را اتخاذ نماید.

در واقع در تمام قسمت‌های متن توافق‌نامه که بحث برداشته شدن تحریم‌ها به میان آمده است، کلمه تحریم با کلمه هسته‌ای همراه شده است. توجه به این نکته لازم است که در متن تحریم‌های نفتی و بانکی که توسط کنگره آمریکا به تصویب رسیده است، جدای از موضوع هسته‌ای، ادعاهایی در رابطه با «حقوق بشر» و «حمایت ایران از تروریسم» مطرح شده است. حقیقت امر این است که تحریم‌های نفتی و بانکی با سه بهانه به تصویب رسیده‌اند، بنابراین، حتی اگر ایران برنامه هسته‌ای خود را به طور کامل و برای همیشه متوقف کند، آمریکا بدون نقض توافق‌نامه ژنو می‌تواند با دو بهانه دیگر خود یعنی موضوعات حقوق بشر و حمایت از تروریسم، به تحریم‌های بانکی و نفتی که بیشترین مشکل را برای مردم ایجاد کرده ادامه دهد.

این نکته‌ای است که در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۲ (۳ اکتبر ۲۰۱۳) توسط سناتور باب کورکر به آن اشاره شده است. سؤالی که سناتور کورکر از خانم وندی شرمین، معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا و رئیس تیم مذاکره کننده آمریکایی حاضر در کنفرانس ژنو می‌پرسد، این است: «آیا به تیم ایرانی گفته شده است که مسئله تحریم‌های آمریکا در سه موضوع بوده و با تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران، دو موضوع دیگر همچنان بر روی میز باقی خواهد ماند؟» خانم شرمین در جواب اظهار می‌کند که این نکته با شفافیت به طرف ایرانی گفته شده است. گفتنی است این متن توسط «سرویس اخبار فدرال» (Federal News Service) که مسئول پیاده کردن جلسات کنگره در آمریکاست، پیاده شده است:

سناتور کورکر: «آقای رئیس، من بسیار کوتاه عرض می‌کنم. می‌دانم پانل دیگری هم باید داشته باشیم؛ اما می‌خواهم سؤالی از معاون وزیر امور

خارجه بپرسم. می‌دانید، امروز و اینجا در باره موضوع هسته‌ای و مسائل مهم دیگر خیلی صحبت کردیم؛ اما اگر مذاکره کنیم و به برنامه هسته‌ای‌شان پایان دهیم، یا باعث عقب‌گرد قابل ملاحظه‌ای در برنامه‌هایشان شویم، باز هم کشوری دشمن را مقابل خود خواهیم داشت. آن‌ها حامیان تروریسم دولتی هستند و سابقه وحشتناکی در حقوق بشر دارند.

بنابراین می‌دانم شما به دنبال این هستید که تلاش کنید از طریق مذاکره، تحریم‌ها تا حدودی کاهش یابد؛ اما واقعیت این است که آن‌طور که قوانین تحریم‌ها نوشته شده، آن‌ها نه تنها باید برنامه هسته‌ای خود را از بین ببرند، بلکه باید تروریسم را هم نفی کنند؛ و من نمی‌دانم این مذاکرات چطور همزمان با توجه به این امور پیش می‌رود و برای تضمین چه کار خواهید کرد - چون باز هم آن‌طور که قوانین تحریم‌ها نوشته شده، این تحریم‌ها را نمی‌توان لغو کرد مگر اینکه تمام آن شرایط حاصل شود؛ و این‌طور به نظر من می‌رسد که ما فقط در یک مسیر حرکت می‌کنیم، مسیر بسیار خوبی است اما نمی‌دانم چگونه می‌خواهید به مسائل دیگر بپردازید.»

خانم شرم‌ن: «ما با ایرانی‌ها شفاف بوده‌ایم و گفته‌ایم که در اینجا در مورد برنامه هسته‌ای‌شان و تحریم‌هایی که مربوط به برنامه هسته‌ای آنهاست، صحبت می‌کنیم؛ و خاطرنشان ساختیم تحریم‌های موجود در مورد اقدامات حقوق بشر و اقدامات تروریستی‌شان همچنان بر روی میز است، دقیقاً به خاطر آنچه که شما به آن اشاره کردید، مبنی بر اینکه باید پیشرفت، آنهم پیشرفت چشمگیری در باب حقوق بشر داشته باشند؛ نباید دیگر از تروریسم حمایت کنند؛ و در حقیقت نباید آن منطقه از جهان و بسیاری از دیگر نقاط جهان را بی‌ثبات کنند.»

این موضوع بار دیگر در جلسه استماع ۲۱ آذر ۱۳۹۲ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳) این بار در کمیسیون بانکداری سنای آمریکا توسط ون‌دی شرم‌ن تکرار می‌شود. شرم‌ن: «ما به ایران گفته‌ایم که همچنان به اجرای تمام تحریم‌های موجود ادامه خواهیم داد و گفته‌ایم که این توافق نامه تنها به تحریم‌های هسته‌ای جدید در قالب آنچه که ما، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد،

چشم پوشی خواهیم کرد اشاره می‌کند.»

جان کری نیز در ۱۹ آذرماه ۱۳۹۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۳) در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با ادبیات مشابهی به بیان این موضوع می‌پردازد.

کری: «ما ۵+۱ را متحد کرده‌ایم. روسیه، چین، ایالات متحده، فرانسه، آلمان و بریتانیا همه با این تضمین متحد شده‌اند که تحریم‌ها را لغو نخواهیم کرد و بر اعمال آن‌ها تمرکز خواهیم کرد. در حال حاضر، همه تحریم‌ها علیه ایران، باقی خواهند ماند. به علاوه، به خاطر سابقه بسیار منفی آن‌ها در حوزه حقوق بشر، حمایتشان از تروریسم که به آن اشاره کردید و فعالیت‌هایی که برای بی‌ثبات کردن مناطقی مثل سوریه انجام می‌دهند، تمام این تحریم‌ها در جای خود باقی می‌ماند. این تحریم‌ها هیچ ربطی به موضوع هسته‌ای ندارند. این تحریم‌ها به خاطر دلایل موجود وضع شده است و ما آن‌ها را بر نمی‌داریم.»

کری در ادامه در رابطه با موضوع ضعیف شدن تحریم‌ها در شش ماه آینده که توسط یکی از نمایندگان حاضر در کمیسیون مطرح شده بود این‌چنین می‌گوید:

کری: «خانم رئیس، با توجه به نظر شما درباره ناقوس مرگ تحریم‌ها، با کمال احترام باید مخالفت کنم و در شش ماه، جهان پی خواهد برد که حق با شماست یا من درست می‌گویم. یا شما اشتباه می‌کنید یا من؛ و ما همه خواهیم فهمید. من با شما موافق نیستم. اعتقاد ندارم این مسئله، ناقوس مرگ تحریم‌ها باشد زیرا تمام همکاران ما متحد هستند و ابزارهای زیادی در اختیار داریم.»

ما هستیم که دسترسی به سیستم مالی ایالات متحده را کنترل می‌کنیم که شرط ضروری برای تقریباً هر معامله مالی در جهان است. ما توانایی بالایی در نفوذ و تاثیر بر مردم داریم؛ و همانطور که قبلاً هم به شما گفتم، می‌خواهیم کاملاً روی این موضوع متمرکز شویم؛ بنابراین به توانایی‌مان برای ادامه کار کاملاً مطمئنم.

علاوه بر این، بیشتر شرکت‌ها می‌دانند که تحریم‌ها همچنان برقرار

هستند و اینکه ما می‌خواهیم این کار را ادامه دهیم. شرایط موجود، تردید زیادی برای این شرکت‌ها ایجاد کرده است. اگر شرکت‌ها فکر کنند در پنج ماه یا چهار ماه قراردادشان با ایران بی‌اعتبار خواهد شد به خاطر اینکه قرار است تحریم‌ها بیشتر شود یا ممکن است وارد جنگ شوید تعداد بسیاری از این شرکت‌ها تصمیم می‌گیرند از تحریم خارج شوند و با ایران قرارداد ببندند. موضوع قراردادهای جدید منتفی خواهد بود. عقل این‌طور حکم می‌کند. آن‌ها قبل از امضای هر قرارداد بلندمدتی، اطمینان بیشتری می‌خواهند؛ و این‌ها قراردادهای بلندمدت است، قراردادهای نفتی و مانند آن.»

گفتنی است در عمل برای لغو تحریم‌های نفتی و بانکی در کنار تمکین به نظرات مقامات آمریکایی در حوزه حقوق بشر و تروریسم در نهایت باید اکثریت اعضای کنگره قانون دیگری را تصویب کنند که قانون تحریم‌ها را نقض کند؛ که البته تحقق این فرآیند با توجه به نفوذ لابی اسرائیل در کنگره بسیار مشکل به نظر می‌رسد. بر اساس ساختار سیاسی حاکم در آمریکا، رئیس‌جمهور نمی‌تواند قوانین موجود را نقض و یا از اجرای آن سر باز زند.

بحثی پیرامون تحریم‌ها

دو تحریم مهم

دو تحریم مهم که بخش اصلی درآمدهای کشور را هدف قرار داده تحریم‌های نفت و پتروشیمی است که اولی مهم‌ترین منبع درآمد کشور و دومی بزرگ‌ترین رقم صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل می‌دهد. این به‌جز فشارهای غیررسمی به کشورهای مختلف برای لغو قراردادهای مختلف با ایران از جمله قراردادهای صادرات گاز است که کمابیش انجام می‌شود و ادامه دارد. اما ساختار تحریم‌های این دو بخش راهبردی چگونه طراحی شده است و برداشته شدن آن‌ها به چه معنا است؟

تحریم نفت خام

غربی‌ها مدت‌ها است سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و همچنین

تحويل تجهیزات پیچیده نفتی به ایران را تحریم کرده‌اند و به هر قیمتی که شده اجازه نمی‌دهند تجهیزات که استفاده از آنها برای اجرای پروژه‌های مهم نفتی مثلاً در پارس جنوبی حیاتی است به‌دست ایران برسد. در کنار آن تحریم‌های مربوط به حمل‌ونقل و بیمه کشتی‌های نفت‌کش نیز علیه ایران وضع شد که با ایجاد بیمه‌های «حفاظت و غرامت» داخلی و دیگر تدبیرها تا حدود زیادی ناکام ماند.

با این وجود بخشی از تحریم که واقعاً برای کشور مشکل ایجاد کرده تحریم فروش نفت خام است. تحریم نفت خام ایران خود از دو بخش مجزا تشکیل شده است:

تحریم فروش نفت خام

که بر اساس آن آمریکا از کشورهای خریدار نفت ایران خواسته است که در بازه‌های زمانی ۳ ماهه به میزان مشخصی از خرید نفت ایران بکاهند و نفت ایران را با دیگر نفت‌های موجود در بازار نفت جایگزین کنند؛ در غیر این صورت کشورها و شرکت‌هایی که از اعمال این تحریم خودداری کنند خود با تحریم تجاری آمریکا روبرو خواهند شد.

این تحریم در وهله اول باعث شد کشورهای اروپایی خرید مستقیم نفت از ایران را متوقف کنند. خریداران آسیایی که مشتریان اصلی نفت ایران بودند نیز متناسب با خواسته‌های آمریکا و زیر سایه تهدید این کشور خرید نفت از ایران را به میزان قابل‌توجهی کاهش دادند. آمریکایی‌ها هر سه ماه یک‌بار برای نگه‌داشتن تعادل در بازار نفت جهان و کنترل قیمت نفت در میزان مجاز واردات نفت از ایران بازنگری می‌کند و آن را ثابت نگه‌داشته یا کاهش می‌دهد.

بعضی منابع معتقدند صادرات نفت ایران از ۲/۷ میلیون بشکه در روز به نزدیک ۱ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. خپرگزاری‌های خارجی صادرات نفت خام ایران در چند ماه اخیر را ۷۰۰ هزار بشکه در روز اعلام کرده‌اند. البته صادرات نفت خام در ماه‌های مختلف متأثر از عوامل متعددی است و از میزان صادرات در یک ماه نمی‌توان متوسط صادرات کل سال را به‌صورت دقیق مشخص کرد.

تحریم انتقال پول ناشی از فروش نفت ایران

دوم: تحریم انتقال پول ناشی از فروش نفت ایران است که مشکلاتی جدی برای کشور ایجاد کرده است.

علاوه بر آمریکا، شرکت‌های اروپایی نیز با اعمال تحریم شبکه بین‌بانکی «سوئیفت» و نقل و انتقالات مالی و بانکی، به اثربخشی این بخش از تحریم‌ها یاری رسانده‌اند. در اثر این‌گونه از تحریم، بخش قابل‌توجهی از پول نفت ایران در کشورهای اروپایی و آسیایی باقی‌مانده و قابل انتقال به کشور نیست و عملاً کشور از این منابع محروم شده است. آمریکایی‌ها حتی از واردکنندگان نفت ایران خواسته‌اند به‌جای پول نفت، کالاهای غیر تحریمی و به‌خصوص کالاهای مصرفی به ایران تحویل دهند. به‌عنوان نمونه تنها در کشور چین ۱۸ میلیارد یورو از پول نفت ایران بلوکه شده است و امکان انتقال آن به کشور تقریباً وجود ندارد. این تحریم در واقع تحریم مالی و بانکی است اما در عمل منابع مالی ناشی از صادرات نفت خام ایران را نشانه رفته است.

بررسی گام دوم
توافقنامه ژنو

The
second
step

متن انگلیسی گام دوم

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things, addressing the UN Security Council resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter.

ترجمه فارسی گام دوم

گام‌های اضافی در میان اقدام‌های اولیه و گام نهایی، از جمله، در میان موارد دیگر، پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل در این موضوع به صورت رضایت‌بخش، به نتیجه برسد.

زمان آغاز و پایان گام دوم

زمان شروع گام دوم در متن مشخص نشده است فلذا هر زمانی احتمال شروع دارد حتی هم زمان با گام اول. زمان خاتمه‌اش نیز مشخص نشده یعنی می‌تواند تا پایان مذاکرات نهایی ادامه یابد.

بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

در این بخش به صراحت به قطعنامه‌های شورای امنیت اشاره شده است: «پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل در این موضوع به صورت رضایت‌بخش، به نتیجه برسد.» قطعاً جمهوری اسلامی ایران بنا بر مواضع اعلامی خود قطعنامه‌های مزبور را «غیرقانونی» می‌داند. بنابراین ابهام این جاست که پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت به چه معناست؟ آیا گنجاندن این مورد در گام دوم و پذیرش آن توسط تیم مذاکره‌کننده ایرانی خودبه‌خود به معنای پذیرش قانونی بودن این قطعنامه‌ها نیست؟

تاریخچه تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران

تحریم علیه ایران از جانب کشورهای غربی و در جهت توقف در پیشرفت

برنامه اتمی ایران شکل گرفت. این تحریم‌ها بر روی برنامه اتمی ایران تأثیرگذار نبوده‌است، بلکه تأثیرات منفی بر روی اقتصاد ایران گذاشته است. این تحریم‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی و فروش سلاح و مهمات هست. از جمله تأثیرگذارترین این تحریم‌ها می‌توان به تحریم صادرات نفت ایران و بانک مرکزی ایران اشاره کرد که موجب آن اقتصاد ایران و نقش بانک مرکزی ایران در وصول درآمد سهل حاصل از فروش نفت ایران به کشورهای جهان است. که با توجه به تحریم هر دو بخش نامبرده، اقتصاد ایران دچار مشکل جدی شده است. تحریم دارو و مواد غذایی در حالی اعمال می‌شود که آمریکا صادرات دخانیات به ایران را از لیست تحریم‌ها معاف کرده است و ایران سومین واردکننده سیگار آمریکایی در دنیاست.

مقام‌های دولت آمریکا تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را سخت‌ترین و فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ دنیا نامیده‌اند. آخرین قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای مربوط به برنامه هسته‌ای ایران است که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب این شورا رسید و تحریم‌های اقتصادی شدیدی را علیه ایران وضع کرد. صدور این قطعنامه در پی عدم اجرای مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) از سوی ایران صورت گرفت.

اما آخرین قطعنامه حاوی مفاد ذیل است:

بر اساس این قطعنامه ایران بایستی ساخت تمام مراکز غنی‌سازی اورانیوم یا تأسیسات اتمی آب سنگین (مراکز پلوتونیوم) را متوقف و از ساخت تأسیسات مشابه خودداری کند.

این قطعنامه:

- فعالیت‌های اتمی تجاری ایران در خارج از جمله هرگونه شرکت در طرح‌های استخراج اورانیوم در کشورهای دیگر یا شرکت در تولید مواد یا فناوری‌های اتمی در خارج را ممنوع می‌کند.
- دولت‌های دیگر را موظف می‌کند که از حضور دولت ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در موارد فوق جلوگیری کنند.

-کشورها را موظف می‌کند که از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هشت نوع سلاح سنگین از جمله تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های نظامی و سیستم‌های موشکی به ایران جلوگیری کنند.
-منع فعالیت‌های ایران در خصوص تولید موشک‌های بالستیک با توانایی حمل کلاهک هسته‌ای.

-منع آزمایش‌های موشکی ایران که در آن از فناوری بالستیک استفاده شده باشد.

-کشورها را موظف می‌کند که از ورود شمار دیگری از مقام‌های ایران به قلمروی خود جلوگیری کنند و دارایی‌های تعداد دیگری از افراد و شرکت‌های ایرانی را در فهرست تحریم‌ها برای مسدود شدن قرار می‌دهد.

-از دولت‌ها می‌خواهد تمام محموله‌های هوایی و دریایی که به ایران فرستاده می‌شود یا از آن خارج می‌شود را در فرودگاه‌ها، بندرها و آب‌های قلمروی خود در صورتی که بر این باور باشند که آن محموله‌ها حاوی مواد اتمی، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده است، بازرسی کنند.

-به کشورها اجازه می‌دهد محموله‌های دریایی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی در آب‌های آزاد بازرسی، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند.
-به کشورها اجازه می‌دهد از تأمین سوخت یا ارائه خدمات دیگر به کشتی‌های ایران یا کشتی‌های خارجی حامل محموله‌های «غیرقانونی» ایران خودداری کنند.

-از کشورها می‌خواهد «مراقب» مبادلات مالی اشخاص یا شرکت‌ها با افراد و کمپانی‌های ایرانی از جمله شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران یا خطوط کشتیرانی ایران باشند.

-از کشورها می‌خواهد «مراقب» مبادلات مالی بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی این کشور باشند تا از مبادلاتی که مربوط به فعالیت‌های اتمی حساس ایران یا سیستم‌های پرتاب کلاهک‌های هسته‌ای این کشور می‌شود، جلوگیری کنند.

-از کشورها می‌خواهد که با اتخاذ تدابیر لازم از افتتاح شعبه‌ها و نمایندگی‌های بانک‌های ایران در قلمروی خود در صورتی که معتقدند چنین

شعبی با فعالیت‌های اتمی ایران ارتباط دارند، جلوگیری کنند.

مفاد کلی قطع‌نامه‌های شورای امنیت چه بود؟

مفاد کلی قطع‌نامه‌های شورای امنیت که همه به خاطر مباحث هسته‌ای و در جهت فشار بر ایران وضع شده است خواستار تعلیق ۳ امر است. این قطع‌نامه‌ها از ایران می‌خواهد که تا زمانی که مشکلات خود را با آژانس بین‌المللی اتمی حل نکرده اولاً غنی‌سازی ۵ درصد و فعالیت‌های مرتبطش، ثانیاً آب سنگین اراک و ثالثاً بازفرآوری اورانیوم را تعلیق نماید.

چند نکته مهم

توجه به چند نکته ضروری است:

۱. پذیرش تلویحی قانونی بودن قطع‌نامه‌ها:

به طور تلویحی قانونی بودن قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفته‌ایم؛ و حال آن که تاکنون با استناد به موازین حقوق بین‌الملل این قطع‌نامه‌ها را غیرقانونی و باج‌خواهانه می‌دانستیم.

محمدجواد ظریف در نشست شورای امنیت سازمان ملل در ۹ مرداد ۱۳۸۵ گفت: «اما سه کشور اروپایی، با ادعای نمایندگی از سوی همین جامعه بین‌المللی، در بسته به اصطلاح مشوق‌های خود در اوت گذشته از ایران خواستند که «تعهدی الزام‌آور برای پیگیری نکردن فعالیت‌های چرخه سوخت تقبل کند». مرور اجمالی سیر وقایع از اوت گذشته تاکنون روشن می‌کند که رد آن خواسته غیرقانونی و نابه‌جا توسط جمهوری اسلامی ایران تنها دلیل تحمیل قطع‌نامه و بیانه‌های به شورای حکام و شورای امنیت بوده و هست.»

محمدجواد ظریف که آن زمان، نمایندگی ایران در سازمان ملل را به عهده داشت، در پی صدور قطع‌نامه‌ی شورای امنیت به اعضای این شورای گفت: «برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران هیچ تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی ندارد و بنابراین پرداختن به این مساله در شورای امنیت هیچ اساس حقوقی و کاربرد عملی ندارد.»

۲. مغایرت ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت بر طبق قوانین آژانس:

ارسال پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت سازمان ملل نیز با

بند C از ماده ۱۲ اساسنامه آژانس مغایرت آشکار داشته است چرا که در این بند از اساسنامه برای ارجاع پرونده يك کشور عضو به شورای امنیت سازمان ملل ۲ علت ذکر شده است. اول؛ اثبات انحراف از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای به‌سوی تولید سلاح اتمی - DIVERSION - که این انحراف در هیچ‌یک از گزارش‌های آژانس و قطعنامه‌های شورای حکام نیامده است و دوم؛ بی‌توجهی کشور عضو به توصیه‌های آژانس برای رفع «تقصیرها و قصورها» که در این زمینه نیز قطعنامه نوامبر ۲۰۰۴ آژانس- آبان ۸۳- از رفع- بخوانید بی‌اساس‌بودن- قصورها و تقصیرهای مورد مناقشه خبر داده است. بنابراین از این زاویه نیز ارجاع پرونده و قطعنامه‌های شورای امنیت فاقد اعتبار بوده است.

۳. پایان «رضایت‌بخش» قطعنامه‌ها

اگر کسی بگوید عبارت توافق‌نامه (addressing) است که به معنای صرف پرداختن و بررسی ست و ضرورتاً به معنای پذیرش جعل آن‌ها توسط شورای امنیت نیست، در جواب باید گفت که اگر این عبارت به معنای عدم اجرای آن‌هاست - که از نظر جمهوری اسلامی قطعاً هست- پس عبارت (satisfactory conclusion the UN Security Councils consideration of this matter) «پایان رضایت‌بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت» چه معنایی دارد؟ رضایت‌بخش بودن بررسی قطعنامه‌ها دقیقاً به چه معناست و با چه معیار و ملاک عینی و قابل اندازه‌گیری محاسبه می‌شود؟ رضایت‌بخش بودن چه معیار حقوقی در پی دارد و آیا اساساً اصطلاحی حقوقی است؟ خصوصاً این که مرجع پذیرش رضایتمندی ایران نیست بلکه شورای امنیت است.

این مفاهیم ابهام دارند. همین بخش می‌تواند به نوعی سکنه در مذاکرات جامع ایجاد کند؛ چون طرف غربی اگر نخواهد حسن نیت به خرج دهد می‌تواند بر اساس همین توافق به اجرای قطعنامه‌های اصرار ورزد؛ چیزی که بعید است محقق شود.

۴. در فصل مربوط به گام میانی و در فاصله گام اول و گام نهایی از ایران خواسته شده است که گام‌های دیگری نیز بردارد- ADDITIONAL STEPS-

و پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را با تعبیر «از جمله این گام‌ها در کنار گام‌های دیگر» آورده است. که به موضوع قطعنامه‌ها اشاره داشتیم و اکنون اشاره به این نکته را ضروری و قابل پرسش می‌دانیم که چرا گام‌های اضافی را به صورت جمع آورده‌اند؟ و غیر از پرداختن به قطعنامه‌ها که آن را فقط یکی از آن گام‌ها می‌دانند انتظار چه گام‌های دیگری را از ایران دارند؟! توافقنامه در این باره ساکت است و حریف می‌تواند با استناد به این بند تعریف نشده، در پی تحمیل انتظارات غیرقانونی و باج‌خواهانه مورد نظر خود برآید. انتظار منطقی از تیم هسته‌ای کشورمان این بود که زیر بار گام‌های اضافی تعریف نشده نروند و از طرف مقابل بخواهند منظور خود از این گام‌ها را دقیقاً مشخص کند که متأسفانه این انتظار ضروری برآورده نشده است!

چند سؤال بی‌جواب

۱- اگر بنا باشد ایران در فاصله میان گام اول و گام نهایی قطعنامه‌های شورای امنیت را مد نظر قرار بدهد، مطابق آنچه در قطعنامه ۱۷۳۷ آمده ایران باید کل برنامه غنی‌سازی و سیکل سوخت خود را به حالت تعلیق دریاورد. آیا این به این معنا نیست که ایران در زمان اجرای گام دوم که می‌تواند از ابتدای گام اول آغاز گردد تا زمان رسیدن به توافقی درباره گام نهایی، باید کل برنامه خود را تعلیق کند؟

۲- اگر ایران بنا داشت قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا کند، چرا اصلاً با ۱+۵ مذاکره و توافق می‌کند؟

۳- چرا ۱+۵ گام اول ایران را به معنای پای بندی به قطعنامه‌ها در نظر نگرفته و خود متعهد به حل موضوع در شورای امنیت نشده است؟ مگر اعضای اصلی تصمیم‌گیرنده در شورای امنیت همین ۶ کشور مذاکره کننده با ایران نیستند؟

۴- معنی اینکه «باید به نتیجه ای رضایت بخش (satisfactory) درباره ملاحظات شورای امنیت رسید» چیست؟ آیا معنی این جمله این نیست که حتی اگر ایران به قطعنامه‌ها عمل کند باز، شورای امنیت می‌تواند بگوید عمل ایران رضایت‌بخش نبوده است و پای مسائل غیرهسته‌ای را وسط

بکشد؟

۵- آیا تیم ایرانی با پذیرش این عبارت از موضع رسمی و دیرپای ایران درباره غیرقانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت - که نخستین بار توسط خود آقا دکتر ظریف تئوریزه شده بود- عدول نکرده است؟ این همان مسئله‌ای است که ظریف در واکنش به آن هفته گذشته در صحن مجلس گفت: «ما قبول کردیم به قطعنامه‌های شورای امنیت بپردازیم و نه این که آنها را اجرا کنیم.» ظریف با بیان این که پیش از این خواستار تن دادن ایران به قطعنامه‌های شورای امنیت بودند، افزود: «در حال حاضر آن‌ها می‌گویند دو طرف و نه یک طرف، باهدف رفع کامل قطعنامه‌ها به قطعنامه‌های شورای امنیت بپردازند و این عبارتی است که در متن آمده است.»

اکنون این سؤال مطرح است که بااین‌وجود آیا ایران پس از ۶ ماه خواهد گفت: «قطع‌نامه‌هایی که تا کنون غیرقانونی می‌دانسته اکنون دارای وجهت است؟»

آیا این نگرانی وجود ندارد که در صورت پرداختن به قطع‌نامه‌ها نوبت به اجرای آن هم می‌رسد؟

بررسی
گام نهایی
توافقنامه ژنو

Elements
of the
final step

متن انگلیسی گام نهایی

Elements of the final step of a comprehensive solution*

The final step of a comprehensive solution, which the parties aim to conclude negotiating and commence implementing no more than one year after the adoption of this document, would:

- Have a specified long-term duration to be agreed upon.
- Reflect the rights and obligations of parties to the NPT and IAEA Safeguards Agreements.
- Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.
- Involve a mutually defined enrichment program with mutually agreed parameters consistent with practical needs, with agreed limits on scope and level of enrichment activities, capacity, where it is carried out, and stocks of enriched uranium, for a period to be agreed upon.
- Fully resolve concerns related to the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40. No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.
- Fully implement the agreed transparency measures and enhanced monitoring. Ratify and implement the Additional Protocol, consistent with the respective roles of the President and the Majlis (Iranian parliament).
- Include international civil nuclear cooperation, including among others, on acquiring modern light water power and research reactors and associated equipment, and the supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

ترجمه فارسی گام نهایی

عناصر گام نهایی راه حل جامع*

گام نهایی راه حل جامع که طرف‌ها قصد دارند تا مذاکره و آغاز اجرای آن کمتر از یک سال پس از پذیرش این سند، نهایی شود، عبارت است از: داشتن دوره زمانی بلندمدت مشخص که مورد توافق قرار خواهد گرفت. منعکس‌کننده حقوق و تکالیف اعضای ان‌پی‌تی و توافق‌نامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

به طور جامع تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل، چندجانبه و ملی را بر می‌دارد. گام‌هایی برای دسترسی به حوزه‌های تجاری، فناوری، مالی و انرژی بر مبنای یک جدول زمانی توافق خواهد شد. دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف شده با عناصر توافق شده توسط طرفین منطبق با نیازهای عملی [ایران]، با محدودیت‌های توافق شده در زمینه دامنه و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت، مکانی که [غنی‌سازی] انجام می‌شود و ذخایر اورانیوم غنی‌شده برای یک دوره‌ای که توافق می‌گردد.

به طور کامل نگرانی‌های مربوط به راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود، را برطرف نماید. عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشد.

به طور کامل اقدام‌های شفاف ساز و نظارت افزایش‌یافته‌ی توافق شده را اجرا می‌کند. پروتکل الحاقی را در چارچوب اختیارات رئیس‌جمهور و مجلس (پارلمان ایرانی)، تصویب و اجرا می‌نماید.

دربرگیرنده همکاری هسته‌ای غیرنظامی بین‌المللی، ازجمله در میان موارد دیگر، دست یافتن به راکتورهای قدرت آب سبک مدرن و تحقیقاتی و تجهیزات مربوطه و تأمین سوخت هسته‌ای مدرن و همچنین کارهای تحقیق و توسعه که توافق شده.

* در ارتباط با گام نهایی و هر گامی در میان (گام‌های میانی)، اصل استاندارد که «هیچ چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز

توافق شود»، اعمال می‌شود.

زمان شروع و اتمام گام نهایی؛ گام پایانی طولانی مدت

زمان شروع گام سوم یا همان گام نهایی طبق آن چه در متن آمده يك سال بعد از شروع توافق است. (no more than one year after) اما درباره پایان گام نهایی به صراحت در توافق آمده است: «داشتن دوره زمانی بلندمدت مشخص که مورد توافق قرار خواهد گرفت.» (Have a specified long-term duration to be agreed upon) این بدان معناست که ایران برای يك مدت نامشخص اما طولانی باید محدودیت‌هایی را که ظرف یکساله آتی مشخص خواهند شد، بپذیرد.

سؤال اینجاست: «چرا طولانی مدت؟» اصلاً طولانی مدت بر چه مبنایی تعریف می‌شود؟ این يك ابهام جدی است. برخی شنیده‌های موثق در خصوص این زمان ارقامی را متذکر می‌شوند -۲۰ سال- که نامعقول توجه‌ناپذیرند. اگر بر طبق این نظر بخواهند گام نهایی را ۲۰ سال به درازا بکشند، این به معنی فرتوت شدن دانشمندان هسته‌ای ما و از بین رفتن بسیاری از انرژی‌های موجود در این حوزه است.

اگر چه با نگاه دقیق تر به نکته حائز اهمیت دیگری می‌رسیم و آن این که چرا طرف غربی از تصریح به زمان انتهای گام نهایی سر باز زد؟ خبرها مبنی بر این است که تیم ایرانی درخواست زمانی کوتاه‌تر را داشته ولی طرف غربی بر روی عدد ۲۰ سال تأکید داشته است. بعد از نپذیرفتن این نظر توسط تیم ایرانی بنابراین می‌شود که عددی ذکر نشود و کار بررسی زمان به موعد بعدی واگذار شود؛ اما کاش تیم ایرانی بر روی عددی خاص-ولو ۲۰ سال با همه معایبش- پافشاری می‌نمود چرا که راه زیاده‌خواهی تیم غربی با توجه به عبارت (long-term) فراهم گشته و به آسانی می‌توانند حتی بر روی عددی بالاتر از ۲۰ سال نیز تأکید کنند و این یعنی فاجعه‌ای بزرگ‌تر! شاید کسی بگوید در متن (be agreed upon) به معنای مورد توافق طرفین آمده و ما به راحتی می‌توانیم با زیاده‌خواهی‌های طرف غربی کنار نیاییم. در پاسخ باید گفت که اولاً اگر بنا بر کنار نیامدن با زیاده‌خواهی بود، چرا

اصل پذیرش عبارت (long-term) اتفاق افتاد؟ چرا تیم ایرانی از ابتدا بر زمانی کوتاه مدت توافق نکرد؟ ثانیاً ولو این که بگوییم ما حق عدم پذیرش زمان های طولانی را داریم، باید گفت که با توجه به ساختار قرارداد ما به نتیجه گام نهایی محتاج تریم تا طرف غربی. یعنی طرف ایرانی باید تیم غربی را راضی کند تا گام نهایی هر چه سریع تر تصویب و به اجرا در بیاید. دلیل این احتیاج با نگاهی به متن مذاکرات واضح است:

۱. از دست دادن امتیازهایی مانند غنی سازی ۲۰ درصد و کاهش غنی سازی به سطح ۵ درصد .

۲. رو به اتمام بودن سوخت نیروگاه هسته ای.

۳. باقی ماندن ۹۵ درصد تحریم ها - خصوصاً تحریم های اساسی - و منوط کردن همه آنها به اجرای گام نهایی.

لذاست که با نگاهی واقع بینانه در می یابیم که ما محتاج به راضی کردن طرف غربی شده ایم و باید با هر عددی که او مطرح کرد کنار بیاییم.

بررسی برخی قیود ابهام آمیز گام نهایی

نیازهای عملی

در بند چهارم از توصیف شرایط توافق نهایی آمده است که ایران می تواند نهایتاً یک برنامه غنی سازی داشته باشد به شرط

۱- انطباق بر نیاز های عملی (Consistent with practical-needs)

۲- توافق بر سر محدودیت هایی درباره اندازه (Level)، ظرفیت (Capacity)، حجم (Stocks of enriched uranium)، گستره (Scope) و مکان آن.

مشروط شدن غنی سازی در گام آخر به نیازهای عملی ایران آیا معنایی جز این دارد که ۵+۱ می تواند در مذاکره بر سر توافق نهایی ادعا کند ایران به دلیل نداشتن راکتوری که تأمین سوخت نشده باشد عملاً هیچ نیاز عملی به غنی سازی ندارد و باید آن را برچینند؟ و آیا این جمله اساساً با این هدف در توافق گنجانده نشده است؟ و تازه، حتی اگر غرب نیاز عملی ایران را هم بپذیرد، پذیرفتن این همه محدودیت درباره اندازه، سطح، گستره، ذخایر و ... غنی سازی، آیا چیزی هم از برنامه غنی سازی باقی می گذارد؟

چگونه قید «نیاز عملی» می‌تواند به تعطیلی غنی‌سازی در ایران منجر شود؟

همان‌طور که بیان شد حق نامحدود ما برای غنی‌سازی با قیدهای متعددی محدود شده است؛ اما یکی از بدترین قیود عبارت است از قید غنی‌سازی بر اساس نیازهای واقعی و عملی. این قید را در ادامه بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- نیاز واقعی یعنی غنی‌سازی تنها به میزان مورد نیاز کشور. یعنی حق هیچ‌گونه ذخیره اورانیوم غنی‌شده برای ایران وجود ندارد.

- نیاز واقعی یعنی باید ایران بگوید دقیقاً روزانه به چه میزان اورانیوم غنی‌شده نیاز دارد و تنها بر اساس همان میزان غنی‌سازی صورت پذیرد. ایران دارای ۲ رآکتور فعال بوشهر و تهران است و رآکتور اراک طبق توافقات تا اطلاع ثانوی تعلیق شده است. پس باید نیاز این دو رآکتور اندازه‌گیری شود. رآکتور بوشهر نیاز واقعی به سوخت تولیدی ایران ندارد زیرا سوخت آن را روسیه تأمین می‌کند. پس ایران برای این رآکتور نیازی به غنی‌سازی و تولید سوخت هسته‌ای نخواهد داشت. برای رآکتور تهران به سوخت نیاز واقعی داریم ولی طبق توافقنامه نیمی از ذخایر اورانیوم ۲۰٪ ایران ترقیق شده و به سوخت ۵٪ کاهش یافته و برای سوخت رآکتور تهران بکارگیری می‌شود. این میزان سوخت ظاهراً تا سال‌ها نیاز ایران را تأمین می‌کند. پس عملاً ایران از این‌پس هیچ‌گونه نیاز واقعی و عینی به غنی‌سازی ندارد.

این قید یعنی غنی‌سازی نه تنها در سطح ۲۰٪ که به طور کامل تعلیق می‌گردد. زیرا دیگر ایران هیچ‌گونه نیاز واقعی به سوخت هسته‌ای ندارد. این نوع هوشمندی طرف مقابل و غفلت دیپلمات‌های ما زمینه تعلیق کامل غنی‌سازی را در کشور فراهم می‌آورد.

اعتراف مقامات آمریکایی درباره قید «نیازهای عملی»

یکی از معایب بزرگ این توافق‌نامه مشروط شدن حق غنی‌سازی ایران به نظر موافق امریکاست. به این نکته در پاراگراف چهارم صفحه آخر اشاره شده است با این مضمون که این توافق‌نامه باید «متضمن یک برنامه غنی‌سازی باشد که توسط طرفین تعریف می‌شود»، این جمله به روشنی بیان می‌کند که هر یک از طرفین می‌توانند تعریف خاص خود را داشته

باشند، به عبارت دیگر تحقق غنی‌سازی، مشروط به تأمین نظر مثبت طرف مقابل است.

جان کری نیز به این نکته در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۳) اشاره کرده است.

کری: «علاوه بر این، توافق‌نامه در مورد پتانسیل غنی‌سازی در آینده، دست کم چهار بار تصریح می‌کند که باید «با توافق طرفین» باشد - سه یا چهار بار در آن پاراگراف این نکته بیان شده. باید در مورد غنی‌سازی توافق شود. اگر ما موافقت نکنیم، این غنی‌سازی انجام نمی‌شود.

آقای رئیس، غنی‌سازی به توافق نهایی بستگی دارد. نه، موضوع غنی‌سازی قطعی نیست. اگر به توافق‌نامه نگاه کنید - من برایتان از روی توافق‌نامه می‌خوانم، آخرین پاراگراف می‌گوید «مستلزم یک برنامه غنی‌سازی با توافق طرفین با پارامترهای مورد توافق دو طرف، مطابق با نیازهای عملی است.» این مفهوم بسیار مهم است. باید به چیزهایی که عملاً نیاز است مربوط باشد که ممکن است آن‌ها دلیلی برایش بیاورند و استدلال کنند که به آن نیاز دارند، مثل تحقیقات پزشکی و یا چیزهایی شبیه این. اما این امر می‌تواند بسیار محدود باشد. سپس در توافق‌نامه آمده است «با محدودیت‌های توافق شده درباره حوزه و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، و ظرفیت و جایی که انجام می‌شود و ذخایر اورانیوم غنی شده برای یک دوره که باید درباره آن توافق شود.» بنابراین در متن یک، دو، سه، چهار مرتبه «توافق طرفین» یا «با توافق در باره آن» وجود دارد.»

گفتنی است از ابتدای برنامه هسته‌ای ایران، طرف غربی مدعی بوده است که با وجود نفت و گاز فراوان، غنی‌سازی در راستای نیازهای واقعی ایران نیست. کری در بخش دیگری از این جلسه استماع، نیازهای عملی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«نیازهای عملی چیست؟ شاید کمی تحقیقات در حوزه پزشکی. یا تأمین سوخت کافی در برنامه تولید برق مورد توافق که ممکن است در کنسرسیوم با افراد دیگری انجام شود، افرادی که کاملاً به عملکرد و نتایج آن اشراف

دارند. خیلی خوب و راحت است که اینجا بنشینیم و از لحاظ نظری بگوییم «تحریم‌ها را بیشتر کنید تا آن‌ها را به جایی برید که خرد شوند.» اما می‌دانید موضوع چیست؟ روسیه و چین برای این کار همراه شما نخواهند بود. و در نهایت، اروپایی‌ها هم ممکن است همراه‌تان نباشند چون وقتی تحریم‌ها را بیشتر کنید و آن‌ها فکر کنند بر اساس خواسته‌شان که گسترش دیپلماسی است، این کار غیرمعقولی است، آن‌ها را هم از دست خواهید داد. و حدس بزنید چه کار کرده‌اید؟ در واقع تحریم‌ها را برداشته‌اید نه اینکه تقویتشان کرده باشید.»

در جلسه استماع ۲۱ آذر کمیسیون بانکداری سنا، سناتور جان تس‌تر نیز نیازهای عملی ایران را زیر سؤال می‌برد و وندی شرم‌ن به‌عنوان مسئول تیم مذاکره‌کننده در پاسخ چنین می‌گوید:

تست‌تر: «آخرین سوال. ایران چهارمین ذخایر نفت جهان را دارد و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی. چرا باید ایران به انرژی هسته‌ای علاقه نشان دهد؟»

شرمن: «این پرسش بسیار خوبی است. این سؤالی است که ما بارها و بارها از آن‌ها پرسیده‌ایم. و به همین دلیل این «برنامه اقدام مشترک» می‌گوید ما می‌خواهیم بدانیم نیازهای عملی آن‌ها چیست. چون، کاملاً صادقانه بگویم، برای ما روشن نیست که چرا آن‌ها باید ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ داشته باشند، چرا باید یک انبار مواد غنی‌شده ۵.۳ درصد بخواهند، چرا به راکتور هسته‌ای اراک نیاز دارند. و به این ترتیب، این چیزی است که ما می‌خواهیم از طریق رسیدن به یک توافق جامع روی آن کار کنیم.»

افرادی هستند که ذهنیت اصلاح‌طلبانه‌تری دارند، اما یک باور عمومی در میان مردم ایران است که حق غنی‌سازی برای خود قائل هستند. ایالات متحده بر این باور نیست که هر کشوری حق غنی‌سازی دارد. اما ایرانی‌ها به این حق قائل هستند و به فرهنگ مقاومت خود افتخار می‌کنند و در برابر تغییر می‌ایستند و به‌خصوص نمی‌خواهند تمام آنچه را که ایالات متحده برای آن ایستادگی می‌کند، بپذیرند، بنابراین بر روی اصول خود بسیار ثابت‌قدم هستند.»

رفع نگرانی درباره رآکتور آب سنگین^[۱] اراک:

در بندهای پایانی توافقنامه آمده است ایران باید نگرانی های مرتبط با رآکتور اراک را به طور کامل برطرف نماید. واژه اساسی (Fully resolve concerns) است، یعنی رفع نگرانی ها به طور کامل. حال باید پرسید چه زمانی نگرانی آمریکا رفع می شود آن هم به طور کامل؟ ملاک رفع نگرانی آن ها چیست؟ آیا ابزار و روشی برای رفع نگرانی بیان شده است؟ آیا نگرانی در علم حقوق بین الملل تعریف شده است؟ آیا نگرانی آمریکا تنها زمانی برطرف می شود که رآکتور اراک به طور کامل تعطیل شود؟

آیا در گام نهایی بالاخره تحریم ها برداشته می شود؟

در متن گام نهایی عبارتی آمده که جواب این پرسش را می دهد:

Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions.

«به طور جامع تحریم های مرتبط با هسته ای شورای امنیت سازمان ملل،

چند جانبه و ملی را بر می دارد.»

[۱]- آب سنگین نوع خاصی از مولکول های آب است که در آن ایزوتوپ های هیدروژن وجود دارد. این نوع از آب کلید اصلی تهیه پلوتونیوم از اورانیوم طبیعی است و به همین علت تولید و تجارت آن با نظر قوانین بین المللی انجام و به شدت کنترل می شود. با کمک این نوع آب می توان پلوتونیوم لازم را برای سلاح های اتمی بدون نیاز به غنی سازی بالای اورانیوم تهیه کرد. آب سنگین در پژوهش های علمی در حوزه های مختلف از جمله زیست شناسی، پزشکی، فیزیک و... کاربردهای فراوانی دارد که در زیر به چند مورد آن اشاره می کنیم. طیف سنجی تشدید مغناطیسی هسته: در طیف سنجی تشدید مغناطیسی هسته NMR هنگامی که هسته مورد نظر ما هیدروژن و حلال هم آب باشد از آب سنگین استفاده می کنند. در این حالت چون سیگنال های اتم هیدروژن مورد نظر با سیگنال های اتم هیدروژن آب معمولی تداخل می کند، می توان از آب سنگین استفاده کرد، زیرا خواص مغناطیسی دوتریم و هیدروژن با هم تفاوت دارد و سیگنال دوتریم با سیگنال های هیدروژن تداخل نمی کند.

آب سنگین در بعضی از انواع رآکتورهای هسته ای نیز به عنوان کند کننده نوترون به کار می رود. نوترون های کند می توانند با اورانیوم واکنش بدهند. از آب سبک یا آب معمولی هم می توان به عنوان کند کننده استفاده کرد، اما از آنجایی که آب سبک نوترون های حرارتی را هم جذب می کنند، رآکتورهای آب سبک باید اورانیوم غنی شده اورانیوم یا خلوص زیاد استفاده کنند، اما رآکتور آب سنگین می تواند از اورانیوم معمولی یا غنی نشده هم استفاده کند، به همین دلیل تولید آب سنگین به بحث های مربوط به جلوگیری از توسعه سلاح های هسته ای مربوط است. رآکتورهای تولید آب سنگین را می توان به گونه ای ساخت که بدون نیاز به تجهیزات غنی سازی، اورانیوم را به پلوتونیوم قابل استفاده در بمب اتمی تبدیل کند. البته برای استفاده از اورانیوم معمولی در بمب اتمی می توان از روش های دیگری هم استفاده کرد. کشورهای هند، اسرائیل، پاکستان، کره شمالی، روسیه و آمریکا از رآکتورهای تولید آب سنگین برای تولید بمب اتمی استفاده کردند.

بر طبق این متن فقط تحریم های هسته‌ای شورای امنیت و غیره برداشته می‌شود. تحریم های آمریکا علیه ایران از لحاظ علت (بهانه) تحریم به سه گروه کلی تقسیم می‌شود:

۱. تحریم‌های ضد اشاعه تسلیحاتی که با برچسب [NPWMD]

۲. تحریم‌های ضد نقض حقوق بشر

۳. تحریم‌های ضد حمایت از تروریسم!

مکانیزم تحریم‌ها در هر سه مورد فوق نیز به دو شیوه کلی است:

۱. تحریم مستقیم اشخاص ایرانی از فعالیت اقتصادی در آمریکا که به‌عنوان

تحریم سنتی و یک‌جانبه مشهور است.

۲. تحریم غیرمستقیم یا ثانویه که به هر شخص در دنیا را به دلیل ارتباط

با اشخاص ایرانی مجازات می‌کند.

پس طبق متن غیر از تحریم های هسته‌ای چیزی حذف نمی‌گردد. حتی از این بالاتر این که طبق این متن قطع‌نامه‌های شورای امنیت هم لغو می‌شود بلکه تحریم های هسته‌ای وابسته (nuclear-related) فقط لغو می‌شود.

لکن اگر می‌نوشت (resolutions) قطع‌نامه‌های شورای امنیت را هم شامل می‌شد. واضح است که با این کار تحریم های قطع‌نامه ۱۹۲۹ که درباره صادرات و واردات ماست حذف نمی‌شود.

آیا در گام نهایی حق غنی‌سازی برای ما به رسمیت شناخته شده است؟

در توافقنامه ژنو، دو بار به غنی‌سازی ایران اشاره شده است. یک بار در مقدمه و یک بار در بخش پایانی. در مقدمه چنین آمده است: «این راه حل جامع دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف شده با محدودیت‌های عملی و اقدام‌های شفاف ساز برای کسب اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز این برنامه است.»

در بخش پایانی نیز آمده است:

«گام نهایی باید [درب‌گیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف

شده با عناصر توافق شده توسط طرفین منطبق با نیازهای عملی [ایران]، با محدودیت‌های توافق شده در زمینه دامنه و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی،

ظرفیت، مکانی که [غنی‌سازی] انجام می‌شود، و ذخایر اورانیوم غنی شده برای یک دوره ای که توافق می‌گردد...»

بر اساس این جملات، غنی‌سازی ایران در گام نهایی که زمان آن نامعلوم و درازمدت است، محدود به گزاره‌های ذیل است:

اول، تعریف مشترک (دو طرفه)

دوم، محدودیت‌های عملی

سوم، اقدامات شفاف‌ساز

چهارم، انطباق با نیازهای عملی

پنجم، محدودیت‌های مورد توافق

ششم، دامنه، سطح فعالیت، ظرفیت، ذخایر و محل‌های محدود و مشخص که طبعاً باید به‌صورت دوجانبه تعیین شوند. در این خصوص نکات زیر را باید ملحوظ داشت:

الف - با این توافقنامه تعریف غنی‌سازی ایران از چارچوب صرف ان‌پی‌تی خارج شده و جنبه بین‌المللی خواهد یافت. نقش ساختار قدرت بین‌المللی یا همان نظام بین‌المللی در تعریف و تبیین اندازه و شکل غنی‌سازی قابل انجام در ایران بر اساس سند ژنو به رسمیت شناخته شده است که می‌تواند به محدودسازی حق ایران در بهره‌گیری از چرخه سوخت در خاک ایران بینجامد. نباید فراموش کنیم که ۱۲۰ کشور عضو عدم تعهد بیانیه‌ای دادند و ماده ۴ npt را این‌گونه تفسیر کردند که چرخه سوخت به طور کامل برای کشورهای عضو به رسمیت شناخته می‌شود. ما هم در این ۱۰ سال مذاکره همیشه به این نکته تصریح و تاکید می‌کردیم که ما بر طبق npt از حق چرخه سوخت باید بهرمنند شویم آن هم با تفسیر مورد قبول خودمان نه تفسیر آمریکا. اتفاقی که در سند ژنو افتاد این است که ما به دست خودمان npt را از دور مذاکرات خارج کردیم و خود را متعهد به قرارداد ژنو کردیم. حالا باید سال‌ها وقت بگذاریم تا به توافقی طرفینی در مورد معنای غنی‌سازی برسیم.

ب - مفاهیم «نیازهای عملی و محدودیت‌های عملی» مفاهیمی غیر روشن و تفسیرپذیر است. طرف غربی در مسیر ابداع تعریف مشترک، قادر خواهد

بود از این دو مفهوم برای تحدید حق غنی‌سازی ایران استفاده کند. به‌طور مثال، ایران در تعریف میزان غنی‌سازی مورد نیاز خود، عملاً نظر طرف‌های بین‌المللی را بر اساس این توافق به رسمیت شناخته است. آنها می‌توانند به این نتیجه برسند که چه مقدار غنی‌سازی مورد نیاز ایران است و بدون توافق آنها غنی‌سازی برای ایران قابل تعریف نیست.

به‌طور مثال آیا آنها در گام نهایی بر اساس قید «نیاز عملی» می‌توانند ادعا کنند که شما برای راکتور تحقیقاتی تهران نیاز به ۲۰ درصد ندارید زیرا تا ۱۰ سال سوخت ۲۰ درصد ذخیره کرده‌اید. از طرفی راکتور بوشهر هم که تا ۱۰ سال توسط روسیه تأمین سوخت می‌شود پس به ۵ درصد هم نیاز نداری. پس طبق این قرارداد طرف غربی می‌تواند به راحتی در گام نهایی با توجه به قید «نیاز عملی» و ادعای این که شما نیاز عملی ندارید غنی‌سازی ما را به کل تعطیل نماید.

ج - دوره‌ای که ایران باید محدودیت‌های غنی‌سازی را بپذیرد نامشخص است. اگر این محدودیت‌ها برای یک دوره مشخص و معقول باشد شاید بتوان آن را پذیرفت اما اگر معلوم نباشد که محدودیت‌ها تا کی ادامه دارند، غیرقابل پذیرش است.

بر این اساس و در یک کلام، توافقنامه از این جهت که به برنامه - نه حق - غنی‌سازی ایران اشاره کرده، مثبت است اما از آن رو که آن را به محدودیت‌هایی فراتر از ان پی تی مقید کرده، مبهم است. ابعاد این ابهام قطعاً باید در مذاکرات جامع زدوده شوند. البته اگر طرف غربی به زدودن آنها تن دهد؛ چون قطعاً این عبارات را بیهوده در توافق نگنجانده است!

تعطیلی بازفرآوری^[۱] به‌طور کلی

در یکی از بندهای گام نهایی به صراحت آمده که بازفرآوری باید تعطیل شود (No reprocessing) این عبارت به صورت مطلق آمده یعنی هرگونه باز فرآوری نباید انجام شود و این به معنای تعطیلی یکی از مراحل چرخه سوخت هست. بعد از این گام را فراتر گذاشته و گفته که «احداث تاسیساتی

[۱]- تعریف بازفرآوری:

برای بازیافت اورانیوم از سوخت هسته ای مصرف شده در راکتور از عملیات شیمیایی موسوم به بازفرآوری

که قادر به بازفرآوری باشد» هم نباید انجام شود. حال سؤال این است که آیا با اضافه کردن قید «قابلیت» دست و پای خودمان را محدود به بازرسی‌ها و اشکال‌تراشی‌های آژانس نکردیم؟ آیا این‌طور نیست که آژانس می‌تواند برای هر بار توسعه مکانی تأسیسات هسته‌ای ما، با همین قید «قابلیت» سنگ‌اندازی کند؟

درخواست پذیرش پروتکل الحاقی در گام نهایی

چالش‌های پذیرش پروتکل الحاقی

در متن مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ آمده: «پروتکل الحاقی را در چارچوب اختیارات رئیس‌جمهور و مجلس (پارلمان ایرانی)، تصویب و اجرا می‌نماید.» می‌توان گفت پذیرش پروتکل الحاقی توسط هر کشوری منجر به روند تدریجی و آرام نقض حاکمیت ملی آن کشور خواهد شد. پروتکل الحاقی یکی از رژیم‌های امنیت بین‌الملل است که به‌منظور تقویت کارآمدی و بهبود کارایی نظام پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۵ مه ۱۹۹۷ به تصویب رسید. بر اساس این پروتکل کشورهایی که دارای موافقت‌نامه پادمانی جامع با آژانس هستند، می‌توانند این پروتکل را داوطلبانه امضا نمایند با این شرط که برای لازم‌الاجرا شدن، آن کشور مزبور می‌بایست طرح پیوستن به پروتکل الحاقی را در مجلس قانون‌گذاری خود به تصویب برساند. امروزه حدود ۱۸۶ کشور به‌جز کوبا، هند، پاکستان و رژیم اسرائیل عضو این

استفاده میشود. در این عملیات، ابتدا پوسته فلزی میله‌های سوخت مصرف شده را جدا می‌سازند و سپس آنها را در داخل اسید نیتريك داغ حل می‌کنند.

در نتیجه این عملیات، ۱٪ پلوتونیوم، ۳٪ مواد زائد به شدت رادیو اکتیو و ۹۶٪ اورانیوم بدست می‌آید که دوباره میتوان آنها را در راکتور به مصرف رساند.

راکتورهای نظامی این کار را بطور بسیار موثرتری انجام میدهند. راکتور و تاسیسات باز فرآوری مورد نیاز برای تولید پلوتونیوم را میتوان بطور پنهانی در داخل ساختمانهای معمولی جاسازی کرد. به همین دلیل، تولید پلوتونیوم به این طریق، برای هر کشوری که بخواهد بطور مخفیانه تسلیحات اتمی تولید کند گزینه جذابی خواهد بود.

مب پلوتونیومی:

استفاده از پلوتونیوم به جای اورانیوم در ساخت بمب اتمی مزایای بسیاری دارد. تنها چهار کیلوگرم پلوتونیوم برای ساخت بمب اتمی با قدرت انفجار ۲۰ کیلو تن کافی است. در عین حال با تاسیسات بازفرآوری نسبتاً کوچکی میتوان چیزی حدود ۱۲ کیلوگرم پلوتونیوم در سال تولید کرد.

پیمان هستند. ایران نیز در دسامبر ۲۰۰۳ این پیمان را امضا کرده اما هنوز آن را به تصویب مجلس نرسانده است و از نظر حقوق بین‌الملل ملزم به اجرای مفاد آن نیست. از این رو گفت‌وگوها و مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در حال حاضر در چارچوب NPT انجام می‌شود و در چارچوب پروتکل الحاقی نیست و اگر مسئولیتی را هم بپذیریم در چارچوب NPT خواهد بود.

اما با امضای پروتکل الحاقی دسترسی کاملتر به کل فعالیت‌های مرتبط به امور هسته‌ای کشورهای عضو بیشتر و آن‌ها را قادر خواهد ساخت که از فعالیت‌های اعلام‌نشده از سوی آن کشور هم بازرسی شود. بازرسی در هر زمان و هر مکان، به‌صورتی که نیازی به تصویب شورای حکام برخلاف بازرسی معمولی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست. در واقع از این نوع بازرسی می‌توان به بازرسی‌های سرزده تعبیر کرد.

با اینکه پیوستن به این پیمان همواره داوطلبانه بوده، اما نحوه عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا کنون به‌گونه‌ای بوده که عملاً در برخی موارد امضای اجباری این پیمان را نشان داده و وسیله‌ای سیاسی نه حقوقی برای رسیدن به اهداف برخی کشورهای خاص محسوب شده است.

به طور مثال برخی از مفاد این پیمان عبارت است از: «کسب اطلاعات مربوط به معادن اورانیوم و کارخانه‌های تغلیظ اورانیوم و تورنیوم»، «کسب اطلاعات مربوط به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای»، «کسب کلیه اطلاعات مربوط به مکان‌های مربوط به غنی‌سازی»، «دریافت برنامه‌های کلی مرتبط با توسعه چرخه سوخت هسته‌ای آن کشور در ۱۰ سال آینده».

و سرانجام ماده ۱۲ این پیمان که کشور عضو را مجبور به پذیرفتن تعهداتی می‌کند که با اصل حاکمیت ملی آن کشور در تضاد است و کشور متعهد ناچار است که به نفع یک سازمان بین‌المللی از اصل منافع ملی خود در این مورد صرف‌نظر نماید. این ماده تمریح می‌کند که «کشور عضو باید ظرف یک ماه از تاریخ دریافت یک درخواست، روادید مناسب با مجوز ورود و خروج مکرر و یا روادید عبور را در صورت لزوم، در اختیار بازرس انتخابی و معرفی‌شده در درخواست، قرار دهد تا بازرس یا بازرس‌های مذکور بتوانند به‌منظور انجام

وظایف خود وارد قلمرو کشور عضو شده و در آنجا بمانند. هرگونه رویداد مورد درخواست باید حداقل یک سال معتبر بوده و در صورت درخواست برای مدت انتصاب بازرس مورد نظر در کشور عضو تمدید شود.

در ماده ۸۴ این پروتکل نیز به اقدام تکمیلی اشاره شده که «آژانس می‌تواند به‌عنوان یک اقدام تکمیلی، بخشی از بازرسی‌های معمولی را برای نمونه‌برداری اتفاقی، بدون اطلاع قبلی به کشور مزبور انجام دهد».

بر این اساس اقدامات مذکور شامل: مشاهدات عینی، جمع‌آوری نمونه‌های محیطی، استفاده از دستگاه‌های آشکارسازی، اندازه‌گیری پرتوها، به‌کارگیری انواع مهر و موم و وسایل شناسایی و کلیه وسایل مربوط به حمل و نقل اورانیوم توسط بازرسان سازمان انرژی اتمی و چه بسا سازمان‌های جاسوسی در هر زمان و هر مکان خواهد بود. با داشتن اجازه دسترسی به کلیه مراکز غنی‌سازی اورانیوم، اطلاعات سری و محرمانه از مکان‌های مهم و امنیتی و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در حقیقت بسیار فراتر از تحقیق و بازرسی مواد و فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود.

ضمن اینکه با امضای پروتکل با سه نوع رژیم در حقوق بین‌الملل روبرو خواهیم شد: «رژیم نظارت»، «رژیم بازرسی» و «رژیم مصونیت». رژیم نظارت که شامل نصب دستگاه‌های کنترلی، ماهواره‌ای، ماورای صوت و حتی دستگاه‌های لرزه‌نگاری خواهد بود.

در رژیم‌های بازرسی و مصونیت، بازرسان مصونیتی به‌مراتب بالاتر از حتی دبیر کل سازمان ملل و سفرا خواهند داشت، به این معنی که چنانچه تیم بازرسی، در کشور میزبان مرتکب هرگونه تخلف و جرمی از قبیل جاسوسی یا سوءاستفاده از موقعیت خود شود، کشور پذیرنده هیچ‌گونه صلاحیتی برای بازجویی از آنها نخواهد داشت و در واقع تیم بازرسی از صلاحیت قضایی کشور پذیرنده خارج است. به‌موجب این معاهده بازرسان حتی تا ۲۰ سال پس از بازگشت به کشور خود بخاطر مأموریت‌های بازرسی خود مصونیت دارند.

از سوی دیگر هیچ مکانیزمی وجود ندارد تا از ارائه اطلاعات بازرسان به سازمان‌های جاسوسی جلوگیری شود. مسئله دیگر اینکه تیم بازرسی در انجام مأموریت‌های بازرسی خود برای دسترسی به هر نقطه از کشور محل مأموریت

حتی کاخ ریاست جمهوری از آزادی کامل برخوردار است و برقراری ارتباط آن‌ها با مقر خود نیز به‌روش رمزگذاری خواهد بود که کشف و پی بردن به آن‌ها برای کشور میزبان بسیار دشوار خواهد بود.

بنابراین پذیرش این پیمان پایان راه نیست. با قبول آن راه برای ایجاد فشارها و تحمیل تعهدات بیشتر برای پذیرش رژیم‌های امنیتی دیگر مانند MTCR، CTBT (رژیم مربوط به کنترل موشک‌ها)، پروتکل‌های مربوط به کنوانسیون‌های شیمیایی، میکروبی و سپس محدود ساختن سلاح‌های سبک همواره باز خواهد بود. به همان شکل که در مورد عراق هم از همین شیوه استفاده شد. عباراتی مثل «عراق همکاری کرده، اما همکاریش کامل نیست» وسیله‌ای برای ایجاد فشارهای سیاسی بیشتر بر عراق شد. به همین شکل هم در مورد ایران دو قطعنامه صادر شد و خواسته شد که ایران همکاری «فوری» و «کامل» را داشته باشد.

بدین ترتیب امضای پروتکل الحاقی در فضای هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل توسط هر کشوری نتایجی منفی علیه حاکمیت ملی، استقلال و یکپارچگی ملی آن کشور خواهد داشت و هیچ کشوری نباید صرفاً به دلیل فشارهای سیاسی وارده امنیت خود را به دیگران پیوند دهد. کشوری که بپذیرد جزو ندارها باشد خود را در معرض نامعلوم بودن‌ها قرار خواهد داد.

**بررسی
گام بعد
توافقنامه ژنو**

Following
successful
implementation
of the final step

متن انگلیسی گام بعد

Following successful implementation of the final step of the comprehensive solution for its full duration, the Iranian nuclear program will be treated in the same manner as that of any non-nuclear weapon state party to the NPT.

ترجمه فارسی گام بعد

بعد از اجرای موفق گام نهایی از راه حل جامع در دوره کامل آن، با برنامه هسته‌ای ایران؛ مثل هر کشور فاقد سلاح هسته‌ای عضو NPT رفتار خواهد شد.

بررسی گام بعد

عبارت مبهم «اجرای موفقیت آمیز»

«بعد از اجرای موفق گام نهایی»

سؤال این جاست، موفق بودن اجرا چه مبنایی دارد و چه کسی آن را تعیین خواهد کرد؟ بر اساس کدام مدالیته می‌توان تشخیص داد که ایران به شکل موفقیت آمیز گام طولانی مدت نهایی را با موفقیت پشت سر گذاشته است؟ معیار تشخیص کیست و چیست؟

همانند دیگر کشورهای عضو NPT

نکته دیگر آن که بعد از اجرای گام اول و میانه و اجرای قطعنامه‌ها و گام نهایی که احتمالاً به بیش از ۲۰ سال خواهد انجامید، چه دستاوردی این توافق نامه به ایران داده است؟ دستاورد پیش‌بینی شده آن است که همانند بقیه کشورهای دیگر عضو معاهده برخورد خواهد شد. یعنی نقطه سر سطر

یعنی دوباره از اول باید بحث شود که آیا حق غنی‌سازی در معاهده وجود دارد یا خیر؟

این مذاکرات برای این بود که مشکل را حل کند نه اینکه بعد از ۲۰ سال مجدداً از اول بحث شود. از طرفی می‌دانیم که طرف آمریکایی تفسیر دیگری از ماده ۴ npt دارد و طبق آن فقط حق دسترسی به غنی‌سازی را می‌پذیرد نه حق غنی‌سازی. بنابراین باید در این بند تکلیف را معین می‌کردند که ایران از غنی‌سازی برخوردار خواهد شد. در غیر این صورت نباید این توافق‌نامه امضا می‌شد؛ و باید صبر می‌کردند تا طرف مقابل بعد از پذیرش آن، امضا کنند و عجله نمی‌کردند تا حقوق ایران پایمال گردد.

خررها حاکی ست که ایران تاکید داشته که کلمه (enrichment) به معنای غنی‌سازی اضافه شود و ایران مانند سایر کشورهایی شود که حق غنی‌سازی دارند، اما طرف آمریکایی به شدت مخالفت نموده و در نهایت ایران این سلب مسلم حق غنی‌سازی را پذیرفته و از جلسه بیرون آمده است.

**بررسی برخی
شبهات موجود
در باره
توافق‌نامه**

۱. سؤال: آیا تفاسیر طرف آمریکایی از متن توافقنامه ژنو با وجود این همه بغض و اختلاف فی مابین برای ما باید اهمیت داشته باشد؟

گاه دیده می‌شود که برخی استناد به اظهارات مقام های آمریکایی را محل اشکال می‌دانند و مدعی می‌شوند که نباید حرف آمریکایی‌ها را در این حوزه ملاک دانست. این حرف کمی عجیب و تا حدودی هم خنده‌دار است. طرف اصلی دعوا در این منازعه آمریکا است. این آمریکا است که باید غنی‌سازی را به رسمیت بشناسد و باز این آمریکا است که باید تحریم‌ها را تعدیل کند. وقتی خود آمریکایی‌ها می‌گویند غنی‌سازی را در این توافق به رسمیت نشناخته‌اند و تحریم‌ها را هم جز اندکی (که اعداد و ارقامش را هم منتشر کرده‌اند) تعدیل نخواهند کرد، اتفاقاً باید این حرف‌ها را جدی گرفت. این همه هزینه نشده است که ما خودمان برنامه غنی‌سازی را برای خودمان به رسمیت بشناسیم. اگر دستاوردی هم وجود داشته باشد، آن جاست که آمریکا موضع رسمی خود را چه درباره غنی‌سازی و چه درباره تحریم‌ها تغییر بدهد و این بسیار مهم تر از آن است که در متن چه نوشته شده است. با وضع فعلی در بهترین حالت این متن توافقی است که آمریکایی‌ها به آن عمل نمی‌کنند و در بدترین حالت این متن، توافقی است که اساساً حقوق ایران را به رسمیت نشناخته است.

۲. آیا به روابط ما با چین و روسیه بعد از این توافق نامه خللی وارد می‌شود؟

روسیه و چین در مواضع رسمی خود با تحریم‌های يك‌جانبه علیه ایران

مخالف بوده‌اند. نکته جالب در این توافق ۶ ماهه آن است که برای اولین بار روس‌ها و چینی‌ها امضای خود را بر روی سندی گذاشته‌اند که عملاً تحریم‌های یک‌جانبه را به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها را محل معامله و چانه‌زنی قرار داده است. این یعنی آن که شاید دور زدن این تحریم‌ها و یا عدم پذیرش آن‌ها از این پس برای مسکو و پکن کار ساده‌ای نباشد و دست کم برای آنها هزینه دیپلماتیک داشته باشد.

۳. آیا این توافقنامه زمینه حمله نظامی را فراهم می‌آورد؟

درباره احتمال جنگ؛ در پی تأیید این مذاکرات از دو جهت می‌توان پرداخت:

اول این که واضح است که منش جمهوری اسلامی در طول سالیان انقلاب بر ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمنان بوده و هست. لذا هر عقل سلیمی با مطالعه مفاد این قرارداد به این مطلب می‌رسد که این توافق‌نامه برای رسیدن به فاز نهایی خود جز با تسلیم تام و کرنش ذلیلانه محقق نخواهد شد و پر واضح است که اگر چه تاکتیک فعلی برخی دیپلمات‌های دولت یازدهم بر این شیفتگی و سر خم کردن بوده؛ اما نمی‌تواند پایدار باشد. لذا برای بر هم زدن آن اگر دلیلی مطابق مفاد این توافق‌نامه نداشته باشیم لاجرم باید خود را برای مواجهه تاریخی با نظام استکباری جهانی و در رأس آن شیطان بزرگ بنماییم.

دوم این که تا کنون اطلاع دقیقی از میزان ذخایر سوخت هسته‌ای ایران، توان علمی و فناورانه ایران و صنایع نظامی آن وجود نداشت. غرب تلاش زیادی برای به دست آوردن اطلاع دقیق کرد تا بتواند قدرت ایران را تخمین بزند. زمان جنگ ۳۳ روزه آمریکا اعلام کرد اگر می‌دانستیم حزب‌الله چنین توان نظامی برخوردار است، حمله نمی‌کردیم. در حاله‌ای از ابهام ماندن توان ایران و نیز دیدن ظرفیت‌های نظامی ایران که در جنگ ۲۲ روزه و ۳۳ روزه بروز کرد این تخمین را تقویت کرد. ولی اکنون:

- با نابود کردن همه ذخایر هسته‌ای و سوخت ۲۰٪ طرف مقابل مطمئن می‌شود که یقیناً امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای نداریم و نیز نقطه

آسیب ما را درک می‌کند.

- ارائه اطلاعات رآکتور آب سنگین اراک موجب می‌شود تنها رآکتور بومی ما رصد شده و توان علمی و فناوریانه ما تحلیل گردد.

- عدم اجازه برای ایجاد تأسیسات جدید و اطلاع داشتن از تعداد تأسیسات فعلی و نیز تعهد به معرفی همه تأسیسات و ساختمان‌ها موجب می‌شود دقیقاً کشور مورد رصد قرار گیرد.

- برخی تأسیساتی که اجازه بازدید از آن‌ها صادر شده مربوط به صنایع موشکی ایران است یعنی این صنعت نیز از دسترس آن‌ها خارج نخواهند ماند.
- آثار بازدیدهای هسته‌ای بسیار مخرب است. خصوصاً بازدیدهای سرزده. بسیاری از بازرسان آژانس جاسوس هستند و در این چند سال آسیب‌های بسیاری به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد کرده‌اند.

۴. سؤال: این که آقای ظریف می‌گوید (آمریکایی‌ها همیشه برداشت‌های شاذ دارند) یا این که (شما به حرف‌های صهیونیست‌ها اعتماد دارید ولی به حرف وزیر امور خارجه نه) چطور توجیه می‌شود؟

اشتباه ما این است که در دام اظهارنظرهای شفاهی گیر کنیم. ما باید به دنبال متن صریح مذاکرت آن هم به زبان انگلیسی باشیم. همه چیز در این متن آمده و همین است که فقط مبنای عمل قرار می‌گیرد. چیزی که واضح است این است که متن دچار ابهامات مختلف زمان‌بندی و لغات ابهام‌آمیز و دارای قابلیت برای برداشت‌های گوناگون است و این راه را برای سوءاستفاده‌های بعدی فراهم می‌نماید.

چرا تا به حال حتی یک بار تیم ایرانی در مصاحبه‌های خود پای متن را به میان نکشیده بلکه مدام از مذاکرات شفاهی و خط و نشان کشیدن‌های خود سخن می‌گویند.

۵. اگر توافق‌نامه ژنو این همه خسارت بار است، پیام تبریک رهبر معظم انقلاب را چگونه تحلیل می‌نمایید؟

پس از توافق‌نامه ژنو، رئیس‌جمهور در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی

به ارائه گزارش کوتاهی به ایشان مبادرت کرده و ایشان نیز در پاسخ به تقدیر از تیم مذاکره کننده هسته‌ای پرداختند. این خود موجب شد تا در بخشی از افشار مردم که گُنه عقب‌نشینی در مذاکرات ژنو و ضعف‌های توافق‌نامه را دیدند، این شائبه پدید آید که اگر توافق‌نامه این‌چنین امتیازاتی به غرب واگذار نموده پس تناسب آن با تقدیر رهبری چیست. واقعیت اما آن است که با دقت در فرمایشات رهبری از یکسو و نیز نکته‌سنجی از نامه‌ای که رئیس‌جمهور به رهبری نگاشته و پاسخی که به‌صورت کاملاً هوشمندانه ایشان ارائه دادند معلوم می‌شود که هیچ تناقضی در این میان نیست. برای روشن تر شدن بحث باید یادآوری کنیم که رهبری فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با بسیجیان اعلام داشتند که:

«اصرار دارم بر تثبیت حقوق ملت ایران، از جمله مسئله حقوق هسته‌ای؛ اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملت ایران يك قدم عقب‌نشینی نباید بشود. ما البته در جزئیات این مذاکرات مداخله نمی‌کنیم؛ يك خطوط قرمزی وجود دارد، يك حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظفند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت و هورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.»

اما رئیس‌جمهور در نامه خود به رهبری اعلام کرد که ما همه خطوط قرمز مد نظر نظام را رعایت کرده و درعین حال توانسته‌ایم دشمن را به خضوع در برابر خواسته‌های خود وادار نماییم. در این بین به‌مرور بخش‌هایی از این نامه می‌پردازیم:

«فرزندان انقلابی شما توانستند در مذاکراتی دشوار و پیچیده، حقانیت ملت ایران در فعالیت‌های هسته‌ای را در صحنه بین‌المللی اثبات کنند و گام نخست را به گونه‌ای پیش برند که حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی ملت ایران مورد اذعان قدرتهای جهانی - که سالها سعی بر انکار آن داشتند- قرار گیرد و راه برای گام‌های بلند بعدی در حراست از پیشرفت‌های فنی و اقتصادی کشور گشوده شود. توفیق در این مذاکرات نشان داد که می‌توان با رعایت همه اصول و خطوط قرمز نظام، با ارائه منطقی و مستدل مواضع ملت ایران و اتمام حجت برای افکار عمومی جهان، قدرتهای بزرگ را نیز به احترام به

حقوق ملت ایران فراخواند و گام‌های بعدی را نیز در مسیر حل و فصل نهایی اختلافات با استحکام برداشت. دستاوردهای قطعی این توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای ایران و حراست از دستاوردهای هسته‌ای فرزندان این مرز و بوم بوده است و در کنار آن با توقف روند تحریم‌های ظالمانه، بخشی از فشارهای غیرقانونی در تحریم‌های یک‌جانبه برداشته و فروپاشی سازمان تحریم آغاز شده است».

اما هوشمندی پاسخ رهبری در آنجاست که ایشان در جواب نامه رئیس‌جمهور بدون اشاره به متن توافق‌نامه در حقیقت اعلام فرموده‌اند که در صورت دستیابی هیئت مذاکره‌کننده هسته‌ای به چنین دستاوردهایی، این اقدام قابل‌تقدیر و تشکر است. ایشان در این پاسخ چنین بیان کردند که: «جناب آقای رئیس‌جمهور-دستیابی به آنچه مرقوم داشته‌اید در خور تقدیر و تشکر از هیئت مذاکرات هسته‌ای و دیگر دست‌اندرکاران است و می‌تواند پایه اقدامات هوشمندانه بعدی قرار گیرد. بی‌شک فضل الهی و دعا و پشتیبانی ملت ایران عامل این موفقیت بوده و در آینده نیز خواهد بود ان‌شاءالله. ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها همواره باید شاخص خط مستقیم حرکت مسئولان این بخش باشد، و چنین خواهد بود ان‌شاءالله. سید علی خامنه‌ای-۳ آذر ۹۲»

آن چه نگارنده از این بیان ملتفت می‌شود در حقیقت معلق‌سازی جزای یک جمله شرطیه به شرط آن است. به عبارت دیگر، متن نامه رئیس‌جمهور محترم حکایت از همان خوشبینی همیشگی ایشان به غرب دارد و پاسخ رهبری حکایت از عدم خوشبینی به غرب که البته این با واقعیت تطبیق دارد. در واقع امر آنچه از متن توافق‌نامه ژنو منتشر شده، منهای تفاسیر موسع آن که موجب خوشحالی دشمنان ایران اسلامی شده، چیزی نیست که رئیس‌جمهور در نامه به رهبری نگاشته است. این شاید ناشی از خوشبینی اعضای تیم مذاکره‌کننده به دشمن است که در پشت دستکش مخملین، با دستان چدنی با ملت ایران برخورد نموده است. به عبارت آخر بایستی دانست که تجلیل رهبری در حقیقت نه از وادادگی در متن بیانیه ژنو که از ایستادگی و مقاومتی است که دولت در صورت برخورداری از آن می‌تواند

مورد اتصاف این تجلیل قرار گیرد.

۶. آیا تحریم های جدید وضع شده توسط خزانه داری آمریکا- (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳)- می تواند قرارداد ژنو را نقض نماید؟

ادبیات دولت و تیم مذاکره کننده در این باره تا کنون چندان مستحکم نبوده است. استفاده از این تعبیر توسط تیم مذاکره کننده که اعمال تحریم های جدید، مخالف «روح توافق ژنو» است و بسنده کردن به اقدامی نمادین مانند ترک زودهنگام مذاکرات کارشناسی با ۱+۵- درحالی که می دانیم این مذاکرات به زودی دوباره از سر گرفته خواهد شد- نشان دهنده این است که دولت اعتقاد چندانی به اینکه باید موضعی سرسختانه در مقابل این اقدام به شدت توهین آمیز آمریکا بگیرد، ندارد.

بدتر این است که مقام های دولت آمریکا می گویند تیم ایرانی در مذاکرات پذیرفته است که به روزرسانی تحریم های قبلی مصداقی اعمال تحریم جدید و در نتیجه نقض توافق ژنو نیست. ماری هاف، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دیروز به صراحت گفته است تیم ایرانی درون مذاکرات در جریان این موضوع قرار گرفته و می دانسته است که دولت آمریکا در طول دوران ۶ ماهه اجرای توافق ژنو، به روزرسانی تحریم های سابق را ادامه خواهد داد.

اگر این سخن طرف آمریکایی درست باشد، علامت سؤال بزرگی پیش روی مذاکراتی که منجر به توافق ژنو شده قرار می گیرد. تنها توجیهی که تیم مذاکره کننده ایران در مقابل پرسش از انبوه امتیازهای واگذار شده در این توافق ارائه می کرد، این بود که حداقل کاری که در ژنو انجام شده این است که قطار تحریم ها متوقف شده و از این به بعد دیگر تحریم جدیدی علیه ایران اعمال نخواهد شد؛ اما اقدام دولت آمریکا نشان داد همین یگانه توجیه موجود هم پایه ای بسیار سست دارد و عملاً تغییری در سیاست تحریمی آمریکا رخ نداده است.

به دلایل زیر، تحریم های جدید آمریکا نه مخالف روح، بلکه نقص صریح نص توافق ژنو است.

۱- استدلال اصلی آمریکا این است که این تحریم، یک قانون، مصوبه یا

فرمان اجرایی جدید نیست بلکه به روزرسانی فهرست مصادیق افراد و شرکت های تحت تحریم، طبق فرمان اجرایی شماره ۱۳۶۴۵ است که در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۳ تصویب شده است. این استدلال بسیار مضحک تر از آن است که حتی اندکی جدی گرفته شود.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که آنچه آمریکا در توافق ژنو به آن متعهد شده این است که از اعمال (impose) هرگونه تحریم جدید خودداری کند. در توافق ژنو صحبتی از ممنوعیت تصویب قانون یا صدور فرمان اجرایی جدید از سوی رییس جمهور آمریکا به میان نیامده است. آمریکا طبق توافق ژنو متعهد است به طور کلی از اعمال هر نوع تحریم جدید خودداری کند و این به وضوح در برگرفته تحریم های جدیدی که طبق قوانین قدیمی اعمال می شود هم هست. در واقع آنچه آمریکایی ها به روزرسانی تحریم های قبلی می خوانند، چیزی جز تحریم جدید نیست چرا که بر اساس این فرآیند عملاً کسانی تحریم می شوند که پیش از این تحریم نبوده اند و مفهوم «تحریم جدید» هم چیزی جز این نیست.

اگر تیم ایرانی نتواند تکلیف این مسئله یعنی توقف مصداق یابی برای قوانین تحریمی پیشین را در مذاکرات کارشناسی روشن کند و این فرآیند تداوم یابد، آمریکایی ها قادر خواهند بود در این پوشش هر فرد، شرکت و نهادی را که بخواهند تحریم کنند و ایران هم حق هیچ اعتراضی نخواهد داشت و بندهایی که توافق ژنو که وعده می دهد در آینده تحریم جدیدی علیه ایران اعمال نخواهد شد بالکل بی معنا می شود.

۲- مسئله دوم این است که این اقدام دولت آمریکا آشکارا با اصل حسن نیت (good faith) که در توافق ژنو مورد تأکید بوده در تناقض است. عمل به این اصل، مستلزم آن است که دو طرف از انجام اقداماتی که حتی به طور تلویحی و غیرصریح فضای مثبت موجود را به هم می زند خودداری کنند چه رسد به اینکه یک طرف یکی از پایه های اصلی توافق، یعنی عدم گسترش رژیم تحریم ها را تخریب نماید.

۳- مسئله سوم به بندی از عهدنامه ۱۹۶۹ وین بازمی گردد که عملاً حاکم

بر همه معاهدات دیگر است. طبق ماده ۱۸ از این کنوانسیون، یک کشور ملزم است از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می‌کند حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن آن خودداری ورزد. اقدام امریکا مستقیماً ناقض این ماده از عهدنامه ۱۹۶۹ است و شرایطی بوجود می‌آورد که هدف اصلی این توافق که مطابق اعلام دو طرف عدم گسترش (Halt) برنامه هسته‌ای ایران در ازای عدم گسترش رژیم تحریم‌هاست، از سوی طرف آمریکایی کاملاً بی‌ارزش پنداشته و نقض شود.

رفتار دولت امریکا در اعمال تحریم‌های جدید نه فقط غیرقانونی بلکه عمیقاً آهانت‌آمیز است. تیم مذاکره‌کننده قبل از آنکه مدافع حقوق ملت ایران باشد، مدافع عزت و شخصیت آنهاست. ایستادگی بر سر این مسئله و منتفی کردن روند مصداق یابی برای تحریم‌هایی که پیش‌تر اعمال شده، در کنار عدم تصویب یا اعمال تحریم‌های جدید، اندکی از تردیدها درباره مقصدی که این معاهده ما را به سمت آن روان کرده و نیت واقعی که آمریکایی‌ها در سر دارند، خواهد کاست؛ اما اگر دولت امریکا با این امر مخالفت کند، کم‌هزینه‌ترین راه برای اجتناب از سناریوی هم‌چوب هم‌پیاز (هم توقف برنامه هسته‌ای و هم تداوم اعمال تحریم‌ها) این است که ایران فعلاً و تا زمان رفع شدن اختلافات در این باره اجرای توافق ژنو را آغاز نکند.

۷. آیا آمریکا می‌تواند با متن توافق‌نامه ژنو در امور نظامی ما دخالت کند؟

به نظر می‌رسد آمریکا نه تنها قصد دارد با استفاده از توافق ژنو، کنترل و مدیریت برنامه هسته‌ای ایران را در دست گیرد، بلکه علاقه‌مند است در این راستا محدودیت‌های مورد نظر خود را در پروژه‌های نظامی و موشکی کشور نیز اعمال کند. اجبار ایران به پذیرش پروتکل الحاقی در گام آخر توافق‌نامه نیز از همین منظر قابل تحلیل است. در استماع ۲۱ آذر کمیسیون بانکداری سنا، سناتور جک رید به این موضوع اشاره می‌کند و خانم شرمین این‌گونه پاسخ می‌دهد:

سناتور رید: «خانم شرمین، وقت خیلی کمی دارم، شاید این موضوعی که مطرح می‌کنم، موضوع پراهمیتی باشد، اما در مورد این مسئله از توافق

اولیه، هیچ چیزی - هیچ پیشنهادی درباره برنامه نظامی آن‌ها، به‌خصوص در اطراف پارچین وجود ندارد. می‌توانید خیلی سریع به ما بگویید چه اتفاقی خواهد افتاد؟»

خانم شرمین: «در واقع، سه بخش در توافق‌نامه وجود دارد که از احتمال جنبه‌های نظامی برنامه ایران صحبت می‌کند در پاراگراف اول، که در باره داشتن توافق جامع است، به تمام نگرانی‌های باقی‌مانده توجه شده است، که اشاره‌ای است به ابعاد نظامی احتمالی آن‌ها. این پاراگراف درباره نیاز به در نظر گرفتن عملکردهای گذشته و حال سخن می‌گوید که از اصطلاحات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ابعاد نظامی احتمالی، از جمله پارچین است.

این توافق‌نامه همچنین می‌گوید که باید به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد قبل از توافق جامع توجه شود و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌طور خاص به قابلیت موشک‌های بالستیک آن‌ها توجه دارد.

بنابراین ما گفتگویی مستقیم با ایران در مورد تمام این مسائل داشته‌ایم. آن‌ها معنی کلمات توافق‌نامه را کاملاً درک می‌کنند. و ما قصد داریم از تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مقابله با ابعاد نظامی احتمالی، از جمله پارچین حمایت کنیم.»

پیوست‌ها

متن کامل
و ترجمه
توافقنامه ژنو

ترجمه کامل
فکت شیت

متن کامل انگلیسی توافقنامه ژنو

November 24, 2013

Joint Plan of Action

Preamble

The goal for these negotiations is to reach a mutually-agreed long-term comprehensive solution that would ensure Iran's nuclear program will be exclusively peaceful. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek or develop any nuclear weapons. This comprehensive solution would build on these initial measures and result in a final step for a period to be agreed upon and the resolution of concerns. This comprehensive solution would enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the NPT in conformity with its obligations therein. This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment program with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the program. This comprehensive solution would constitute an integrated whole where nothing is agreed until everything is agreed. This comprehensive solution would involve a reciprocal, step-by step process, and would produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions, as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear program.

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things, addressing the UN Security Council resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter. The E3+3 and Iran will be responsible for conclusion and implementation of mutual near-term measures and the comprehensive solution in good faith. A Joint Commission of E3/EU+3 and Iran will be established to monitor the implementation of the near-term measures and address issues that may arise, with the IAEA responsible for verification of nuclear-related measures. The Joint Commission will work with the IAEA to facilitate resolution of past and present issues of concern.

Elements of a first step

The first step would be time-bound, with a duration of 6 months, and renewable by mutual consent, during which all parties will work to maintain a constructive atmosphere for negotiations in

good faith.

Iran would undertake the following voluntary measures:

* From the existing uranium enriched to 20%, retain half as working stock of 20% oxide for fabrication of fuel for the TRR. Dilute the remaining 20% UF₆ to no more than 5%. No reconversion line.

* Iran announces that it will not enrich uranium over 5% for the duration of the 6 months.

* Iran announces that it will not make any further advances of its activities at the Natanz Fuel Enrichment Plant (1), Fordow (2), or the Arak reactor (3), designated by the IAEA as IR-40.

* Beginning when the line for conversion of UF₆ enriched up to 5% to UO₂ is ready, Iran has decided to convert to oxide UF₆ newly enriched up to 5% during the 6 month period, as provided in the operational schedule of the conversion plant declared to the IAEA.

* No new locations for the enrichment.

* Iran will continue its safeguarded R&D practices, including its current enrichment R&D practices, which are not designed for accumulation of the enriched uranium.

* No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.

* Enhanced monitoring:

- Provision of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans for nuclear facilities, a description of each building on each nuclear site, a description of the scale of operations for each location engaged in specified nuclear activities, information on uranium mines and mills, and information on source material. This information would be provided within three months of the adoption of these measures.

- Submission of an updated DIQ for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40, to the IAEA.

- Steps to agree with the IAEA on conclusion of the Safeguards Approach for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40.

- Daily IAEA inspector access when inspectors are not present for the purpose of Design Information Verification, Interim Inventory Verification, Physical Inventory Verification, and unannounced inspections, for the purpose of access to offline surveillance records, at Fordow and Natanz.

- IAEA inspector managed access to:

- . centrifuge assembly workshops⁴;
 - . centrifuge rotor production workshops and storage facilities;
- and,
- . uranium mines and mills.

In return, the E3/EU+3 would undertake the following voluntary measures:

- Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services.

- Suspend U.S. and EU sanctions on:

- . Iran's petrochemical exports, as well as sanctions on associated services. (5)

- . Gold and precious metals, as well as sanctions on associated services.

- Suspend U.S. sanctions on Iran's auto industry, as well as sanctions on associated services.

- License the supply and installation in Iran of spare parts for safety of flight for Iranian civil aviation and associated services. License safety related inspections and repairs in Iran as well as associated services. (6)

- No new nuclear-related UN Security Council sanctions.

- No new EU nuclear-related sanctions.

- The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.

- Establish a financial channel to facilitate humanitarian trade for Iran's domestic needs using Iranian oil revenues held abroad. Humanitarian trade would be defined as transactions involving food and agricultural products, medicine, medical devices, and medical expenses incurred abroad. This channel would involve specified foreign banks and non-designated Iranian banks to be defined when establishing the channel.

* This channel could also enable:

- a- transactions required to pay Iran's UN obligations; and,

- b- direct tuition payments to universities and colleges for Iranian students studying abroad, up to an agreed amount for the six month period.

- Increase the EU authorisation thresholds for transactions for non-sanctioned trade to an agreed amount.

Elements of the final step of a comprehensive solution*

The final step of a comprehensive solution, which the parties aim to conclude negotiating and commence implementing no more than one year after the adoption of this document, would:

- Have a specified long-term duration to be agreed upon.
- Reflect the rights and obligations of parties to the NPT and IAEA Safeguards Agreements.
 - Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.
 - Involve a mutually defined enrichment program with mutually agreed parameters consistent with practical needs, with agreed limits on scope and level of enrichment activities, capacity, where it is carried out, and stocks of enriched uranium, for a period to be agreed upon.
 - Fully resolve concerns related to the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40. No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.
 - Fully implement the agreed transparency measures and enhanced monitoring. Ratify and implement the Additional Protocol, consistent with the respective roles of the President and the Majlis (Iranian parliament).
 - Include international civil nuclear cooperation, including among others, on acquiring modern light water power and research reactors and associated equipment, and the supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

Following successful implementation of the final step of the comprehensive solution for its full duration, the Iranian nuclear program will be treated in the same manner as that of any non-nuclear weapon state party to the NPT.

(Footnotes)

(1) Namely, during the 6 months, Iran will not feed UF₆ into the centrifuges installed but not enriching uranium. Not install additional centrifuges. Iran announces that during the first 6 months, it

will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.

(2) At Fordow, no further enrichment over 5% at 4 cascades now enriching uranium, and not increase enrichment capacity. Not feed UF6 into the other 12 cascades, which would remain in a non-operative state. No interconnections between cascades. Iran announces that during the first 6 months, it will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.

(3) Iran announces on concerns related to the construction of the reactor at Arak that for 6 months it will not commission the reactor or transfer fuel or heavy water to the reactor site and will not test additional fuel or produce more fuel for the reactor or install remaining components.

(4) Consistent with its plans, Iran's centrifuge production during the 6 months will be dedicated to replace damaged machines.

(5) 'Sanctions on associated services' means any service, such as insurance, transportation, or financial, subject to the underlying U.S. or EU sanctions applicable, insofar as each service is related to the underlying sanction and required to facilitate the desired transactions. These services could involve any non-designated Iranian entities.

(6) Sanctions relief could involve any non-designated Iranian airlines as well as Iran Air.

* With respect to the final step and any steps in between, the standard principle that 'nothing is agreed until everything is agreed' applies.'

ترجمه فارسی توافقنامه ژنو

برنامه مشترک اقدام

هدف این مذاکرات رسیدن به یک راه حل جامع بلندمدت مورد توافق طرفین است؛ که اطمینان یابد برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز باقی خواهد بود.

ایران مجدداً تصریح می‌نماید که تحت هیچ شرایطی، ایران هرگز به دنبال دستیابی یا گسترش هیچ سلاح هسته‌ای نخواهد بود. این راه حل جامع مبتنی بر این اقدام‌های اولیه بوده و به یک گام نهایی منجر خواهد شد که دوره زمانی آن مورد توافق قرار گرفته و به رفع نگرانی‌ها می‌انجامد.

این راه حل جامع ایران را قادر می‌سازد تا به طور کامل از حق خود از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بر اساس مواد مرتبط در معاهده ان‌پی‌تی و در تطابق با تعهدات خود

در این [معاهده] برخوردار گردد.

این راه حل جامع دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف شده با محدودیت‌های عملی و اقدام‌های شفاف ساز برای کسب اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز این برنامه است.

این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل می‌شود که هیچ‌چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.

این راه حل جامع شامل یک فرآیند متقابل و گام‌به‌گام است و به رفع جامع همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های چندجانبه و ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.

گام‌های اضافی در میان اقدام‌های اولیه و گام نهایی، از جمله، در میان موارد دیگر، پرداخت به قطعنامه‌های شورای امنیت با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل در این موضوع به صورت رضایت‌بخش، به نتیجه برسد.

سه کشور اروپایی [فرانسه، انگلیس و آلمان] به اضافه سه کشور دیگر [روسیه، چین و آمریکا] و ایران، مسئول نهایی کردن و اجرای اقدام‌های کوتاه‌مدت دوجانبه و راه حل جامع با حسن نیت خواهند بود.

یک کمیسیون مشترک از سه کشور اروپایی، اتحادیه اروپایی به اضافه سه کشور دیگر و ایران برای نظارت بر اجرای اقدام‌های کوتاه‌مدت و پرداختن به موضوعاتی که ممکن است مطرح گردد، ایجاد خواهد گردید، درحالی‌که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مسئولیت راستی آزمایی اقدام‌های مربوط به هسته‌ای را خواهد داشت. این کمیسیون مشترک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای تسهیل حل و فصل موضوعات گذشته و حال مورد نگرانی، همکاری خواهد کرد.

عناصر گام اول

گام اول دارای دوره زمانی ۶ ماه خواهد بود و با توافق طرفین قابل تمدید است که در این دوره، همه طرف‌ها، برای حفظ فضای سازنده مذاکرات، با حسن نیت فعالیت خواهند کرد.

ایران انجام اقدام‌های داوطلبانه زیر را متعهد می‌گردد:

از اورانیوم موجود غنی‌شده تا ۲۰ درصد، نیمی را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای ساخت سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران نگهداری کند. بقیه UF_6 با غنای ۲۰ درصد را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید. عدم ایجاد خط تبدیل مجدد.

ایران اعلام می‌کند برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را بیشتر از ۵ درصد غنی‌سازی نخواهد کرد.

ایران اعلام می‌کند که هیچ پیشرفت بیشتری در فعالیتهای خود در تأسیسات غنی‌سازی

سوخت نطنز [۱]، فردو [۲] یا راکتور اراک [۳] (که با نام IR۴۰ توسط آژانس شناخته می‌شود) انجام نخواهد داد.

هنگامی که خط تبدیل UF۶ غنی‌شده تا ۵ درصد به UO۲ آماده گردید، ایران تصمیم گرفته است مواد UF۶ جدیداً غنی‌شده تا سطح ۵ درصد طی دوره شش ماهه را به اکسید تبدیل کند، همان‌گونه که در برنامه عملیاتی کردن تأسیسات تبدیل، به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است

عدم محل‌های جدید برای غنی‌سازی.

ایران کارهای تحقیق و توسعه تحت پادمان خود شامل کارهای تحقیق و توسعه جاری غنی‌سازی خود را که باهدف انباشت اورانیوم غنی‌شده صورت نمی‌گیرد، ادامه خواهد داد. عدم بازآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازآوری داشته باشد.

نظرات های افزایش یافته:

ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شامل اطلاعات درباره طرح‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای، تشریح هر ساختمان در هر ساختگاه هسته‌ای، تشریح میزان فعالیت برای هر مکانی که فعالیت‌های هسته‌ای مشخص دارد، اطلاعات درباره معادن و کارخانه‌های تولید اورانیوم و اطلاعات درباره مواد چشمه پرتوزا. این اطلاعات در طی ۳ ماه از تصویب این اقدامات ارائه خواهد شد.

تحویل پرسش‌نامه به‌روز شده راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود، به آژانس.

اتخاذ گام‌هایی برای توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انعقاد رهیافت پادمان درباره راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود.

دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فردو و نطنز، در مواقعی که آنها برای راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی (DIV) و راستی‌آزمایی موجودی میانی (IIV) و راستی‌آزمایی انبارگردانی (PIV) و بازرسی‌های بدون اطلاع قبلی، در ساختگاه حضور ندارند، با هدف دسترسی موارد ضبط‌شده آفلاین دوربین‌های نظارتی.

دسترسی مدیریت شده بازرسان آژانس به:

کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ [۴]

کارگاه‌های تولید روتور سانتریفیوژ و انبارهای محل نگهداری آنها

معادن اورانیوم و کارخانه‌های تولید اورانیوم

در مقابل، سه کشور اروپایی، اتحادیه اروپایی به‌اضافه سه کشور دیگر، انجام اقدام‌های

داوطلبانه زیر را متعهد می‌گردد:

انجام وقفه در تلاش‌ها برای کاهش بیشتر فروش نفت خام ایران، به‌نحوی که مشتریان فعلی

ایران بتوانند میانگین میزان فعلی از نفت خام‌شان را خریداری نمایند. قادرسازی به بازگشت یک مبلغ مورد توافق از درآمد نگهداری شده در خارج، درباره فروش چنین [میزان] نفت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا بر بیمه و خدمات حمل‌ونقل مرتبط، تعلیق می‌شود.

تعلیق تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا بر:

صادرات پتروشیمی ایران و همچنین تحریم‌های خدمات مرتبط [5]

طلا و فلزات گران‌بها و همچنین تحریم‌های خدمات مرتبط.

تعلیق تحریم‌های امریکا بر صنعت خودروسازی ایران و همچنین تحریم‌های خدمات مرتبط.

صدور مجوز تأمین و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایرانی و خدمات مرتبط. صدور مجوز بازرسی‌های مربوط به ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط. [6]

عدم تحریم جدید مرتبط با هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل.

عدم تحریم جدید مرتبط با هسته‌ای توسط اتحادیه اروپایی.

دولت امریکا، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس‌جمهور و کنگره، از تحمیل تحریم‌های جدید مرتبط با هسته‌ای خودداری خواهد کرد.

ایجاد یک کانال مالی برای تسهیل تجارت بشردوستانه برای نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران که در خارج نگهداری می‌شود. تجارت بشردوستانه محدود به تراکنش‌های [مالی] مربوط به غذا و محصولات کشاورزی، دارو، تجهیزات پزشکی و هزینه‌های پزشکی [انجام‌شده در] خارج می‌شود. این کانال مالی، هنگام ایجاد آن، بانک‌های مشخص خارجی و بانک‌های ایرانی که محدودیت برای آنها تعیین نشده را در بر می‌گیرد.

این کانال هم‌چنین می‌تواند اجازه دهد:

الف) تراکنش‌های [مالی] مورد نیاز برای پرداخت تعهدات ایران به سازمان ملل متحد؛

ب) پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج کشور تا یک مبلغ توافق شده، برای یک دوره شش ماهه.

افزایش آستانه برای اخذ مجوزهای اتحادیه اروپایی جهت تراکنش‌های مالی برای تجارت موارد غیرتحریمی تا یک مبلغ مورد توافق.

عناصر گام نهایی راه حل جامع*

گام نهایی راه حل جامع که طرف‌ها قصد دارند تا مذاکره و آغاز اجرای آن کمتر از یک سال پس از پذیرش این سند، نهایی شود، عبارت است از:

داشتن دوره زمانی بلندمدت مشخص که مورد توافق قرار خواهد گرفت.

منعکس‌کننده حقوق و تکالیف اعضای ان‌پی‌تی و توافق‌نامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

به طور جامع تحریم‌های مرتبط با هسته‌های شورای امنیت سازمان ملل، چندجانبه و ملی را بر می‌دارد. گام‌هایی برای دسترسی به حوزه‌های تجاری، فناوری، مالی و انرژی بر مبنای یک جدول زمانی توافق خواهد شد.

دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی که توسط طرفین تعریف شده با عناصر توافق شده توسط طرفین منطبق با نیازهای عملی [ایران]، با محدودیت‌های توافق شده در زمینه دامنه و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت، مکانی که [غنی‌سازی] انجام می‌شود و ذخایر اورانیوم غنی‌شده برای یک دوره‌ای که توافق می‌گردد.

به طور کامل نگرانی‌های مربوط به راکتور اراک، که توسط آژانس با نام IR۴۰ شناخته می‌شود، را برطرف نماید. عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشد. به طور کامل اقدام‌های شفاف ساز و نظارت افزایش یافته‌ی توافق شده را اجرا می‌کند. پروتکل الحاقی را در چارچوب اختیارات رئیس‌جمهور و مجلس (پارلمان ایرانی)، تصویب و اجرا می‌نماید.

دربرگیرنده همکاری هسته‌ای غیرنظامی بین‌المللی، از جمله در میان موارد دیگر، دست یافتن به راکتورهای قدرت آب سبک مدرن و تحقیقاتی و تجهیزات مربوطه و تأمین سوخت هسته‌ای مدرن و همچنین کارهای تحقیق و توسعه که توافق شده.

بعد از اجرای موفق گام نهایی از راه حل جامع در دوره کامل آن، با برنامه هسته‌ای ایران؛ مثل هر کشور فاقد سلاح هسته‌ای عضو ان پی تی رفتار خواهد شد.
* در ارتباط با گام نهایی و هر گامی در میان (گام‌های میانی)، اصل استاندارد که «هیچ چیزی توافق نمی‌شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود»، اعمال می‌شود.

[۱]. به این معنا که طی شش ماه، ایران به سانتریفیوژهایی که نصب شده ولی غنی‌سازی اورانیوم انجام نمی‌دهند، UF₆ تزریق نخواهد نمود. سانتریفیوژهای جدید نصب نکند. ایران اعلام می‌نماید که در شش ماه اول، سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین میکند.

[۲]. در ساختگاه فردو، غنی‌سازی بیشتر از ۵ درصد در چهار زنجیره ای که در حال غنی‌سازی اورانیوم است، نمی‌کند و ظرفیت غنی‌سازی را افزایش نمی‌دهد. UF₆ به دوازده آبشار دیگر تزریق نمی‌نماید که در وضعیت غیرعملیاتی باقی می‌مانند. عدم اتصال میان زنجیره‌ها. ایران اعلام مینماید که در شش ماه اول، سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین می‌کند.

[۳]. ایران اعلام می‌کند که برای نگرانی‌های مربوط به ساخت راکتور در اراک، برای ۶ ماه، این راکتور راه اندازی نخواهد کرد یا سوخت یا آب سنگین به راکتور منتقل نخواهد نمود یا سوخت جدید آزمایش یا تولید نخواهد کرد یا اجزای باقیمانده نصب نخواهد نمود.

[۴]. مطابق برنامه هایش [ایران]، تولید سانتریفیوژ ایران طی این شش ماه، محدود به

جایگزینی سانتریفیوژهای خسارت دیده خواهد بود.

[۵]. «تحریم خدمات مرتبط» به معنای هر گونه خدمات بیمه، حمل و نقل یا مالی در ذیل تحریمهای امریکا و اتحادیه اروپا است، تا جایی که هر یک از این خدمات مرتبط با تحریم بوده و برای تسهیل نقل و انتقال مالی مورد نظر لازم باشد. این خدمات میتواند شامل نهادهای ایرانی تحریم نشده باشد.

[۶]. رفع تحریم ها میتواند دربرگیرنده هر خط هوایی ایرانی تحریم نشده و نیز ایران ایر گردد.

متن کامل ترجمه بیانیه توجیهی آمریکا از توافق ژنو (Fact)

(Sheet)

دفتر مطبوعاتی کاخ سفید روز شنبه ۲ آذر ۱۳۹۲ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۳) با انتشار یک برگه اطلاعات بسیار مشروح تفصیلاً دیدگاه دولت امریکا و تفسیر آن از توافق ژنو را بیان کرده است.

گروه ۵+۱ (ایالات متحده، انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه، چین و با همیاری اتحادیه اروپا) با هدف رسیدن به یک راه حل قابل قبول دیپلماتیک برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای وارد مذاکره جدی و فشرده با این کشور شد.

پرزیدنت اوباما به صراحت گفته است که رسیدن به یک راه حل که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌شود، در جهت منافع ملی آمریکاست.

امروز گروه ۵+۱ و ایران به مجموعه‌ای از تفاهمات اولیه دست یافتند که مانع پیشرفت برنامه هسته‌ای می‌شود و ابعاد کلیدی آن را به عقب می‌راند. این تفاهم، اولین محدودیت‌های معناداری است که ایران طی یک دهه گذشته در برنامه خود پذیرفته است.

۶ ماه آغازین، شامل اعمال محدودیت های مهم در برنامه هسته‌ای ایران است که باید به تدریج فوری‌ترین نگرانی های ما را از جمله توانمندی غنی‌سازی ایران، ذخایر کنونی اورانیوم غنی‌شده‌اش، تعداد و توانمندی‌هایش در زمینه سانتریفیوژها و توانایی‌اش در تولید پلوتونیوم در رآکتور اراک برطرف سازد.

امتیازاتی که ایران به‌عنوان بخشی از این قدم اولیه تعهد کرده است، شفافیت بیشتری فراهم می‌کند و امکان بازرسی های سرزده از برنامه هسته‌ای‌اش را ایجاد می‌نماید. در گذشته، نگرانی این بود که ایران از مذاکرات برای وقت‌کشی و پیشبرد برنامه‌اش استفاده می‌کند؛ اما این اقدامات کمک خواهد کرد وقتی برای رسیدن به یک توافق جامع بلندمدت مذاکره می‌کنیم، ایران نتواند از سپر مذاکرات برای پیشبرد برنامه هسته‌ای‌اش استفاده کند.

در عوض، به‌عنوان بخشی از اقدامات اولیه، گروه ۵+۱ تحریم های ایران را به‌صورت محدود، موقت، هدفمند و قابل‌برگشت لغو خواهد کرد. این کاهش تحریم به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شود که بخش عمده شبکه تحریم از جمله تحریم‌های کلیدی در بخش نفت، بانکی و

مالی پابرجا بماند.

گروه ۰+۱ با قاطعیت به اجرای این تحریم‌ها ادامه می‌دهد. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند، ما لغو محدود را متوقف می‌کنیم و تحریم‌های جدید وضع خواهیم کرد. گروه ۰+۱ و ایران همچنین پارامترهای کلی یک توافقنامه جامع را نیز که برنامه هسته‌ای ایران را در بلندمدت محدود می‌سازد، در خصوص صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به جامعه جهانی اطمینان می‌دهد و ما را مطمئن می‌سازد که هر گونه تلاش ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای فوراً شناسایی می‌شود، بحث و تبادل نظر کرده‌اند. مجموعه تفاهات حاصل شده همچنین شامل اذعان ایران به پیروی از همه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل (که ایران همیشه ادعا کرده است غیرقانونی‌اند) و برطرف کردن مسائل گذشته و حال هسته‌ای‌اش است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آنها را شناسایی کرده است.

این شامل حل و فصل مسائل مربوط به ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران از جمله فعالیت‌ها در مرکز پارچین است.

به‌عنوان بخشی از یک راه حل جامع، ایران همچنین باید به همه تعهدات خود در معاهده ان‌پی‌تی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمل کند. در خصوص یک راه حل جامع، تا زمانی که درباره همه مسائل توافق نشود، توافق صورت نمی‌گیرد.

به عبارت ساده‌تر، این قدم اول بعد از ۶ ماه متوقف می‌شود و به مثابه یک راه حل قابل‌قبول نهایی برای آمریکا و دیگر شرکایش در گروه ۰+۱ نخواهد بود.

توقف پیشروی برنامه ایران و عقب‌نشینی بخش‌های کلیدی

ایران متعهد شده است غنی‌سازی بیش از پنج درصد را متوقف کند:

❏ کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی بالاتر از پنج درصد را متوقف کند و تجهیزات فنی لازم برای غنی‌سازی بالاتر از پنج درصد را برچیند.

ایران تعهد کرده است ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را خنثی‌سازی کند:

❏ سطح ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را به زیر پنج درصد برساند یا آن را قبل از پایان مرحله اول، به شکلی تبدیل کند که مناسب غنی‌سازی بیشتر نباشد.

ایران تعهد کرده است که پیشروی در فعالیت‌های غنی‌سازی خود را متوقف کند:

❏ سانتریفوژهای جدید از هیچ مدلی نصب نکند

❏ از سانتریفوژهای نسل جدید برای غنی‌سازی استفاده نکند

❏ نیمی از سانتریفوژهای نصب‌شده در نطنز و سه چهارم دستگاه‌های نصب‌شده در فوردو را غیرفعال نگه دارد به‌طوری‌که امکان استفاده از آنها برای غنی‌سازی وجود نداشته باشد

❏ ساخت سانتریفوژ را فقط برای جایگزین کردن دستگاه‌های آسیب‌دیده ادامه دهد

ازاین‌رو ایران طی شش ماه آینده قادر نخواهد بود به ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود

ببفزاید.

تأسیسات غنی‌سازی جدید نسازد.

ایران تعهد کرده است پیشروی در زمینه تولید ذخایر اورانیوم ۵/۳ درصدی را متوقف کند:

❖ ذخایر اورانیوم ۵/۳ درصدی خود را افزایش ندهد، بدین ترتیب به مقدار ذخایر در پایان ۶ ماه افزوده نمی‌شود و تولیدات جدید نیز به شکل اکسید در می‌آید.

ایران تعهد کرده است که به پیشروی در فعالیت‌های رآکتور اراک ادامه ندهد و مسیر تولید پلوتونیوم را متوقف کند.

ایران متعهد شد که:

❖ رآکتور اراک را راه‌اندازی نکند

❖ سوخت وارد رآکتور اراک نکند

❖ تولید سوخت برای رآکتور اراک را متوقف کند

❖ دیگر آزمایش‌های سوخت برای این رآکتور انجام ندهد

❖ قطعات دیگر در رآکتور اراک نصب نکند

❖ سوخت و آب سنگین به محل این رآکتور منتقل نکند

❖ مرکز ویژه بازفرآوری نسازد. ایران بدون بازفرآوری نمی‌تواند پلوتونیوم را از سوخت مصرف‌شده جدا کند.

شفافیت بی‌سابقه و بازرسی‌های سرزده از برنامه هسته‌ای ایران

ایران متعهد شد که:

❖ دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به نظنز و فردو فراهم کند. این دسترسی روزانه به بازرسان امکان می‌دهد دوربین‌های نظارتی را بازبینی کنند و از نظارت جامع و گسترده اطمینان حاصل کنند. این نوع دسترسی حتی باعث می‌شود فعالیت‌های غنی‌سازی در این سایت‌ها شفاف‌تر شود و زمان شناسایی هر گونه تخلف و عدم همکاری کوتاه‌تر شود.

❖ دسترسی آژانس به تأسیسات مونتاژ سانتی‌فیوژ را فراهم کند.

❖ دسترسی آژانس را به تولید قطعات چرخان سانتی‌فیوژ و تأسیسات انبار فراهم کند.

❖ دسترسی آژانس را به معادن و آسیاب‌های اورانیوم فراهم کند.

❖ نقشه اطلاعات رآکتور اراک را که آژانس از مدت‌ها قبل به دنبال آن است، فراهم کند.

این نقشه اطلاعات حساسی درباره ساختار رآکتور فراهم می‌کند.

❖ دسترسی مکرر بازرسان به رآکتور اراک را فراهم کند.

❖ اطلاعات خاص و حساس از توافق پادمان‌های آژانس و کد اصلاح‌شده ۳،۱ را که پروتکل

الحاقی خواستار آن است، ارائه کند.

ساز و کار راستی‌آزمایی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت انجام بسیاری از موارد ساز و کار سنجش صحت امر

به کار گرفته خواهد شد و این وظیفه را به طور موازی با نقش بازرسی در ایران انجام خواهد داد. به علاوه کشورهای ۵+۱ و ایران متعهد شده‌اند کمیسیونی مشترک برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت نظارت بر فرآیند اجرایی و رسیدگی به مسائلی که ممکن است به وجود آید تشکیل دهند. کمیسیون مشترک همچنین با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش خواهد کرد روند حل و فصل نگرانی‌های گذشته و کنونی مرتبط با برنامه اتمی ایران، از جمله وجوه نظامی احتمالی این برنامه و فعالیت‌های تأسیسات پارچین را تسهیل نماید.

کاهش تحریم‌ها به شکل محدود، موقت و قابل بازگشت

در ازای این گام‌ها از سوی ایران کشورهای ۵+۱ امتیازهایی محدود، موقت، هدفمند و قابل بازگشت به ایران ارائه خواهند داد و درعین حال بخش اعظم تحریم‌های ما، از جمله تحریم نفت، نظام مالی و بانکی در جای خود باقی خواهند ماند. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند ما کاهش تحریم‌ها را ملغی اعلام خواهیم کرد. کشورهای ۵+۱ به طور اخص متعهد شده:

✎ در صورتی که ایران به تعهدات خود در این توافق عمل کند تا مقدار ممکن در نظام سیاسی کشورشان به مدت ۶ ماه تحریم جدیدی علیه ایران تصویب نکند.

✎ موارد خاص تحریم بر طلا و فلزات گران‌بها، بخش خودروسازی ایران و صادرات محصولات پتروشیمی را به حالت تعلیق در آورد که این امر به طور بالقوه نزدیک به ۰/۱ میلیارد دلار برای ایران عایدات دارد.

✎ مجوز بازرسی‌ها و تعمیرات مرتبط با ایمنی در داخل ایران را برای خطوط هوایی خاص ایرانی داخل کشور صادر کند.

✎ خرید نفت ایران را در حد فعلی نگاه دارد که در واقع ۶۰ درصد کمتر از دو سال پیش است. به شرطی که ایران به تعهداتش عمل کند ۲/۴ میلیارد دلار حاصل از این فروش به شکل اقساط به ایران منتقل می‌شود.

✎ ۴۰۰ میلیون دلار از سرمایه‌های دولتی ایران را مستقیماً به مؤسسات آموزشی شناخته شده در کشورهای ثالث منتقل کند تا هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی پرداخت شود.

مبادلات بشردوستانه

کشورهای ۵+۱ متعهد شده‌اند مبادلات بشردوستانه که در قانون آمریکا مجاز محسوب می‌شوند را تسهیل کنند. کنگره به طور اخص مبادلات بشردوستانه را از فهرست تحریم‌ها حذف کرده است در نتیجه ایران نمی‌تواند از طریق این مسیر به منبع مالی جدیدی دسترسی پیدا کند. تعاملات بشردوستانه خرید مواد خوراکی، کشاورزی و دارویی و پزشکی را شامل می‌شود. ما همچنین نقل و انتقالات مالی مرتبط با امور پزشکی با خارج از ایران را تسهیل می‌نماییم. ما این مسیر را برای منافع مردم ایران در نظر گرفته‌ایم.

لغو محدود و موقت تحریم‌ها

در کل، حدود ۷ میلیارد دلار از تحریم‌ها برداشته می‌شود و این بخشی از هزینه‌هایی است

که ایران در طول این ۶ ماه نیز متحمل می‌شود. بخش اصلی ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های خارجی ایران به علت تحریم غیرقابل‌دسترس است. در ۶ ماه آینده، فروش نفت خام ایران افزایش می‌یابد.

در مقایسه با درآمدهای ایران در یک دوره شش ماهه در سال ۲۰۱۱، تحریم‌های نفتی به تنهایی موجب از دست رفتن ۳۰ میلیارد دلار از درآمدهای ایران (ماهانه ۵ میلیارد دلار) شده است. درحالی‌که ایران اجازه می‌یابد به ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار از درآمد نفت خود دسترسی پیدا کند، تقریباً ۱۵ میلیارد دلار از درآمدهایش در این دوره به حساب‌های مسدود شده خارجی منتقل می‌شود.

خلاصه آنکه ما انتظار داریم با اجرای این توافق، توازن دارایی‌های ایران در حساب‌های مسدود شده خارجی افزایش یابد نه این که کاهش یابد.

تداوم فشارهای اقتصادی بر ایران و حفظ ساختار تحریم‌ها

در مرحله اول، ما به اجرای تحریم علیه ایران ادامه می‌دهیم و علیه کسانی که سعی می‌کنند تحریم‌ها را دور بزنند، اقدام خواهیم کرد.

تحریم‌های مرتبط با فروش نفت خام ادامه می‌یابد. ما با همکاری متحدان بین‌المللی خود، فروش نفت ایران را از دو و نیم میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ به یک میلیون بشکه در روز رسانده‌ایم و ایران دیگر قادر نیست یک و نیم میلیون بشکه نفت خود را به فروش برساند. این موجب از دست رفتن بیش از ۸۰ میلیارد دلار از درآمدهای ایران از آغاز سال ۲۰۱۲ شده است. در این قدم اول، تحریم نفتی اتحادیه اروپا پابرجا باقی می‌ماند و ایران همان ظرفیت فروش یک میلیون بشکه را حفظ خواهد کرد و بدین ترتیب هر ماه ۴ میلیارد دلار از دست می‌دهد.

تحریم‌های مرتبط با صادرات محصولات پتروشیمی به ایران که موجب از دست رفتن میلیاردها دلار از درآمدهای ایران شده است، به قوت خود باقی می‌ماند.

بخش عمده دارایی‌های ۱۰۰ میلیارد دلاری خارجی ایران غیرقابل‌دسترس باقی می‌ماند.

- دیگر بخش‌های مهم تحریم‌ها دست‌نخورده باقی می‌ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده‌ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.
۲. تحریم‌های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم‌های ایران (سیسادا) علیه بانک‌هایی وضع شده است که با شرکت‌ها و اشخاص تحریم شده همکاری می‌کنند.
۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می‌دهند.
۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا

☛ همه تحریم‌ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته‌ای ایران همکاری می‌کنند، به قوت خود باقی می‌ماند.

☛ تحریم بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی‌رانی و کشتی‌سازی به قوت خود باقی می‌ماند.

- ❖ تحریم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.
- ❖ تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.
- ❖ محدودیت‌های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می‌ماند و ایران کماکان از دادوستد با بزرگ‌ترین اقتصاد جهان محروم می‌ماند.
- ❖ کلیه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می‌ماند.
- ❖ همه تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی‌ثبات‌کننده‌اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری‌اش به قوت خود باقی می‌ماند.

یک راه حل جامع

در این دوره شش ماهه، گروه ۵+۱ برای رسیدن به یک راه حل جامع مذاکره خواهد کرد. در پارامترهای کلی چنین توافقنامه‌ای اقداماتی پیش‌بینی شده است که به جامعه جهانی در خصوص صلح‌آمیز بودن ماهیت برنامه هسته‌ای ایران اطمینان می‌دهد. در خصوص این توافق باید بگوییم تا زمانی که کلیه مسائل برطرف نشود، توافقی حاصل نخواهد شد. در ۶ ماه آینده، ما مشخص خواهیم کرد که آیا راه‌حلی وجود دارد که به ما درباره صلح‌آمیز بودن برنامه ایران اطمینان دهد. اگر ایران نگرانی‌های ما را برطرف نکند، ما آماده می‌شویم تحریم و فشار را افزایش دهیم.

نتیجه‌گیری

این قدم اول به خودی خود یک معامله بزرگ محسوب می‌شود. بدون این توافق مرحله‌ای، ایران هزاران سانترفوژ دیگر را به چرخش در می‌آورد و سانترفوژهای نسل جدید که زمان رسیدن به مرحله آستانه هسته‌ای را کوتاه‌تر می‌کنند، نصب می‌کند. همچنین می‌توانست رآکتور آب سنگین اراک را راه‌اندازی کند و ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را افزایش دهد؛ اما در شرایطی که این توافق ایجاد کرده است، ایران نمی‌تواند هیچ‌کدام از کارها را انجام دهد. افزون بر این، اگر توافق مرحله‌ای حاصل نمی‌شد، تحریم‌های بین‌المللی با خطر فروپاشی روبرو می‌شد زیرا ایران می‌توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی‌توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم. حالا که توافق حاصل شده است، ما می‌توانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران یک گزینه بدهیم: به تعهدات خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند وگرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می‌دهد.

مردم آمریکا ترجیح می‌دهند یک راه حل صلح‌آمیز و پایدار حاصل شود که ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازدارد و معاهده منع تکثیر را تقویت کند. این راه حل ظرفیت تحقق اهداف مذکور را دارد. با دیپلماسی قوی و اصولی آمریکا می‌تواند به وظیفه خود در برقراری صلح، امنیت و همکاری عمل کند.